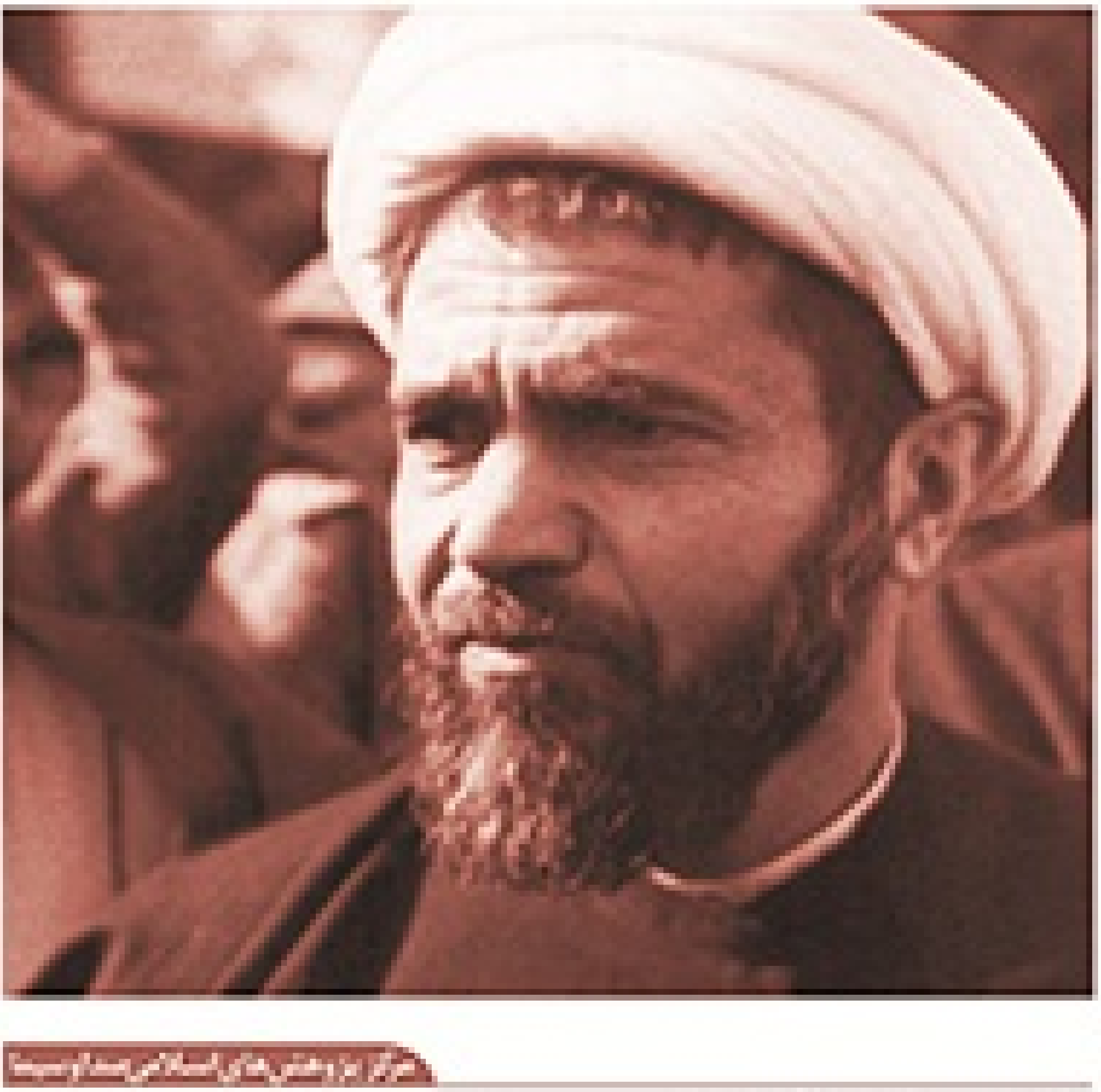
سیمای عالمان (۳)



مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

# زندگی‌نامه شهید آیت‌الله دکتر محمد مفتح

غلامرضا گلی زواره

بسم الله الرحمن الرحیم

# زندگی نامه شهید آیت الله دکتر محمد مفتح


نویسنده:

غلامرضا گلی زواره



ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# زندگی نامه شهید آیت الله دکتر محمد مفتح

## مشخصات کتاب

سرشناسه: گلی زواره، غلامرضا، ۱۳۳۷ -

عنوان و نام پدیدآور: زندگی نامه شهیدآیت الله دکترمحمدمفتح/غلامرضا گلی زواره؛ [تهیه کننده] مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر: قم: دفترعقل، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۱۰۵ ص. ـــ (مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۱۵۲۷)

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۳-۳۳-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: مفتح، محمد، ۱۳۰۷ - ۱۳۵۸ . ـــ سرگذشتنامه

موضوع: روحانیت ـــ ایران ـــ فعالیت های سیاسی

موضوع: ایران ـــ تاریخ ـــ پهلوی، ۱۳۲۰ ـ ۱۳۵۷ ـــ روحانیت

شناسه افزوده: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۷م۸گ/DSR ۵/۱۵۳۳

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۴۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۰۵۸۸۸

ص:۱

## اشاره

ص:۳

زندگی نامه شهید آیت الله دکتر محمد مفتح

کد: ۱۵۲۷

نویسنده: غلامرضا گلی زواره

ویراستار: مرضیه علاقه بند

تهیه‌کننده: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

ناشر: دفتر عقل

چاپ: زلال کوثر

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۸

شمارگان: ۱۵۰۰

بها: ۱۶۰۰۰ ریال

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

تلفن: ۲۹۱۹۶۷۰ _ ۰۲۵۱ دورنگار : ۲۹۱۵۵۱۰

تهران: خیابان جام جم، ساختمان شهید رهبر، طبقه زیرزمین

تلفن: ۲۲۰۱۴۷۳۸ نمابر: ۲۲۱۶۴۹۹۷

info@irc.ir www.irc.ir

شابک: ۷-۳۳-۵۵۶۳-۶۰۰-۹۷۸ / ۷-۳۳-۵۵۶۳-۶۰۰-۹۷۸ :ISBN

## دیباچه

دیباچه

تاریخ پر افتخار انقلاب اسلامی با فراز و فرودها و حوادث گوناگونی روبه رو بوده و همچون هر نهضتی نیازمند عبور از دو مرحله تأسیس و پایه ریزی و مرحله استقرار و پایداری بوده است و برای هر یک هزینه های سنگینی را پرداخت نموده و بی شک از حوادث اثرگذار و خون باری که سبب استقرار پایه های انقلاب و ریشه دواندن آموزه های آن در دل و جان مردم گردید حوادث مربوط به دهه اول انقلاب اسلامی است که در آن دشمنان کوردل و منافقان برای به زانو درآوردن رهبران نهضت و نابودی آن، دست ناپاک خود را به خون پاکان آلودند.

آنان در این راه از مردم کوچه و بازار تا رهبران تأثیرگذار را هدف ترورهای کور خود قرار دادند که یکی از شاخص ترین این رهبران شهید دکتر محمد مفتح می باشد. همو که طلایه دار وحدت میان حوزه و دانشگاه برای پیشبرد اهداف عالی اسلام بود و سالیان طولانی به این امر مهم اهتمام ورزید و سرانجام نیز در مقابل دانشکده الهیات به مقام والای شهادت نائل آمد تا هماره روز عروجش روز وحدت حوزه و دانشگاه نام گیرد و زمینه وحدت هر چه بیشتر این دو قشر تأثیرگذار را فراهم آورد. درود خداوند بر آن تلاش گر راه ایمان و عقیده. آنچه در این نوشتار توسط محقق ارجمند

جناب آقای غلامرضا گلی زواره انجام پذیرفته، گذری و نظری است بر تلاش های آن عزیز سفر کرده. ضمن تشکر از زحمات این محقق، امیدواریم این نوشتار، سهم اندکی باشد در معرفی اسوه های جهاد و شهادت و حق شناسی از کسانی که برای اعتلای ارزش های الهی وانسانی از جان مایه گذاشتند.

انه ولی التوفیق

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

## پیش گفتار

پیش گفتار

در تاریخ پر فراز و نشیب تشیع کاروانی از علما و فضلا دیده می شوند که برای احیای ارزش های معنوی و اخلاقی فداکارانه کوشیده اند، آن اسوه های وارسته با اعتقادی راسخ و ایمانی استوار و مقاومتی مداوم، تمامی توانایی های خود را به کار گرفته اند تا جامعه را از آلودگی های جهل، جور، جمود و خمود برهانند.

شهید آیت الله دکتر محمد مفتح همدانی در زمره این ستارگان فروزان است که عمر با برکت خویش را صادقانه در راه صیانت از معارف اسلامی و گسترش فرهنگ قرآن و عترت در جامعه به کار گرفت و در سنگرهای متعدد به ستیز با تباهی ها و آلودگی ها و رذالت ها پرداخت.

آن شهید والامقام از نظر کارنامه پربار مبارزاتی، فرزانگی، جامعیت و حمایت همه جانبه از نهضت امام خمینی و توجه به بنیان ها و شالوده اساسی حرکت های انقلابی از متفکران کم بدیل است.

دکتر مفتح با شیفتگی شگرف و با برخورداری از استعداد سرشار و هوش فوق العاده و همتی عالی علوم حوزوی را فراگرفت و با کسب مقام اجتهاد از مکتب اهل بیت جرعه های جاویدی نوشید. در دانشگاه نیز

تحصیلات را تا سطح دکترا ادامه داد و در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران به عنوان دانشوری توانا، استادی پرهیزکار و شخصی مبارز و تأثیرگذار به عنوان اسوه های برجسته برای تشنگان مکارم و فضایل مطرح گردید.

در تلاش های علمی و آموزشی آن عالم نوعی ابتکار، خلاقیت، نوجویی، توجه به نیازهای اجتماعی و رویکرد ویژه به نسل جوان به خصوص دانشجویان دیده می شود. مفتح به دلیل فروتنی، صدق و اخلاص با وجود نقش بارزی که در حرکت های فکری، فرهنگی، دانشگاهی و سیاسی از خود نشان داد، کمتر خود را مطرح ساخت و در واقع کارنامه اش از خودش مشهودتر است.

مفتح وقتی احساس کرد کارگزاران استبداد و استکبار درصددند برای عملی نمودن توطئه های خود بین حوزویان و دانشگاهیان تفرقه افکنند، برای ایجاد اتحادی اصولی، منطقی و ریشه ای بین این دو قشر، فداکارانه تلاش کرد و در این مسیر گام های استوار و ارزشمندی برداشت. به همین دلیل سالروز شهادتش به عنوان سالروز وحدت حوزه و دانشگاه معرفی شد چرا که او موفق گردید چشمه های باصفای فضیلت را در دشت های تشنه دانشگاه جاری سازد و این کانون علمی و فکری را با مراکز علوم دینی متحد و مأنوس سازد.

شهید مفتح از طریق سخنرانی های متعدد در شهرهای گوناگون ایران ضمن اینکه مردم مسلمان این نواحی را با وظایف دینی و شرعی خویش آشنا می ساخت و احساس تکلیف در برابر مسائل اجتماعی را در آنان زنده

می کرد، مبارزات سیاسی خود را پی گرفت و گسترش نهضت امام خمینی را در رأس برنامه های خود قرار داد.

به همین دلیل نیروهای امنیتی رژیم پهلوی از کوشش های تبلیغی او که صبغه ای سیاسی داشت احساس هراس نمودند و مکرر به او اخطار کردند که از این شیوه دست بردارد. احضارهای مکرر، بازداشت های متوالی و ممنوع المنبر گردیدن، هیچ گاه مفتح را از حرکت های انقلابی بازنداشت و بلکه او را در این مسیر مصمم تر ساخت.

وقتی ساواک جلو فعالیت های تبلیغی او را گرفت، کوشش های فرهنگی و فکری خویش را در سنگر مسجد و دانشگاه متمرکز ساخت و در این دو کانون که یکی عبادی و دیگری علمی بود، بسیاری از نیروهای جوان را برای پیوستن به خیزش اسلامی به رهبری امام خمینی تربیت کرد.

شهید مفتح مسجد قبا را در هنگام اوج گیری انقلاب اسلامی به یکی از مهم ترین کانون های هدایت نیروهای مبارز و مؤمن تبدیل کرد و در سازماندهی برخی راه پیمایی ها و تظاهرات تهران از این سنگر مقدس، نقشی تأثیرگذار داشت.

نوشتار حاضر که در شش فصل تدوین گردیده، فرازهایی از زندگی، کارنامه علمی و آموزشی، تلاش های مبارزاتی و سیره اخلاقی این متفکر شهید را مورد بررسی اجمالی قرار داده است. امید آنکه مورد توجه علاقه مندان قرار گیرد.

غلامرضا گلی زواره

پاییز ۱۳۸۸

## فصل اول: زندگی نامه

### اشاره

فصل اول: زندگی نامه

زیر فصل ها

پدر و مادر

تولد و آموزش های مقدماتی

در حوزه علمیه همدان

هجرت به قم

ازدواج

### پدر و مادر

پدر و مادر

شیخ محمود مفتح، فرزند کربلایی مهدی، از واعظان مشهور همدان بود که در سخنوری و خطابه، تدریس زبان و ادبیات عربی و برخی دانش های حوزوی مهارت بالایی داشت؛ چنان که با پرورش شاگردانی شایسته و خوش ذوق در حوزه علمیه این شهر، جنبه هایی از توانایی های علمی، فکری و ادبی خود را نشان داد.

همچنین اشعاری به عربی و فارسی سرود و به دلیل ارادتش به خاندان نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی(ع)، بیشتر سروده هایش را به مدح، منقبت و مراثی این خاندان اختصاص داد.(۱)

حاج شیخ محمود مفتح از روحانیانی بود که در دوره های نخستین تأسیس حوزه علمیه قم به شکوفایی رسید و از عنصر بنیان گذار حوزه، حاج شیخ عبدالکریم حائری بهره برد. آیت الله بروجردی و آخوند ملاعلی

---

۱- جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، گلشن ابرار، ج ۲، ص ۸۱۴.

همدانی، از خدمات آموزشی، تبلیغی و فرهنگی این واعظ وارسته قدردانی کرده بودند.(۱)

محمود مفتح، خانم فاطمه ثمالی را به همسری خود برگزید. حاصل این ازدواج، دو دختر و سه پسر بود که نخستینِ آنان محمد مفتح بود. شیخ محمود به دلیل علاقه فراوان به ابوحمزه ثمالی، صحابی امیر مؤمنان، علی(ع)، نام فامیلی ثمالی را برای خود و همسرش برگزید، ولی بعدها آن را به مفتح تغییر داد و نام ثمالی همچنان برای مادر مفتح باقی ماند. این بانو در سال ۱۳۵۴ به رحمت خدا رفت و حاج شیخ محمود در سال ۱۳۵۹، چند ماهی پس از شهادت فرزندش، شهید محمد مفتح، دار فانی را وداع گفت.(۲)

## تولد و آموزش های مقدماتی

تولد و آموزش های مقدماتی

در اواخر خرداد سال ۱۳۰۷ و در محله چهل پله همدان که از محله های کهن و بومی این شهر است، شیخ محمود صاحب فرزندی شد که او را محمد نامید. این طفل به برکت پرورش های پرمایه پدری فاضل و ادیب و مادری نیکوسرشت، به گونه ای تربیت شد که در سنین نوجوانی و جوانی، در مسیر فضایل اخلاقی گام نهاد و کوشید به حریم مردان خدا راه یابد.

وی از همان دوران ابتدایی تحصیل، هرگاه همراه پدرش به مجالس سخنرانی می رفت، در پایان سخنرانی های پرشور پدر و پیش از پایین آمدن ایشان از منبر، با صدایی رسا و گیرا، سروده هایی زیبا و پرمحتوا، در بیان مصایب اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خواند. این شیوه شایسته در محافل

---

۱- مفتاح حضور، گروه معارف شبکه دوم سیمای جمهوری اسلامی ایران، پاییز ۱۳۷۸.

۲- رحیم نیک بخت، زندگی و مبارزات شهید آیت الله دکتر محمد مفتح، ص ۲۶.

عزاداری به «پامنبری» معروف است و در میان شیعیان ایران سابقه ای کهن دارد.(۱)

محمد، مقدمات ادبیات فارسی و عربی را از پدر آموخت و ذوق ادبی اش نزد وی شکوفا شد. بعد از پایان دوران دبستان، به تشویق پدر و به دلیل اشتیاق درونی، در سال ۱۳۱۵ به حوزه علمیه همدان گام نهاد.

## در حوزه علمیه همدان

در حوزه علمیه همدان

محمد مفتح هفت سال در این حوزه به فراگیری مقدمات و سطح فقه و اصول، کلام، حدیث و منطق همت گمارد. آموخته های او در این حوزه، نوعی تحول درونی و نگرشی ژرف نسبت به حکمت و معرفت، در وجودش پدید آورد و تحصیل در آنجا سرآغاز بسیاری از کوشش های فرهنگی، آموزشی و علمی او بود. یکی از شخصیت هایی که در این کانون معرفت و معنویت، در شکل گیری اندیشه های او، نقش برجسته و تعیین کننده ای داشت، آیت الله آخوند ملاعلی معصومی همدانی (۱۳۱۲ – ۱۳۹۸ه_ .ق) بود. آیت الله معصومی همدانی در حکمت و عرفان، شاگرد فیلسوفان و حکیمانی چون حکیم هیدجی و در فقه و اصول، تربیت یافته مکتب حاج شیخ عبدالکریم حائری بود. وی در سال ۱۳۵۰ هجری قمری با اصرار و تقاضای اهالی متدین همدان و تأکید آیت الله حائری در این شهر اقامت گزید تا به تدریس و تبلیغ بپردازد. جلسه درس ایشان در مدرسه آخوند ملاحسین، که بعدها خودش آن را بازسازی کرد و به همین دلیل به نام او معروف شد، جاذبه و جامعیت ویژه ای داشت. محمد مفتح

---

۱- پژوهشکده باقرالعلوم(ع)، دیدار با ابرار (شهید مفتح تکبیر وحدت)، ج ۷۸، ص ۲۲.

در فقه، اصول، تاریخ ادبیات، تفسیر، حکمت، فسفه و عرفان، از اندیشه های روشنگرانه این روحانی برجسته بهره برد، ولی در کنار این توان بالای علمی، ویژگی های اخلاقی و معاشرتی آخوند بیش از فعالیت های آموزشی و علمی اش، بر دکتر مفتح اثر می گذاشت.

آخوند ملاعلی معصومی، ضمن آراستگی به زیور دانش و فضیلت، در عرصه های سیاسی و اجتماعی نیز فعال بود و در برابر اختناق و استبداد رژیم پهلوی و تهاجم فکری و فرهنگی استکبار مقاومت می ورزید. او از نهضت یار قدیمی و دوست دوران تحصیل خود، حضرت امام خمینی رحمه الله، حمایت می کرد و در این مسیر، سخنرانی ها و موضع گیری های مؤثر و نافذی داشت.(۱)

دکتر محمد مفتح در همدان با آیت الله حسین نوری همدانی، هم حجره، مأنوس و هم مباحثه گردید. آیت الله نوری همدانی می گوید:

برای فراگیری ادبیات و صرف و نحو وارد مدرسه علمیه همدان شدم. به آخوند ملاعلی معصومی همدانی پیشنهاد کردند حجره ای در مدرسه در اختیارم بگذارند. مرحوم آخوند فرمودند: صبر کنید تا هم حجره مناسبی از لحاظ استعداد و هوش در نظر بگیریم. بعد از دو سه روز که همراه پدرم خدمتشان رفتیم، فرمودند: یک هم حجره ای مناسب از لحاظ ذکاوت، تقوا و اصالت خانوادگی برایش در نظر گرفته ایم. وقتی به آن حجره وارد شدم، چشمم به چهره ای افتاد که از سیمایش آثار ذکاوت و هوش نمایان بود. او خود را به من معرفی کرد و گفت محمد فرزند محمود مفتح هستم. از آن تاریخ، پیوند رفاقت و مصاحبت میان ما برقرار شد، با هم درس می خواندیم

---

۱- احمد صابری همدانی و دیگران، «نجوم امت» (آخوند ملاعلی معصومی همدانی)، ماهنامه نور علم، دوره چهارم، شماره مسلسل ۴۶، مرداد و شهریور ۱۳۷۱، صص ۵۷ _ ۶۴؛ مجله اعتصام، ش ۱۹، آبان ۱۳۶۲، ص ۲۲.

و در دروسی که لازم بود، شرکت و مباحثه می کردیم. در قم هم مدتی با هم مشغول مباحثه بودیم.(۱)

## هجرت به قم

هجرت به قم

مدرسه علمیه همدان پاسخ گوی نبوغ فکری این نوجوان پویا و نواندیش نبود. به همین دلیل، وی با اشتیاق خاصی درصدد برآمد به عتبات عراق برود و در نجف اشرف دانش اندوزی کند، ولی والدینش با این تقاضای او، به دلیل کمی سنش مخالفت کردند. سرانجام با مشورت استادانش تصمیم گرفت به قم برود. به این ترتیب درحالی که شانزده بهار را پشت سر نهاده بود، در سال ۱۳۲۲ همدان را به قصد اقامت در قم ترک گفت و در یکی از حجره های مدرسه دارالشفای این شهر، زندگی جدیدی را آغاز کرد. این طلبه کوشا با وجود برخی تنگناها و دشواری ها، به دلیل ذوق سرشار، همت بالا و وجود استادانی برجسته و وارسته موفق شد در سال های ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۴، رسایل، مکاسب و کفایه را دقیق فراگیرد و از فاضلان حوزه قم به شمار می آمد.(۲)

وی بخشی از رسایل شیخ انصاری را از محضر آیت الله مجاهد تبریزی و مباحث دیگری از این کتاب و نیز مکاسب را نزد مرحوم آیت الله محقق داماد فراگرفت. در دروس خارج فقه و اصول فقه نیز از محضر آیت الله بروجردی، امام خمینی رحمه الله و آیت الله حجت کوه کمره ای بهره برد. حکمت و عرفان را در

---

۱- گفت وگو با آیت الله حسین نوری همدانی، به کوشش حجت الاسلام و المسلمین حمید صبری، شاهد یاران، سال دوم، ش ۱۱، دی ۱۳۷۵، ص ۱۳ ؛ نک: مصاحبه با آیت الله حسین نوری، مجله حوزه، سال پنجم، شماره مسلسل ۲۷، مرداد و شهریور ۱۳۶۷.

۲- علی مفتح و ناصر باقری بیدهندی، افکار استاد شهید دکتر محمد مفتح، ص ۳؛ «کوکب آسمان حکمت»، ماهنامه مبلغان، ش ۳۶، شوال ۱۴۲۳هـ . ق، صص ۹ ـ ۱۸.

حوزه درسی امام خمینی رحمه الله و علامه طباطبایی آموخت و مدتی کوتاه از فیوضات علمی مرحوم آیت الله میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی بهره منـد گردیـد. در برخی منابع آمـده که دکتر مفتح در دروس خارج حوزه، محضـر آیات عظام گلپایگانی و مرعشی نجفی را هم درک کرده است.

سرانجام وی در مدتی نسبتاً کوتاه به درجه اجتهاد رسید، ولی از آنجا که در مسیر کسب معرفت لحظه ای آرام نمی گرفت، به تحصـیلات دانشگاهی نیز علاقه مند شد و برای رسیدن به این مقصود، مسافت قم تا تهران را با زحمت فراوان و با وسایل نقلیه عمومی در شب های سـرد زمسـتان می پیمود، تا هم به درس حوزه برسد و هم از درس های دانشـگاه بازنماند. او سال ۱۳۳۳، در رشته معقول دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، تحصیل را آغاز کرد و در شهریور ۱۳۴۶، یعنی دو سال بعد از رسـیدن به درجه اجتهاد، در الهیات نیز مـدرک دکترا گرفت. پایان نامه تحصـیلی ایشان در این مقطع پژوهشـی، درباره نهج البلاغه بود. این رساله با داوری حجت الاسلام و المسلمین حسینعلی راشد تربتی، سید کمال الدین نوربخش و استاد مطهری با درجه ای عالی، در دانشکده الهیات پذیرفته شد.(۱)

## ازدواج

ازدواج

آیت الله حیـدرعلی جابری انصاری که نسـبش به جابر بن عبـدالله انصاری می رسـید، از علمای همـدان و اسـتاد برجسـته حوزه نجف بود. وی به اصرار مردم همدان، در سال ۱۳۱۲ نجف را به قصد همدان ترک کرد. سفارش های آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی در این مهاجرت بسیار مؤثر بود.

---

۱- محمد مفتح، آیات اصول اعتقادی قرآن، ص ۴۸؛ شاهد یاران، ش ۱۲، ص ۶؛ دیدار با ابرار، ج۷۸، ص ۳۲.

دکتر مفتح، ضمن پیمودن پله های ترقی و مدارج علمی، تصمیم گرفت با تشکیل زندگی مشترک، از سنت پسندیده نبوی پیروی کند و همسری برگزیند که نه تنها سنگ صبور و رازدار شب های تنهایی اش شود، بلکه از خستگی های فکری و روحی او نیز بکاهد و در لحظه های حساس و مسئولیت مهمی که بر دوش گرفته است، یار و یاورش باشد.

با چنین انگیزه ای، در ۲۱ سالگی و در سال ۱۳۲۸، عازم همدان شد تا در شبی خاطره انگیز، به منزل آیت الله حیدرعلی جابری انصاری برود و تنها دخترش را از وی خواستگاری کند. فاطمه جابری انصاری، متولد ۱۳۱۲ در نجف اشرف بود که زیر نظر پدری فاضل و پارسا به شکوفایی رسیده بود. خصال نیک و محاسن آشکار این بانو، نقش او را به عنوان همسری شایسته، دل سوز و باتدبیر در زندگی شهید مفتح، برجسته تر کرد.

زندگی مشترک آن دو، در شب مبارک نیمه شعبان سال ۱۳۶۸ هجری قمری (خرداد ۱۳۲۲) آغاز شد و آنها در محله نوربخش قم، در خانه ای استیجاری که مرحوم آیت الله مشکینی در آن سوی حیاطش ساکن بود، در کمال ساده زیستی و قناعت روزگار می گذراندند. حاصل سی سال زندگی مشترک خانم جابری انصاری و دکتر مفتح، چهار پسر و چهار دختر بود.(۱)

بانو فاطمه جابری انصاری درباره همسرش گفته است:

ملاک شهید مفتح در زندگی خانوادگی، دیانت، صداقت، نجابت و قناعت بود و این ویژگی در تمام امور زندگی ما محسوس بود. با توجه به مشغله فراوانی که ایشان داشتند، نگه داری از بچه ها و رسیدگی به امور منزل بر عهده من بود و همواره سعی می کردم ایشان با آرامش خاطر، به مسائل

---

۱- غلامرضا گلی زواره، اسوه فرزانگی و فداکاری، صص ۲۵ _ ۲۷.

اجتماعی، فعالیت های سیاسی و مبارزه علیه رژیم شاه بپردازد. با توجه به سختی هایی که در طول مبارزات سیاسی پیش می آمد، من نه تنها مخالف فعالیت های ایشان نبودم، بلکه زمینه های لازمه را برای او فراهم می کردم. شهید مفتح هم در منزل از [هیچ] گونه همکاری دریغ نداشت و به تمام مسائل ریز زندگی، تربیت و تحصیل فرزندان رسیدگی کامل می کرد.(۱)

---

۱- «شهید مفتح به روایت همسر»، شاهد یاران، ش ۱۴، دی ۱۳۸۵، ص ۶۷.

## فصل دوم: فعالیت های علمی، آموزشی و فرهنگی

### اشاره

فصل دوم: فعالیت های علمی، آموزشی و فرهنگی

زیر فصل ها



### تدریس در حوزه علمیه قم

تدریس در حوزه علمیه قم

دکتر مفتح پس از رسیدن به مدارج بالا در تحصیلات حوزوی و دانشگاهی، در حوزه قم به تدریس سطوح عالی فقه و اصول و منظومه سبزواری پرداخت. او ضمن تشریح مطالب منظومه، شرحی در دانش منطق نوشت که به دلیل محتوای ارزشمند، دسته بندی علمی و نظم مطالب، در اندک مدتی، به یکی از منابع اصلی تدریس منطق در حوزه قم تبدیل شد. یکی از شاگردان ایشان نقل کرده است:

در آن روزها من در درس این بزرگوار شرکت می کردم. آن روزها بازار فلسفه اسلامی خیلی در قم رونقی نداشت، اما در این حال، وی با روشنگری، بزرگ منشی و شخصیت کم نظیری که داشت، این درس را برای علاقه مندان بیان می کرد. اکثر

فضـلای آن روز، در درس منظومه حـاج ملاهـادی سبزواری که ایشـان [تـدریس] می فرمود، شـرکت می کردنـد، تا جایی که شبسـتان بزرگ مسجد امام حسن عسکری(ع) مملو از جمعیت بود و اکثراً هم جزو فضلا بودند. مفتح خیلی خوش بیان، فهیم و دقیق و

مطلّع بود.(۱)

شهید دکتر محمدجواد باهنر نیز یادآور شده است:

مفتح به عنوان یک مدرس که فلسفه را خوب فهمیده بود، در حوزه علمیه قم درس می گفت؛ در سایر دروس هم همین طور، چهره ایشان برای همه شناخته شده است.(۲)

محمد شریف رازی، مترجم معروف معاصر، نیز می نویسد:

زبده فضلای اعلام، حاج شیخ محمد مفتح همدانی، از اساتید ممتاز حوزه علمیه قم است.(۳)

آیت الله حسین نوری همدانی می گوید:

استاد مفتح بیان روان و رسایی مخصوصاً در تدریس داشت. لذا در حوزه علمیه قم، سالیان دراز به تدریس فقه و اصول، به ویژه فلسفه اشتغال ورزید که هم اکنون افراد بسیاری از خرمن علم و فضیلت آن استاد خوشه چینی کرده اند و در حوزه های علمیه به این موضوع مفتخر می باشند.(۴)

آیت الله شیخ جعفر سبحانی که حدود چهل سال از ایام تحصیل، با شهید مفتح مأنوس بوده است، نقل می کند:

مرحوم آیت الله مفتح ... بیان زیبایی داشت، در تنزل دادن مطالب دشوار فکری و فلسفی در حد فهم عموم، فوق العاده بود؛ یعنی سخت ترین مسائل را می توانست در لباس مَثَل بیان کند. در حوزه، مدّرس عالی مقامی بود و تدریسش خیلی مشتری داشت. کوشش می کرد خلأ ها را پر کند، مثلاً می توانست فقه و اصول تدریس کند، اما چون تدریس و تبیین مباحث فلسفی کم بود، به این رشته روی آورد.(۵)

---

۱- رحیم نیک بخت، زندگی و مبارزات شهید آیت الله دکتر محمد مفتح، صص ۵۱ و ۵۲.

۲- طاهره توفیقی، گلی از باغ بهشت (پژوهش منتشر نشده)، ص ۱۳۵.

۳- محمد شریف رازی، گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۴۰۱.

۴- شاهد یاران، ص ۱۳.

۵- شاهد یاران، ص ۱۴.

حجت الاسلام و المسلمین شیخ هادی مروی رحمه الله نیز می فرماید:

از سال ۱۳۴۴ که برای تحصیل به قم رفتم، آوازه آقای مفتح، به عنوان یکی از فضلای معروف و روشن بین حوزه به گوشم خورد. ایشان منظومه حکمت را تدریس می کردند و من بخشی از این کتاب را نزد وی خواندم.(۱)

هنگامی که دکتر مفتح به تهران رفت، رابطه اش را با حوزه علمیه قم قطع نکرد و هفته ای یک روز به قم می آمد و در علوم عقلی و نقلی، طلبه تربیت می کرد.(۲)

## در دبیرستان های قم

در دبیرستان های قم

مرحوم آیت الله حائری تهرانی با همکاری تنگاتنگ شهید دکتر بهشتی، دبیرستان دین و دانش قم را که نخستین دبیرستان اسلامی در این شهر مقدس بود، در سال ۱۳۳۳ تأسیس کرد.

دکتر مفتح در سال ۱۳۳۴، تدریس در این مرکز آموزشی و دینی را آغاز کرد. همچنین در دبیرستان های حکمت، حکیم نظامی و صدوق در زمینه های تربیتی و علمی فعالیت داشت و هدفش از این برنامه ها در مدرسه های جدید، ایجاد تحول فرهنگی و تربیت نسلی مؤمن، متعهد و مبارز بود. دکتر مفتح با دانش آموزان رابطه ای بسیار صمیمی داشت و به پرسش های آنان، با سعه صدر پاسخ می داد. به همین دلیل، دانش آموزان این مدارس به وی ارادت ویژه ای پیدا کرده بودند که حسد برخی از همکاران فرهنگی او را برمی انگیخت.(۳)

---

۱- شاهد یاران، ص ۳۳.

۲- مفتاح حضور، برنامه پنجم.

۳- شاهد یاران، ش ۱۴، صص ۱۷، ۳۱ و ۵۲؛ روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۷ آذر ۱۳۵۹، ص ۱۲.

از آنجا که مفتح از مدرسان معروف حوزه علمیه قم بود، اشتغال وی و شهید دکتر بهشتی در مدرسه های جدید، چندان مورد استقبال برخی کهنه اندیشان قرار نگرفت؛ زیرا آنها می پنداشتند این استادان معروف، با رفتن به چنین مراکز آموزشی، مقام علمی و فکری خود را پایین می آورند. عده ای هم این دو را متهم کردند که برای مسائل مادی، به تدریس در دبیرستان دین و دانش و حکیم نظامی، روی آورده اند، درحالی که هدف اصلی این دو دانشور بزرگوار از نفوذ در عرصه فرهنگ و حضور در مدرسه ها، تربیت نسلی جدید و موافق ارزش های معنوی و معیارهای انقلابی بود. بخش مادی این موضوع و تأمین هزینه زندگی از راه فعالیت های فرهنگی و آموزشی، هدف اصلی آنها نبود، ولی بی تردید، در استقلال فکری شان تأثیر داشت؛ زیرا خود را به وجوه شرعی و دریافت شهریه از حوزه علمیه وابسته نمی دانستند و ضمن اداره زندگی خویش، به پرورش جوانان همت گماشته بودند.(۱)

## کانون اسلامی دانش آموزان و فرهنگیان

کانون اسلامی دانش آموزان و فرهنگیان

دکتر مفتح برای تقویت پیوند دانش آموزان و دبیران و روحانیان، با همکاری دکتر بهشتی و آیت الله خامنه ای، «کانون اسلامی دانش آموزان و فرهنگیان» را بنیان نهاد. این کانون که نخستین مجتمع اسلامی پویا بود و در آن افرادی با گرایش های گوناگون حضور می یافتند، جلوه ای از هماهنگی چندین قشر اثرگذار جامعه، با محوریت موازین اسلامی و دینی بود. در جلسه های هفتگی این کانون، دانشمندانی فرزانه درباره مسائل دینی، اجتماعی و

---

۱- سید هادی خسروشاهی، «نیم نگاهی به کارنامه علمی و فرهنگی شهید مفتح»، شاهد یاران، ص ۳۱.

فرهنگی سخنرانی می کردند و به پرسش ها، ابهام ها و اشکالات، پاسخ هایی قانع کننده می دادند. این جلسه ها در مسجد رضوی قم، واقع در خیابان نوزده دی (باجک) تشکیل می شد. شهید دکتر بهشتی دراین باره گفته است:

در همان سال ها در قم به مناسبت تقویت پیوند بین دانش آموز و فرهنگی، دانشجو و طلبه، به ایجاد کانون دانش آموزان دست زدیم و مسئولیت مستقیم این کار را برادر و همکار و دوست عزیزم، مرحوم شهید مفتح به دست گرفتند. بسیار جلسات جالبی بود، هر هفته یکی از ما سخنرانی می کردیم و دوستانی از تهران می آمدند و گاهی مرحوم شهید مطهری و دیگر مدرسین حوزه قم برای سخنرانی می آمدند. در یک مسجد، طلبه، دانش آموز، دانشجو و فرهنگی همه دور هم می نشستند و این در حقیقت، نمونه ای از تلاش برای پیوند بین دانشجو و روحانی بود.(۱)

مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای نیز درباره این کانون نقل کرده است:

در سال ۱۳۳۹ یا ۱۳۴۰ اقدام کردیم برای ایجاد یک کانون اسلامی دانش آموزان و فرهنگیان قم و اولین مجمع هماهنگ کننده و نزدیک کننده روحانی و دانشجو که پیوندشان مبارک بود را در آن شهر به وجود آوردیم. روحانی، دانشجو، دانش آموز و فرهنگی در مسجد، روزهای جمعه گردهم می آمدند و بحث های اسلامی داشتیم با آهنگ اجتماعی.(۲)

یکی از مهم ترین مسائلی که شهید مفتح در این جلسه ها به آن اهتمام ویژه داشت، ارتقای آگاهی های افراد بود. در این کانون، دانش آموزان و دانشجویان ضمن آشنایی با مبانی معرفتی اسلام، به مشکلات اجتماعی و

---

۱- مصاحبه دکتر بهشتی با روزنامه جمهوری اسلامی، ویژه نامه شهیدان، ۲۷ آذر ۱۳۵۹، ص ۱۲؛ سید محمدحسین حسینی بهشتی، رسالت دانشگاه و دانشجو، ص ۱۳.

۲- سید علی خامنه ای، دیدگاه ها، صص ۲۲۳ و ۲۲۴.

سیاسی عصر خویش پی می بردند و انگیزه های مبارزه با استبداد و مقاومت در برابر فرهنگ پست وارداتی که نظام ستم شاهی مروج آن بود، در وجودشان شکوفا می گردید.

مفتح از این رهگذر، محبوبیت ویژه ای در میان طلبه ها و دانشجویان به دست آورد. وی با فعالیت های فرهنگی و آموزشی خویش، تحولاتی در اعضای این کانون و دانش آموزان دبیرستان های معروف قم پدید آورد و آنان را از کارنامه سیاه دستگاه ستم و تهاجم فرهنگی قدرت های استکباری آگاه ساخت. ازاین رو، رژیم پهلوی از ادامه فعالیت های این کانون نگران شد. با شدت گرفتن مبارزات سیاسی علیه دستگاه استبدادی، آیت الله دکتر بهشتی و آیت الله خامنه ای که از برنامه ریزان این کانون بودند، موفق به ادامه همکاری نشدند. همچنین ساواک برای متوقف ساختن کوشش های مفتح، در سال ۱۳۴۷ وی را از آموش و پرورش اخراج و به منطقه ای بد آب وهوا در جنوب شرقی کشور تبعید کرد. سال بعد نیز که ایام تبعید وی خاتمه یافت و می خواست به قم بازگردد، از ورود او به این شهر جلوگیری کرد و وی ناچار شد در تهران اقامت گزیند. سرانجام فعالیت های کانون اسلامی دانش آموزان متوقف گردید.(۱)

## مجمع علمی اسلام شناسی

مجمع علمی اسلام شناسی

از اقدام های مؤثر، زیربنایی و بابرکت دکتر مفتح، تشکیل «مجمع اسلام شناسی» در اواخر دهه ۱۳۴۰ در قم بود. او که به دلیل فعالیت های

---

۱- آیات اصول اعتقادی قرآن، ص ۵۵؛ زندگی و مبارزات شهید آیت الله دکتر محمد مفتح، ص۹۴.

انقلابی و فرهنگی، به کرمان تبعید شده بود، توانست با پی گیری های فراوان، خود را به تهران انتقال دهد. در برخی اسناد ساواک آمده است:

به دلیل آنکه وی حاضر به اجابت دعوت آیت الله شریعتمداری برای تدریس در مرکز دارالتبلیغ اسلامی نشده و نیز از طرف داران سرسخت امام خمینی رحمه الله است، شریعتمداری در جهت حمایت از وی در مسئله انتقالش، به مفتح کمکی [نکرده] است.(۱)

با وجود این تنگناها و فشارهای سیاسی، مفتح در کنار فعالیت های علمی، آموزشی و تبلیغی خود در تهران، جلسه های مجمع علمی اسلام شناسی را نیز در قم برگزار کرد.

وی طلبه هایی را که ذوق ادبی و استعداد نگارش داشتند و به معرفی فرهنگ اسلامی از راه نگارش کتاب و مقاله علاقه مند بودند، به این مجمع فراخواند تا برنامه ای منسجم و سازمان دهی شده را که بار علمی و فرهنگی داشت و می توانست تحول آفرین باشد، عملی سازد.

جلسه های این مجمع، با هدایت و نظارت خود دکتر مفتح برگزار می شد و در آن، فضلا و نویسندگان حوزه، آثار خود را در زمینه های گوناگون اسلام شناسی و مسائل مسلمانان و جهان اسلام مطرح می کردند. این آثار پس از بررسی و اصلاحات لازم، با مقدمه ای از شهید مفتح، چاپ می شد و در اختیار علاقه مندان مباحث و اندیشه های ناب اسلامی قرار می گرفت.

شهید مفتح در این مجمع به نویسندگان روحیه می داد و آنان را به مبارزه با نادانی و ستم و بی عدالتی برمی انگیخت. همچنین در زمینه نگارش و رعایت نکته های ویرایشی و استفاده از منابع معتبر، نویسندگان را راهنمایی

---

۱- آیت الله گلپایگانی به روایت اسناد ساواک، ج ۲، ص ۱۲۳.

و توصیه می کرد که مطالب خود را به صورت ژرف، مستدل مستند و در عین حال ساده، روان و رسا و به دور از هر گونه تکلف تنظیم کنند.

مفتح اصرار داشت مؤلفان، نخست دردها، آسیب ها و آفات جامعه اسلامی را بشناسند و سپس با توجه به نیازهای مردم و مقتضیات سیاسی و اجتماعی، آثار شان را تألیف کنند. در آن دوران، بحث هایی چون زیارت و دعا، راه یافتن خرافات به مجالس و محافل مذهبی، اوضاع مسلمانان و دلایل انحطاط آنان، سلطه استکبار بر سرزمین های اسلامی، ستم حاکمان کشورهای اسلامی، فرقه گرایی و تفرقه امت مسلمان از موضوع های مطرح در این مجمع بود و نویسندگان هم در این زمینه ها مطلب می نوشتند.(۱)

حجت الاسلام و المسلمین سید ابراهیم سید علوی در این باره می گوید:

ما جلساتی داشتیم تحت عنوان اسلام شناسی، با سرپرستی دکتر محمد مفتح که در واقع بار سیاسی داشت. یکی از موضوعاتی که مطرح می گردید، موضوع استعمار و رهاوردهای آن بود که چاپ شد و بعضی موضوعات دیگر مثل اسلام؛ پیشرو نهضت ها، که دوستان دیگری این کارها را می کردند. هرچند که موضوع یک قسمت از کتاب من، جهان بینی حضرت علی(ع) بود؛ [یعنی] مسئله ای کاملاً اعتقادی و فکری، اما قسمت دوم جهان داری حضرت که در آنجا مطرح شد، ولو به صورت چگونگی تشکیل نظام و حکومت اسلامی بود، که خواه ناخواه ساواک از این موضوع اطلاع داشت و پاپیچ این جلسه شد و آقای مفتح به تهران آمدند و به دانشکده الهیات رفتند. قبل از این، خانه ایشان در اختیار ما بود. وقتی به تهران رفتند، آن جلسات به هم خورد. (۲)

---

۱- اسوه فرزانگی و فداکاری، صص ۷۲ و ۷۳.

۲- افکار استاد شهید دکتر محمد مفتح، ص ۹ .

مصطفی زمانی درباره حساسیت های ساواک به تلاش های این مجمع نوشته است:

اولین کتابی که به نام مجمع اسلامی منتشر شد، ترجمه کتاب الشیعه و الحاکمون از محمدجواد مغنیه، نویسنده شیعه لبنانی بود که تحت عنوان شیعه و زمامداران خودسر به زبان فارسی برگردانده شد. این کتاب را پانزده روزه ترجمه کردم و در خلال ترجمه در طول یک ماه به چاپ رساندم. به محض انتشار کتاب، شهید مفتح، به عنوان اداره کننده مجمع، به سازمان امنیت احضار گردید و تحت فشار ساواک قرار گرفت. سؤال ها، تلفن ها و احضارها، وی را از طرح مطالب در مجمع و بحث و بررسی و ایجاد رشد فکری بازنمی داشت.(۱)

حجت الاسلام و المسلمین هادی مروی در خاطراتش گفته است:

ایشان (مفتح) جلسات اسلام شناسی را دایر کرده بودند که به شکل سیار در منزل برخی فضلای اهل قلم حوزه برگزار می شد. این مجلس در آن زمان به بررسی شبهات و مسائلی که به شکلی در میان جوانان مطرح بود و طبعاً باید فضلا در مورد آنها توجیه می شدند، می پرداخت تا طلاب به هنگام حضور و تبلیغ در شهرستان ها توفیق بیشتری داشته باشند. پژوهش و پاسخ دهی به هر یک از شبهات، به فردی که آمادگی داشت، سپرده می شد و این فرد با بررسی دقیق درباره آن موضوع، جزوه ای را تهیه می کرد و آقای مفتح خودشان بر آن مقدمه ای می نوشتند.(۲)

در گزارش ساواک آمده است:

جلسات علمی اسلام شناسی، زیر نظر دکتر محمد مفتح، به منظور آشنایی اعضا با سبک نویسندگی و نوشتن کتاب هایی درباره شناسایی

---

۱- اسوه فرزانگی و فداکاری، ص ۷۵. (با اندکی تغییر)

۲- شاهد یاران، همان، ص ۳۳. (با اندکی تغییر)

اسلام، در قم تأسیس گردید. اعضایش چهارده نفرند و عبارتند از: آقایان دکتر محمد مفتح، علوی تبریزی، محصل همدانی واعظ، سید ناصر بهاری همدانی، محمد ولایتی تبریزی، مقدم زنجانی، سید جعفر شیخ الاسلامی، احمد مصطفوی کرمانی، محمد حقانی تهرانی، مصطفی زمانی نجف آبادی، شریعتی سبزواری، عبدالرحیم عقیقی بخشایشی تبریزی، غلام حسین رحیمی اصفهانی و محمودی اهوازی. محل تشکیل جلسات، معمولاً در چاپ خانه یحیی برقعی به نام حکمت قم می باشد و نشریات جلسات مزبور به صورت کتاب منتشر می شود و برای اغلب آنها مفتح مقدمه ای تهیه می نماید. کتاب هایی که تاکنون توسط اعضای جلسه منتشر شده، عبارتند از: به سوی اسلام یا آیین کلیسا، کودک نیل یا مرد انقلاب، شیعه و زمامداران خودسر، دنیا در خطر سقوط، آینده اسلام، ابراهیم بت شکن یا قهرمان توحید از مصطفی زمانی، همسران رسول خدا نوشته عبدالرحیم بخشایشی، اسلام و حقوق کارگران از سید جعفر شیخ الاسلامی، اسلام پیشرو نهضت ها نوشته مصطفوی کرمانی و حقانی تهرانی... . هدف این جلسات، روشن [است] و با توجه به اینکه غالب کتبی که به وسیله این مجمع تهیه شده خلاف مصالح و حاوی مطالب تحریک کننده است، بایستی ترتیبی اتخاذ شود که محدودیت هایی برای این افراد و عوامل نشریاتی و تبلیغاتی آنان فراهم گردد.(۱)

اعضای این مجمع، کتاب های دیگری هم تألیف و چاپ کردند که عنوان کتاب ها و مؤلفان آنها به این شرح است: زیارت، خرافه است یا حقیقت از غلام حسین رحیمی اصفهانی؛ مصاحبه ای درباره خرافه و نیرنگ از سید کاظم ارفع و اسلام بر سر دو راهی از محمد اسد اتریشی، ترجمه: آقایان علی اکبر حسنی و عقیقی بخشایشی؛ دعا، عامل رکود یا پیشرفت به قلم محمد

---

۱- یاران امام به روایت اسناد ساواک، کتاب بیست و ششم (شهید آیت الله دکتر محمد مفتح)، ص۶۸؛ اسوه فرزانگی و فداکاری، صص ۷۳ و ۷۴؛ رسول جعفریان، جریان ها و سازمان های مذهبی سیاسی ایران، صص ۳۲۴ و ۳۲۵.

مصطفوی کرمانی، جهان بینی و جهان داری حضرت علی(ع) نوشته سید ابراهیم سید علوی و ره آوردهای استعمار از مهدی طارمی.

بعد از انتشار این آثار، درحالی که پایه های این مجمع استحکام یافته بود، تصمیم بر این شد که نشریه ای با عنوان «اسلام شناسی» انتشار دهند. مقدمات چاپ و نشر این نشریه فراهم شد، ولی ساواک از این برنامه باخبر گشت و مجمع را تعطیل و مفتح را دستگیر کرد.(۱)

## پژوهش های بنیادی

پژوهش های بنیادی

شهید مفتح و گروهی از فضلای حوزه، به ویژه آیت الله دکتر بهشتی، در پی سامان دادن به اندیشه سیاسی اسلام و مبانی فکری حکومت اسلامی، پژوهشی گسترده را آغاز کردند. به همین منظور، موضوع هایی برای فیش برداری از منابع دست اول دینی این گروه مشخص شد تا طلبه هایی که با این مجموعه همکاری داشتند، زیر نظر ایشان، منابع را از متون معتبر استخراج کنند. شهید مظلوم دکتر بهشتی در این باره می گوید:

از جمله همکاری هایی که ایشان با دوستان ما، من و چند نفر دیگر، داشتند، کاری بود که در یک زمینه تحقیقاتی شروع کرده بودیم. چند سالی بود کار می کردیم که پژوهش های وسیعی را پیرامون مسائل بنیادی اسلام پی گرفته بودیم.(۲)

در همین زمینه، شنبه ها در مسجد امیرالمؤمنین(ع) که امامت آن به عهده آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی بود، جلسه ای برگزار می شد. اوج گیری و سپس پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، این پژوهشگران را از ادامه فعالیت در این عرصه بازداشت. بعد از شهادت دکتر مفتح،

---

۱- دیدار با ابرار، ج ۷۸، ص ۶۵.

۲- زندگی و مبارزات شهید آیت الله دکتر محمد مفتح، صص ۱۱۵ و ۱۱۶.

فیش های مربوط به این پژوهش ها در اختیار آیت الله دکتر بهشتی قرار گرفت.(۱)

## همکاری با مطبوعات دینی

همکاری با مطبوعات دینی

۱. مجله مکتب اسلام در سال ۱۳۳۷ به منظور تبلیغ دین مبین اسلام و آشنا کردن مردم با مباحث دینی و قلمروهای اسلامی بنیان نهاده شد. در تأسیس این نشریه، آیات محترم و حجج اسلام ناصر مکارم شیرازی، سید موسی صدر، مجدالدین محلاتی، سید مرتضی جزایری، حسین نوری، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، محمد واعظ زاده خراسانی، علی دوانی، جعفر سبحانی، حسین حقانی و شهید دکتر محمد مفتح نقش مؤثری داشتند.(۲)

در تحریریه مجله نیز روحانیانی چون محمد مجتهد شبستری، سید هادی خسروشاهی، مجید رشیدپور، زین العابدین قربانی گیلانی، محمد کرمی، رضا گلسرخی و علی حجتی کرمانی عضو بودند.

دکتر مفتح در سال چهارم انتشار این مجله، مقاله هایی درباره نقش عالمان مسلمان در پیشرفت علوم نوشت. سال پنجم نیز در موضوع توجه مسلمانان به علوم دیگران، پژوهش های مسلمانان در علم طب و آثار گران بهای محمد زکریای رازی، مطالبی را در مجله چاپ کرد.

۲. نخستین شماره نشریه مکتب تشیع، در بهار سال ۱۳۳۸، به کوشش شهید دکتر محمدجواد باهنر، محمدباقر مهدوی و اکبر هاشمی رفسنجانی در اختیار

---

۱- زندگی و مبارزات شهید آیت الله دکتر محمد مفتح، ص ۱۱۶.

۲- یاران امام به روایت اسناد ساواک (شهید دکتر مفتح)، صص ۷۰ و ۷۱؛ مطبوعات اسلامی، ص ۱۰۶؛ مجله یاد، ش ۸، صص ۴۸ و ۵۰؛ مجله حوزه، ش ۴۳ و ۴۴، ص ۲۱۳.

علاقه مندان قرار گرفت. مفتح با عرضه چند مقاله همکاری خود را با این مجله آغاز کرد. یکی از این مقاله ها «مکتب اخلاقی امام صادق(ع)» نام دارد.

۳. سالنامه مکتب جعفری از دیگر نشریه های منظم قم بود که نخستین شماره اش در سال ۱۳۴۰ انتشار یافت. احمد محصل یزدی و سید کاظم رضوی یزدی از بنیان گذاران این نشریه بودند. شهید مفتح با این سالنامه نیز همکاری داشت.(۱)

## آثار و تألیفات

آثار و تألیفات

۱. ترجمه چند جلد از تفسیر مجمع البیان طبرسی: جلد اول آن را با همکاری آیت الله حسین نوری همدانی به فارسی برگرداند، ولی جلد دوم تا دهم را خود به تنهایی ترجمه کرد.

۲. حاشیه بر کتاب الاسفار الاربعه ملاصدرا: این حاشیه از تسلط مفتح بر مبانی و مضامین اساسی حکمت اسلامی حکایت دارد. به گفته آیت الله سبحانی، ایشان این اثر را در طول سالیانی دراز نوشت و درصدد بود در ایران به چاپ برساند که با موانع و اشکال تراشی های ساواک روبه رو شد. دکتر مفتح در سفری که به مصر داشت، نسخه خطی را با خود برد و با چاپ خانه ای در قاهره برای چاپ و نشر آن قرارداد بست، ولی اوج گیری انقلاب اسلامی سبب شد وی به ایران بازگردد. کتاب هم در مصر چاپ نشد و نسخه خطی آن، همان جا ماند و به دلیل اختلال در روابط مصر و ایران، امکان پی گیری و پس گرفتن آن از دست رفت. خوشبختانه در سال های اخیر کپی بخشی از یادداشت های مفتح در حواشی به اسفار، از

---

۱- مطبوعات اسلامی، صص ۱۰۸ و ۱۰۹؛ جریان ها و سازمان های مذهبی سیاسی ایران، صص ۳۶۹ و ۳۷۰؛ شاهد یاران، صص ۳۲ و ۳۳.

میان اوراق کتاب خانه اش پیدا شده است که امید است در اولین فرصت چاپ شود.(۱)

۳. روش انـدیشه: دکتر مفتـح هنگام تـدریس منظومه حکیم سبزواری، در حوزه علمیه قم این کتاب را نوشت. علامه طباطبایی در مقدمه خود بر این کتاب، محتوایش را ستوده است.

۴. حکمت الهی و نهج البلاغه: این اثر در واقع پایان نامه تحصیلی دوره دکترای شهید مفتح است و در پیش گفتاری مفصل و سه بخش سامان یافته است.

۵. آیـات اصول اعتقـادی قرآن: این کتـاب، دربرگیرنـده پژوهش هـای کلامی اسـتاد شـهید با تکیه بر آیات قرآن است که در ضمیمه آن، نمونه هایی از مقاله ها و سخنرانی های وی و نیز شرح حالش دیده می شود.

۶. نقش دانشـمندان در پیشـرفت علوم: دکتر مفتح نخست مقاله هایی دراین باره نگاشت که در مجله مکتب اسلام چاپ شد و بعدها مجموعه آن مباحث، در کتابی مستقل گرد آمد.

۷. ویژگی های زعامت و رهبری: شامل مقاله ها و سـخنان دکتر مفتح درباره ویژگی های رهبری در اسـلام، انفکاک ناپذیری رهبری معنوی و سیاسـی در اسـلام و آزادی در حکومت اسـلامی است. شـهید مفتـح این مطالب و سـخنان را در سال ۱۳۵۶ و هنگام اوج گیری نهضت اسلامی عرضه کرده است.

---

۱- نک: شاهد یاران، صص ۱۳، ۱۴، ۳۲ و ۶۷.

۸. مقاله هایی که در موضوع های گوناگون اسلامی، اجتماعی، اخلاقی و تاریخی نوشته و در نشریه های دینی از جمله مکتب اسلام، سالنامه معارف جعفری، مکتب تشیع و روزنامه پرچم اسلام، چاپ کرده است.

۹. ترجمه بخش هایی از تفسیر صافی ملامحسن فیض کاشانی که با نظارت و اشراف آن شهید به فارسی برگردانده شد و دست نویس آن نزد خانواده اش نگه داری می شود.

۱۰. ترجمه کتاب شهداء الفضیله علامه عبدالحسین امینی (دست نویس).

۱۱. نگارش مقدمه بر سیزده جلد کتاب که نویسندگان حوزه نوشته بودند و در مجمع اسلام شناسی چاپ شد.

## استاد دانشکده الهیات

استاد دانشکده الهیات

به دلیل فعالیت های تحول آفرین فرهنگی و آموزشی مفتح در قم، ساواک برایش مشکلاتی پدید آورد و او را به اجبار، به کرمان منتقل کرد. ازاین رو، وی دیگر نتوانست آرمان های مقدس و اهداف خالصانه خود را در قم پی گیری کند. از سویی در دانشگاه تهران، مروّجان مکتب های مادی و الحادی، عقاید باطل خود را به خورد دانشجویان می دادند.

در این شرایط، به تبلیغ و تبیین مباحث اسلامی و نقد فلسفه ماتریالیسم و ابطال افکار مارکسیستی بسیار نیاز بود. شهید مطهری سال ها پیش از آن، برای پالایش این آلودگی های فکری و اعتقادی، به دانشکده الهیات دانشگاه تهران رفته بود و در این زمینه، اقدام های مؤثر و مفیدی نیز انجام داد، ولی ایشان تنها بود. اگر دکتر مفتح به تهران می آمد و در آن کانون به وی کمک می کرد، قدری از مشکلات و آشفتگی های پیش روی کاسته می شد.

به همین دلیـل، دکتر مفتـح در ۱۵ شهریور ۱۳۴۸ از سـمت دبیری در آمـوزش و پرورش اسـتعفا کرد و در سـوم تیر ۱۳۴۹ در سمت اسـتاد یاری تمام وقت دانشـگاه اسـتخدام شـد. برنامه جدید، به مفتح اسـتقلال عمل داد و موقعیت مناسبی برای برقراری ارتبـاط بـا جوانـان دانشـگاهی برایش فراهم آورد. همچنین او بـا اقـامت در تهران توانست فعـالیت هـای مبارزاتی را با زیربنای فرهنگی و آموزشی، سازمان دهی کند.(۱)

دکتر مفتـح در سال دوم دوره لیسانس دانشـکده الهیات، مقاصـد الفلاسـفه غزالی، در سال سوم و چهارم این مقطع، اشارات و تنبیهات ابوعلی سـینا و در سال چهارم، هیاکل النور شهاب الدین سهروردی را درس می داد. در دوره فوق لیسانس نیز منظومه سبزواری و در مقطع دکترا، سـیر فلسـفه در اسـلام و مبـانی علم کلاـم (متن کتاب کشف المراد خواجه نصـیرالدین طوسـی) را بحث و بررسی می کرد.(۲)

در جلسه ۲۵ آذر ۱۳۵۱، گروه فلسـفه و حکمت اسلامی این دانشکده که دکتر مطهری، دکتر مفتح و دیگر استادان از اعضای آن بودنـد، دربـاره یک طرح تحقیقاتی گفت وگوهایی کردنـد و تصـمیم گرفتنـد کتاب نجات ابوعلی سـینا را پس از بررسـی نسخه های خطی معتبر و ژرف کاوی و تحقیق در آن و پس از منقح کردن متن، ترجمه کنند. دکتر عزتی، بخش منطق و دکتر مفتح، بخش فلسفه آن را به فارسی ترجمه کردند.

امیرحسـین آریا ن پور، از نوادگان نایب حسـین کاشی، با اینکه دکترای فلسفه هم نداشت، با زمینه سازی ساواک، از دانشکده ادبیات به دانشکده

---

۱- نک: یاران امام به روایت اسناد ساواک، صص ۴۹۸ و ۴۹۹.

۲- یاران امام به روایت اسناد ساواک، ص ۵۳۵.

الهیات انتقال یافت. او با دیدگاه های مادی گرایانه اش، به نشر افکار مارکسیستی پرداخت. عوامل رژیم پهلوی، آریان پور را در برابر دکتر مطهری و دکتر مفتح قرار دادند تا ایدئولوژی مبارزات اسلامی آن بزرگواران را ناکارآمد سازند. وی بارها به خاطر طرح مسائل الحادی در کلاس، اعتراض دانشجویان را برانگیخت. یک بار دکتر مفتح به شدت از رفتار وی عصبانی شد و واکنش نشان داد. استاد شهید مطهری ضمن دفاع از ایشان، به عنوان مدیر گروه فلسفه و حکمت اسلامی اعلام کرد آریان پور دیگر نباید به دانشکده بیاید؛ در غیر این صورت ما بیرون می رویم. رژیم برای مدت کوتاهی وی را از تدریس محروم کرد، ولی چندی بعد برایش برنامه درسی گذاشت. شهید مطهری برای اعتراض به این وضع، از دانشکده رفت و کسی هم برای بازگرداندن ایشان اقدامی نکرد. (۱)

دکتر سید محمدباقر حجتی که در آن زمان، همکار این دو استاد شهید در دانشکده الهیات بوده است، می گوید:

جذب دانشجویان به وسیله ایشان (مفتح) بسیار خوب بود؛ یعنی یک عده از دانشجویان متدین، از سال ها پیش از انقلاب، با ایشان انس داشتند و از نظراتشان استفاده و حمایت می کردند. بسیار پای بند بودند به ایده های خودشان و خیلی هم روی آن پافشاری می کردند و به همین دلیل هم در دانشکده با یکی از اساتید که حرف های الحادی می زد، درگیری پیش آمد و شهید مفتح خیلی سخت و [قاطع] با او مواجه شدند.(۲)

شهید مفتح از رمضان سال ۱۳۹۲ هـ . ق (۱۳۵۱) در مسجد دانشگاه تهران فعالیت های تبلیغی و فرهنگی داشت. او پس از اقامه نماز جماعت،

---

۱- یادواره استاد شهید مرتضی مطهری، به کوشش: سید حسین شفیعی دارابی، صص ۱۸۴ و ۱۸۵؛ ابوالفضل شکوری، فرهنگ رجال و مشاهیر تاریخ معاصر ایران، ج ۲، صص ۴۷ و ۴۸.
۲- شاهد یاران، ص ۳۸.

به پرسش های اعتقادی و شرعی دانشجویان پاسخ می گفت و برخی سوره های قرآن را تفسیر می کرد.(۱)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شهید مفتح درحالی که سرپرست کمیته انقلاب اسلامی منطقه ۴ تهران بود، ریاست دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران را نیز پذیرفت. وی در سنگر دانشگاه، برای ایجاد تحول در برنامه های درسی و انتقال فرهنگ اسلامی به این پایگاه علمی بسیار کوشید و در این زمینه استادان متعهد و برجسته ای را جذب این کانون حکمت و دیانت کرد. حتی در پی برنامه ریزی گسترده ای برای تأسیس یک دانشگاه جامع اسلامی بود که متأسفانه شهادتش این طرح را ناتمام گذاشت.(۲)

## اهتمام به وحدت حوزه و دانشگاه

اهتمام به وحدت حوزه و دانشگاه

شهید مفتح را پایه گذار وحدت حوزه و دانشگاه می دانند. منظور ایشان از وحدت حوزه و دانشگاه این نبود که این دو نهاد در یکدیگر ادغام شوند و هر یک وظیفه و کار اصلی خود را رها سازد و به کار در حیطه دیگری بپردازد. بحث بر سر این بود که حوزه و دانشگاه با هم ارتباط و تعامل داشته باشند و حرف های یکدیگر و ساحت فکری و علمی هم را خوب درک کنند تا با این درک متقابل، به نگرشی متکی بر ارزش ها برسند و در پژوهش های علمی، هدف های تحصیلی و در استفاده از امکانات طبیعی، تدوین منابع درسی و تربیت نیروی انسانی، بر اساس این بینش عمل کنند. برخورد این شهید باتدبیر به گونه ای بود که افراد دانشگاهی، در کنارش

---

۱- نک: یاران امام به روایت اسناد ساواک، صص ۵۳۵ _ ۵۳۷.

۲- شاهد یاران، ص ۵۸.

احساس امنیت و احترام کامل می کردنـد و در مساجـد و محافل مـذهبی نیز بر همین اساس، روش ها و دیدگاه های گوناگون را تحمل می کرد.

او بـا وجود صـلابت فکری، اقتـدار معنوی و توان علمی اش، به افرادی بـا گرایش هـای گونـاگون مجال می داد افکار خود را مطرح سازند و حتی آنها را تشویق می کرد که در جلسه های اعتقادی و کلامی وی حضور یابند. به دلیل همین شیوه، استادان دانشـگاه نیز به مسـجد قبا، که پایگاه مبارزاتی او بود، روی می آوردند. شهید مفتح با حفظ کامل اصالت فکری و مکتبی خود و پای بنـدی به موازین اسـلامی و مسائل شـرعی، ارتباط خود را با نسل تحصـیل کرده ای که دیـدگاه هایی متفاوت و چه بسـا مخالف او داشت، قطع نکرد؛ زیرا معتقد بود چنین ارتباطی به مرور زمان بر آنها اثر می گذارد و سـبب می شود تمام یا دسـت کم بخشـی از لغزش های خود را اصـلاح کننـد. به باور وی، اگر نیروهای مذهبی، این افراد را که امید تحول در آنها می رود، به حال خود رها کنند، آنها در سراشیبی سقوط و انحطاط می افتند و در باتلاق های گمراهی و فساد فرو می روند.(۱)

شهیـد مفتـح هرچنـد به دلیـل جـدایی از درس هـای حوزه ناراحت بود، ولی وقتی دریافت رژیم پهلوی و کارگزاران اسـتکبار درصدد هسـتند میان این دو مرکز علمی، یعنی حوزه و دانشگاه شکافی عمیق ایجاد کنند، تصمیم گرفت در این اوضاع آشفته، برنامه هایی اجرا کند که دانشجویان مسلمان را به سمت ارزش های دینی متمایل سازد و دستگاه ستم را در ایجاد اختلاف بین این دو نهـاد ناکام گردانـد. او بر این باور بود که این گونه جـدایی گزینی بین مراکز دانشـگاهی و مراکز علوم دینی در تاریخ ایران وجود نداشته است و

---

۱- نک: گفت وشنود با حاج شیخ هادی مروی، شاهد یاران، صص ۳۳ و ۳۴.

دانشـمندان مشـهور ایرانی که در دانش هایی چون ریاضـی، سـتاره شناسـی، شـیمی، طب و دیگر علوم صاحب نظر بودنـد، در معارف اسلامی نیز مهارت داشتند. با این حال، در دهه های اخیر، استعمار میان آنان جدایی افکند و رژیم پهلوی هم مأموریتی ویژه از جانب بیگانگان داشت تا بین قشر روحانی و دانشگاهی فاصله، تفرقه و اختلاف پدید آورد.(۱)

شهید مفتح در اندیشه و عمل می کوشـید این فاصله را که مصداق خارجی هم نداشت، از بین ببرد. در اندیشه او، دانشگاه می توانست با پرورش انسان های دانشور، دین دار و متعهد، علم و تخصـص آنها را در راه آبادانی و سعادت کشور به کار گیرد و در مسـیر اسـتقلال راستین و عزت و عظمت کشور گام بردارد. به اعتقاد او، برنامه های دانشـگاه باید به گونه ای تنظیم می شد که از یک سو، به امکانات موجود، عادلانه توجه می کرد و از سوی دیگر، نیازهای واقعی مردم را در نظر می گرفت. فضـیلت های اخلاقی و معیارهای معنوی نیز در طول تحصـیل باید در انگیزه های دانشجویان و طرح های دانشگاه ها، حضوری پررنگ داشته باشد و چنین مرکزی عرصه بحث، تحقیق، علم و عمل آمیخته با اخلاص و معنویت باشد.

شهیـد مفتح به وحدتی می اندیشـید که در پرتو آن، حوزه و دانشـگاه به طور متقابل موجودیت یکدیگر را با اعتماد و احساس هم دردی دوسویه بپذیرنـد و هیچ کدام احساس برتری علمی یا معنوی نکنند. این دو نهاد باید نگاهی برادرانه، صادقانه و واقع بینانه به یکدیگر داشته باشند و قبول کنند حوزه و دانشگاه قرابت علمی، فکری و فرهنگی با یکدیگر دارند و می توانند مکمّل هم باشند.

---

۱- نک: «وحدت مقدس، سخنرانی شهید دکتر مفتح»، مجله پیام انقلاب، ش ۱۵۲.

به باور او، وحدت راستین، بدبینی هایی را که رژیم پهلوی و برخی مغرضان و جاهلان به آن دامن می زدند، از میان می برد و نفرت ها را برطرف می ساخت. البته برای رسیدن به این انسجام باید برخی خانه تکانی های آموزشی و علمی در هر دو نهاد صورت می گرفت و ساختارهای کهنه ای که با نیازهای عصر هماهنگی نداشتند و از واقعیت ها فاصله گرفته بودند و در آنها نوآوری دیده نمی شد، اصلاح و بازنگری می شد. تغذیه صحیح فکری و عقیدتی دانشجویان و پاسخ گویی مستدل و روشن به پرسش ها و شبهه های آنان و رعایت ظرافت های ویژه در برخورد با روحیه های حساس، در این جهت اثرگذار است. ضمن اینکه باید دانست هرچه تازه و نو است، نویدبخش ترقی و توسعه نیست و چه بسا امور جدیدی که بوی انحراف و بدعت می دهند. هر سنتی هم که در اصالت های ارزشی ریشه دارد، نشان کهنگی و ارتجاع نیست. گاهی قضاوت های یک طرفه، حب و بغض ها و تعصب های منفی، با نگاه های نفرت انگیز، غیرعالمانه و مخرب درمی آمیزد و دیدگاه منحرف و منحطی را می افریند که نمی توان آن را در ردیف اندیشه های ناب یا محصولات فکری به شمار آورد. مفتح کوشید در پرتو وحدت واقعی، این آلودگی ها را پالایش و پیرایش کند و به اصلاح آنها بپردازد و هم دلی، هم آوایی و توجه به رسالت اصلی علم و عالم را تقویت کند.(۱)

---

۱- غلام رضا خارکوهی، «زمینه های اسلامی وحدت حوزه و دانشگاه»، روزنامه اطلاعات، ۲۷ آذر ۱۳۸۰، ش ۲۲۳۷۲، حسین فلاح، «فرزند حوزه و شهید دانشگاه»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۷ آذر ۱۳۷۰، ش ۴۵۰۸.

## فصل سوم: کارنامه سیاسی، اجتماعی و تبلیغاتی

### اشاره

فصل سوم: کارنامه سیاسی، اجتماعی و تبلیغاتی

زیر فصل ها

جوانه هایی در مسجد جاوید

مسجد قبا، کانون نیروهای انقلابی

توجه به مسائل لبنان و فلسطین

شکل دهی و سازمان دهی مبارزات مردم

در تدارک کمیته استقبال از امام خمینی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی

## مرید و مراد

مرید و مراد

شهید مفتح بعد از آنکه بخشی از اصول فقه را در محضر آیت الله بروجردی آموخت، به حوزه درسی امام خمینی رحمه الله راه یافت و به مدت ده سال از مجلس پرفیض آن روح قدسی، در درس خارج فقه، اصول، عرفان و حکمت، استفاده های فراوان برد.

او افزون بر رابطه شاگرد و استادی، با امام انسی مستمر یافت و پیوندی صمیمانه برقرار کرد. امام نیز به وی علاقه ای ویژه داشت. در مدتی که رهبر انقلاب به نجف اشرف تبعید شده بود، شهید مفتح از راه های گوناگون با ایشان ارتباط برقرار می کرد. او در اوج اختناق رژیم ستم شاهی، در جلسه های سخنرانی و در برنامه های علمی و پژوهشی تأکید داشت نام و یاد و افکار امام را مطرح کند.(۱) مصطفی زمانی که از حوزه درسی آیت الله مفتح بهره برده و در جلسه های مجمع اسلام شناسی حضوری فعال داشته است، می گوید:

در شرایطی که نمی شد کوچک ترین سخنی گفت و کمترین مطلبی

---

۱- دیدار با ابرار، ص ۲۷.

نوشت، استاد مفتح نه تنها در بیانات خود و انجمن اسلام شناسی از امام خمینی رحمه الله و برنامه های وی سخن می گفت، بلکه اعضای این مجمع را تقویت می کرد تا با کمال شهامت، پی گیر مقاصد مبارزاتی و سیاسی امام باشند و در کتاب هایی که می نویسند، افکار او را مطرح سازند.(۱)

حجت الاسلام و المسلمین حمیدی، از هم درسان آیت الله مفتح نیز می گوید:

در درس امام شرکت [می کرد] و ارتباط زیادی با ایشان داشت. گرفتاری هایی که برای وی بعداً پیش آمد، [به خاطر] اشتیاقی بود که به امام داشت.(۲)

حجت الاسلام و المسلمین علی جلالی خمینی نقل کرده است:

شهید مفتح در آن مقطع در حوزه، به فضل اشتهار داشت. در درس امام با هم بودیم و از شاگردان خوب محفل درسی امام بود و امام هم برای ایشان احترام زیادی قائل می شد. در ایام تبعید امام، هر وقت از تهران به قم می رفتم و خدمت آیت الله پسندیده، وکیل تام الا ختیار امام می رسیدم، ایشان بلافاصله احوال آقای مفتح را از من می پرسید و می گفت برنامه ایشان در تهران چیست و خوش حال بودند که مفتح در تهران، هم در دانشگاه و هم در مسجد (جاوید و قبا) موفق هستند.(۳)

در گزارش بازجویی ساواک از شهید مفتح آمده است که آن شهید در پاسخ به اتهام ساواک مبنی بر اقدام وی علیه امنیت کشور گفته است:

در سال ۱۳۲۷ به جلسات درس امام خمینی رحمه الله راه یافتم و یکی از طرف داران وی شدم و در مجالس و منابر چه در تهران و چه در شهرستان ها، از وی تجلیل کردم و در ماجرای مخالفت با انجمن های ایالتی

---

۱- افکار استاد شهید دکتر محمد مفتح، صص ۹ و ۱۰.

۲- برنامه مفتاح حضور.

۳- گفت و گو با حجت الاسلام جلالی خمینی، شاهد یاران، ص ۳۷. (با اندکی تغییر)

و ولایتی، از موضع گیری امام خمینی رحمه الله در این باره طرف داری می نمودم و در سخنرانی های ایشان شرکت [می کردم] و در ضمن، اعلامیه هایی (در این باره) تهیه و بین مردم توزیع گردید. از آن پس فعالیت من به نفع امام خمینی رحمه الله افزایش یافت و در شهرستان ها منبر می رفتم و از وضع شهر، فرهنگ و یا اوضاع مردم انتقاد می کردم.(۱)

در گزارشی دیگر از بازجویی شهید مفتح آمده است که از وی پرسیده بودند: از چه تاریخی طرف دار (امام) خمینی شدید و او جواب داده بود:

از سال ۱۳۲۷ به درس اصول ایشان می رفتم و بعد از فوت آیت الله بروجردی در درس فقه هم شرکت می کردم و چون دروس ایشان منظم و با بیان روانی گفته می شد و از نظر علمی به ایشان معتقد و طرف دار بودم و پس از فوت آیت الله بروجردی، از نظر فقاهت، او را بهتر از دیگران می دانستم، در این فاصله، یعنی از سال ۱۳۳۷ به منبرهایی که می رفتم، اسم ایشان را می آوردم و تجلیل می کردم... .(۲)

امام در نامه ای که دوم اردیبهشت ۱۳۴۶ برابر با یازدهم محرم ۱۳۸۶ه_.ق از نجف برای آیت الله مفتح نوشته، پایداری وی را در مبارزه با استبداد و اختناق ستوده است:

بسمه تعالی. خدمت ذی سعادت جناب مستطاب عماد الاعلام و ثقه الاسلام آقای مفتح دامت افاضاته؛

به عرض می رساند مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج محترم و حاوی تفقد از این جانب بود، موجب تشکر گردید. سلامت و توفیق جناب عالی را از خداوند تعالی مسئلت می نماید. باید از زحمات و ثبات قدم جناب عالی تقدیر و تشکر کنم. امید است ان شاء الله تعالی منظور نظر خداوند تعالی باشد... والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته. (۳)

روح الله الموسوی الخمینی

---

۱- یاران امام به روایت اسناد ساواک، صص ۳۱۱ _ ۳۱۳.

۲- یاران امام به روایت اسناد ساواک، صص ۵۲۴ و ۵۲۵.

۳- یاران امام به روایت اسناد ساواک، ص ۶۲.

## حضور فعال در نهضت امام خمینی رحمه الله

حضور فعال در نهضت امام خمینی رحمه الله

آیت الله حسین نوری می گوید:

یکی از امتیـازات شـهید مفتـح، موضوع مبـارزه ایشـان بـا رژیم طـاغوتی است. آن مرحوم از نخسـتین روزی که طراح انقلاب اسـلامی و معمار جمهوری عدل اسلامی، رهبر بزرگ انقلاب، امام خمینی رحمه الله، پرچم انقلاب را به اهتزاز درآورد، پشت سر آن رهبر بزرگ، با قلم و بیان خود، در راه ادای این وظیفه خطیر گام برداشت.(۱)

آیت الله مفتح در عرصه های نبرد با استبداد و استکبار، هر روز فعال تر می شد و در انسجام بخشیدن به نیروهای مذهبی برای مقابله با تباهی ها و سیاهی ها بر تلاش خود می افزود. او با خطابه های متین و استوارش برای نسل جوان و سخنرانی در مجامع گوناگون، در درجه اول، مردم را با فرهنگ پربار اسلامی آشنا می کرد و در ادامه، از نیرنگ های استعماری پرده برمی داشت و با این زمینه سازی ها مردم را برای پیوستن به مبارزه تربیت می کرد. به خاطر این اندیشه ها و فعالیت های بیدارگرانه بود که در سال هـای آغـازین نهضت امـام خمینی رحمه الله، به امر آن رهـبر عـالی قـدر و فرزانه، برای آگـاه سـاختن مردم، به برخی نواحی کشور از جمله خوزستان سفر کرد. او کلامی گرم و رسا و گیرا داشت و بدون واهمه و بی پرده در مسائل سیاسی وارد می شـد و در روزهـای تاسوعا و عاشورا آن چنان با حرارت صـحبت می کرد که ساواک مانع ادامه مجلس ایشان می شـد.(۲) در جمعیت مؤتلفه اسلامی، در

---

۱- شاهد یاران، ص ۱۳.

۲- سید حسن طاهری خرم آبادی، خاطرات، ص ۷۵.

کنار آیت الله بهشتی، آیت الله مطهری و دکتر باهنر از اعضای روحانی و اندیشمند این تشکیلات به شمار می رفت.(۱)

یار دیرین ایشان، شهید دکتر بهشتی، از آن دوران چنین یاد کرده است:

مرحوم دکتر مفتح... از سال ۱۳۴۱ که مبارزات اجتماعی و اسلامی امت قهرمان ما به رهبری امام و شرکت فعال و سازنده روحانیت اوج گرفت و نقطه عطفی پیدا کرد، در مبارزات شرکت داشتند.(۲)

در گزارش ها و اسناد ساواک، شهید مفتح این گونه معرفی شده است:

... موضوع: دکتر محمد مفتح؛ نام برده از روحانیون افراطی می باشد. طبق محتویات پرونده، کراراً در منابر علیه مصالح مملکت، مطالبی بیان داشته. این شخص از طرف داران جدی خمینی است که بین قم و خوزستان تردد می نماید [و] چنانچه موقعیت مناسبی به دست آورد، از هیچ گونه اقدام خلاف مصالح خودداری نمی نماید. اقامت نام برده در قم به مصلحت نمی باشد و یا اینکه لااقل بایستی تحت مراقبت شدید قرار گیرد... .(۳)

... مفتح که مصمم می باشد، از طرف داران خمینی بوده و در مواقع مقتضی، بین دانش آموزان، تبلیغاتی به نفع خمینی انجام می دهد و علاوه بر این، در ماه های محرم و رمضان برای تبلیغ به سایر شهرستان ها سفر می کند. لذا بهتر است از مشارالیه به وسیله اداره آموزش و پرورش، تعهد لازم درباره اعمال و رفتارش اخذ [شود] و نیز فعالیت هایش به وسیله منابع، تحت کنترل دقیق قرار گیرد.

## نظر رئیس امنیت داخلی ساواک:

نظر رئیس امنیت داخلی ساواک:

وی [مفتح] یکی از معتمدین خمینی است و در همدان به نام نماینده خمینی فعالیت هایی انجام می دهد. به هرصورت، لفظاً هم که شده، اشخاص

---

۱- نشریه شما، ارگان جمعیت مؤتلفه اسلامی، ش ۱۲۷.

۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۵ آذر ۱۳۶۰.

۳- یاران امام به روایت ساواک، ص ۶۰.

را در جهت هـدف خود جلب می کنـد. اظهـارات دکتر مفتـح در منـابر کاشـان تحت کنترل قرار گرفت و از منبر رفتن وی در گلپایگان ممانعت شد... .(۱)

## گزارش بازجویی، مشخصات متهم:

گزارش بازجویی، مشخصات متهم:

محمد، شهرت: مفتح، فرزند محمود... موضوع اتهام: اقدام علیه امنیت کشور.

گزارشـات رسـیده حـاکی است مشـارالیه پس از ممنوع المنبر شـدن، اقـدامات خلاـف خود را در زمینه منحرف کردن جوانان متعصب مذهبی دنبال کرده و جلساتی در پوشـش تفسیر و اصول عقاید اسلامی تشکیل و در نتیجه افراد خراب کار در جلسات متشـکله شـرکت و مبادرت به پخش و توزیع اعلامیه های مضـره می نموده انـد و بر اساس این اطلاعات، نام برده دسـتگیر و با قرار تأمین روز ۴/۹/۱۳۵۳ شعبه بازپرسی دادستانی ارتش بازداشت و قرار صادره به رؤیت وی رسیده است... .(۲)

شهید مفتح از آغاز انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی، در تمام صحنه های انقلاب و در صف مقدم مبارزان حضور داشت. اعلامیه های بسـیاری را در این جریان امضا و حتی متن برخی از آنها را نوشـته است، به ویژه اعلامیه درباره مرجعیت حضـرت امام و اعتراض به تبعید و دستگیری ایشان.(۳)

## افشاگری در خرم آباد

افشاگری در خرم آباد

دکتر مفتـح در خطـابه و فن سـخنرانی، بسیار توان منـد بود. وی برای ادای وظیفه حسـاس و حیـاتی خود در زمینه انقلاـب، به شهرهای مختلف ایران سفر کرد و افراد بسیاری تحت تأثیر سخنرانی های ایشان، به راه اسلام

---

۱- یاران امام به روایت ساواک، صص ۱۵۹ و ۱۶۰.

۲- یاران امام به روایت ساواک، صص ۳۱۱ و ۳۱۲.

۳- نک: اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳؛ حمید روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱.

راستین گام نهادند و از معارف تشیع بهر ه مند شدند. در سال ۱۳۴۱، آیت الله روح الله کمالوند رحمه الله، از دوستان امام خمینی رحمه الله، برای خرم آباد یک سخنران خواست. آیت الله سید حسن طاهری خرم آبادی که مسئول پی گیری این درخواست بود، آیت الله مفتح را دعوت کرد. آیت الله مفتح در منبرهای پربار و افشاگرانه خود در خرم آباد که مرکز مهمی برای رژیم پهلوی بود، از مفاسدی که جامعه و به ویژه نسل جوان را تهدید می کرد و نیز از فعالیت های ضداخلاقی کارگزاران ستم به شدت انتقاد کرد. عده ای از افراد ارتشی که در این جلسه ها حضور داشتند، چنین مطالبی را برنتابیدند و درصدد آزار ایشان برآمدند، ولی مرحوم کمالوند با نفوذ و اقتداری که در منطقه داشت، از این اقدام ها و عملی شدن تهدیدهای آنها جلوگیری کرد.(۱)

همین فعالیت های تبلیغی و افشاگری های سیاسی و مقاومت دلیرانه دکتر مفتح، منبرهای وی را برای مردم جذاب کرده بود. مرحوم کمالوند نیز از آن پس هرگاه به قم می آمد، با شهید مفتح ارتباط نزدیکی برقرار می کرد.

## خروش انقلابی در آبادان

خروش انقلابی در آبادان

در آستانه محرم سال ۱۳۸۳ هـ . ق/ خرداد ۱۳۴۲، امام خمینی رحمه الله با تحریم هرگونه تقیه، سخنوران و مبلغان را مکلف ساخت در منبرها و مجلس های عزاداری، با نظام عنکبوتی استبداد، آشکارا مخالفت کنند. در آن زمان که زبان های حق گو را می بریدند، قلم ها را می شکستند و نفس ها را در سینه ها حبس می کردند و کمتر کسی شهامت بیان واقعیت ها را داشت، شهید مفتح به مدت دو ماه (محرم و صفر) در مناطق گوناگون استان خوزستان، به افشاگری و مبارزه کلامی با رژیم سفاک پهلوی پرداخت.

---

۱- نک: گفت وگو با سید حسن طاهری خرم آبادی، شاهد یاران، ص ۳۰.

در آن روزگـار که کسـی جرئت نمی کرد تصویر امـام خمینی رحمه الله را در مجـامع عمومی نصب یا ظاهر کنـد، دکتر مفتح تصـمیم گرفت عکس رهبر انقلاب را در یکی از مسجدهای آبادان نصب کند. او یک عکس تمام قد از امام خمینی رحمه الله تهیه کرد و در برابر چشم صـدها نیروی امنیـتی که برای جلوگیری از این کـار، مسجد را محاصـره کرده بودنـد، آن عکس به مسجد آورده شد و به دیوار نصب گردید.(۱)

آبادان، شـهری کارگرنشـین و محل رفت وآمد کارکنان خارجی شـرکت نفت، به ویژه انگلیسی ها بود. وجود دانشکده، نفت در این شـهر و مبـارزه های اعضای انجمن اسـلامی این دانشـکده بر اهمیت موضوع می افزود. به همین دلیل، دکتر مفتـح برای بیـان حقایق و گسترش قیام امام خمینی، از سوی ایشان مأموریت یافت به آبادان برود. آیت الله طاهری خرم آبادی در این باره گفته است:

در محرم آن سال (۱۳۴۲) و طی چند هفته ای که من در آبادان به سر می بردم، شـهید مفتح به منبر می رفت و مباحث خوبی را دربـاره مسائـل روز مطرح می کرد. او در جریـان هـای سیاسـی پیش قـدم بود و در ایـام تاسوعـا و عـاشورا چنـان پرحرارت صحبت می کرد که می خواستند از منبرش جلوگیری کنند.(۲)

مرحوم آیت الله جمی، امام جمعه آبادان نیز گفته است:

مرحوم مفتح در یک دهه محرم و صـفر به آبادان آمد و در اینجا منشأ حرکت (انقلابی) گردید. می خواستند مانع سخنرانی او [شوند]، اما وقتی مردم متوجه این موضوع [شدند]، از وی خواستند بر فراز منبر برود و با

---

۱- شاهد یاران، ص ۱۳.

۲- خاطرات آیت الله طاهری خرم آبادی، ج ۱، صص ۲۷۹ _ ۳۸۲.

احساسات فراوان ایشان را به منبر بردند که [آیت الله] مفتح هم واقعاً حق مطلب را ادا کرد. مردم بدین وسیله، دستگاه ستم را با عملی انجام شده روبه رو ساختند و قدرت تصمیم گیری را از آنها گرفتند.(۱)

آیت الله مفتح، با سخنرانی های پرشور و خطابه های خردمندانه اش در شهرهای آبادان، اهواز و خرمشهر، در مدتی کوتاه، وضع عمومی این شهرها را دگرگون ساخت تا آنجا که ساواک به خاطر احساس خطر از تلاش های تبلیغی و مبارزاتی ایشان در این منطقه، تصویر وی را تکثیر کرد و به فرودگاه ها و ایستگاه های راه آهن و شرکت های مسافربری داد و ورودش را به استان خوزستان ممنوع اعلام کرد.(۲)

در گزارش ۱۹/۲/۱۳۴۳ ساواک آمده است:

دکتر مفتح از روحانیون افراطی مقیم شهرستان قم، اخیراً به آبادان وارد شده (است). چون احتمال می رفت نام برده روی منبر مطالب خلاف مصالح ایراد نماید، [به] وسیله شهربانی محل به قم معاودت داده شده است. نام برده در ایام محرم سال های قبل در آبادان تحریکاتی نموده و علت طردش از محل به این مناسبت بوده است.(۳)

با وجود این مراقبت ها، دکتر مفتح و دکتر بهشتی به خوزستان می روند و در سخنرانی های پرشور خود، حقایق را برای مردم بازگو می کنند. آنها در کنار مبارزه با رژیم، به خنثی کردن تبلیغات پیروان فرقه ضاله بهائیت پرداختند و از مردم خواستند از خرید و فروش نوشابه پپسی کولا که شرکتی بهایی تولید و عرضه می کرد، خودداری کنند و مغازه داران تابلوهای

---

۱- مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین جمی، مجله پیام انقلاب، سال سوم، ش ۶۸، دهم مهر ۱۳۶۱، ص ۲۱. (با اندکی تغییر)

۲- نک: یاران امام به روایت اسناد ساواک، ص ۱۳.

۳- یاران امام به روایت اسناد ساواک، صص ۱۴ و ۱۵.

تبلیغاتی این شرکت را پایین بیاورند. مردم نیز به این درخواست، پاسخ مثبت دادند.(۱)

در گزارش ۲۱/۴/۱۳۴۳ ساواک می خوانیم:

با اینکه مفتح به واسطه تذکری که رئیس شهربانی به وی داده بود، به وسیله قطار عادی عازم قم گردید، عده ای از متعصبین مذهبی تا ایستگاه هفت تپه او را دنبال و بالأخره مشارالیه را مجدداً به آبادان بازگرداندند.(۲)

در ۳۱/۴/۱۳۴۳ آیت الله مفتح به دعوت آیت الله حاج سید مرتضی علم الهدی، به آبادان رفت و در منزل ایشان ساکن شد. ساواک خوزستان که ورود ایشان را به این استان، به دلیل گفتن مطالب تحریک آمیز علیه دولت و تمجید از امام خمینی، خطرناک می دید، درصدد برآمد از ورود وی جلوگیری کند، ولی مردم در منزل آیت الله علم الهدی به دیدنش می رفتند و از سخنانش استفاده می کردند.(۳)

بار دیگر در اوایل اردیبهشت ۱۳۴۵، آیت الله مفتح همراه آیات عظام مکارم شیرازی، جعفر سبحانی و دکتر احمد بهشتی وارد آبادان شد. با توجه به پیشینه این علما، شهربانی محل از ساواک استعلام گرفت و سازمان امنیت اعلام کرد:

آقایان مکارم، بهشتی و سبحانی مانند سال های گذشته می توانند با سپردن تعهد به منبر بروند، ولی در مورد مفتح که در سال های قبل حاضر به سپردن تعهد نگردیده است، هرگونه اقدام به نظر شهربانی بستگی دارد.

---

۱- نک: گزارش رئیس ساواک استان خوزستان در ۱۲/۴/۱۳۴۳، یاران امام به روایت اسناد ساواک، صص ۲۸ و ۳۱.

۲- گزارش رئیس ساواک استان خوزستان در ۱۲/۴/۱۳۴۳، یاران امام به روایت اسناد ساواک، ص ۳۷.

۳- نک: گزارش رئیس ساواک استان خوزستان در ۱۲/۴/۱۳۴۳، یاران امام به روایت اسناد ساواک، صص ۴۷ و ۴۸.

با وجود این، مفتح به تذکرها و هشدارهای مأموران امنیتی توجه نکرد و در شانزدهم اردیبهشت ۱۳۴۵، در انتقاد از کارنامه رژیم استبدادی پهلوی و نقشه های استعماری در ایران و جهان اسلام، مطالبی بیان کرد. ازاین رو، شهربانی او را دستگیر و به اهواز اعزام کرد و از آنجا هم همراه با چندین مأمور زبده و ویژه راهی قم شد.(۱)

آیت الله طاهری خرم آبادی درباره اثربخشی سخنان دکتر مفتح در آبادان گفته است:

آقای مفتح در آبادان خیلی منبرهای انقلابی و دایمی داشتند و به قول معروف همه جا سخن از ایشان بود. یک سال روز عاشورا در مسجد نو آبادان که حجت الاسلام قائمی در آن نماز می گزاردند، خیلی صحبت های پرشوری کردند. روزی جایی مهمان بودیم که رئیس شهربانی وقت آبادان آمد و به آقای مفتح التماس کرد: «اینجا شهر مرزی است. مواظب باشید.» در بین آقایان، ایشان منبرهایشان انقلابی تر از همه بود. اواخر هم رژیم مانع شد.(۲)

## کوشش های تبلیغی در همدان

کوشش های تبلیغی در همدان

آیت الله مفتح با حوزه علمیه همدان ارتباط نزدیکی داشت و با آغاز قیام امام خمینی رحمه الله، به زادگاهش رفت تا طلبه های همدانی حوزه علمیه قم را برای فعالیت های منسجم فرهنگی و مبارزاتی، سازمان دهی کند. او در نامه نگاری با واعظان انقلابی این شهر، فعالیت های آنان را هدایت می کرد.

در بهار ۱۳۴۳ و پس از آزادی امام از زندان، در نامه ای به حجت الاسلام سید احمد حسینی (از روحانیان مبارز همدان)، درباره سازمان دهی روحانیان

---

۱- زندگی و مبارزات شهید آیت الله دکتر محمد مفتح، به نقل از: پرونده مفتح.

۲- شاهد یاران، ص ۳۰.

و علمای همدان مطالبی نوشت که این نامه به دست ساواک افتاد. در فرازی از این نامه آمده بود:

... آزادی حضرت آیت الله العظمی خمینی رحمه الله را به حضرت عالی و تمام دوستان مجاهد تبریک عرض می کنم... اخیراً طلاب و فضلای همدانی مجلسی را تشکیل داده اند که هر دو هفته یک بار منعقد می شود و امید است منشأ خدمات فراوان در آینده قرار گیرد و وسیله بسیار مناسبی خواهد بود برای ارتباط همدان و حوزه علمیه و نظریات جناب عالی و بقیه دوستان... (۱).

## سفر به ساوه

سفر به ساوه

در ۲۴ مهر ۱۳۴۳ شهید مفتح به ساوه رفت و صبح همان روز، در مسجد مقدس زاده این شهر به سخنرانی پرداخت. در گزارش شهربانی شهرستان ساوه آمده است:

... [مفتح] مردم را علیه دستگاه دولتی تحریک و به آقای خمینی دعا نموده و بعدازظهر همان روز به قم مراجعت کرده است. چون از قرار معلوم ممکن است در هفته آینده نیز به ساوه رفت وآمد نماید، در مورد اینکه امکان دارد سخنان بی رویه ای را ابراز و تحریکاتی بنماید، کسب دستور می شود... .

از گزارشی که این شهربانی به ساواک قم فرستاده است، چنین برمی آید که حضرت امام خمینی در نامه اش به بازاریان ساوه، یادآور شده است که شیخ محمد مفتح همه هفته برای وعظ به این شهر خواهد آمد. رونوشتی از این گزارش به اداره اطلاعات فرستاده شد. در سوم آبان ۱۳۴۳ اداره اطلاعات به شهربانی ساوه چنین ابلاغ کرد:

دستور فرمایید چنانچه مفتح مجدداً به منبر رفت، به وسیله مأمورین

---

۱- یاران امام به روایت اسناد ساواک، ص ۱۱.

دقیق، مطالب و بیانات شیخ مزبور یادداشت و گزارش گردد.

با سخت گیری های ساواک دکتر مفتح دیگر موفق نشد در این شهر به سخنرانی های افشاگرانه اش ادامه دهد.(۱)

## سخنرانی در قائم شهر

سخنرانی در قائم شهر

شهید مفتح در ۱۸ آذر ۱۳۴۴، به دعوت رئیس انجمن تبلیغات اسلامی قائم شهر (شاهی)، به این دیار رفت و بعدازظهر این روز که مصادف با نیمه شعبان ۱۳۸۵ قمری بود، در مسجد عشق شاهی (نام آن به مهدیه تغییر یافته)، به منبر رفت. وی بعد از مقدمه ای درباره میلاد باسعادت حضرت ولی عصر] گفت:

برخی کشورهای جهان را آن چنان غرور، گرفته که برای نابودی انسان ها خود را مسلح کرده اند. دولت های استکباری برای توسعه سرزمین های تحت سیطره خود، دیگر کشورها و از جمله ایران را در فقر و عقب افتادگی نگه داشته اند. چرا ایران با این همه امکانات باید از بیگانه کمک بگیرد. تمدن غرب موجب بدبختی جوانان این سرزمین شده است و مردم برای مبارزه با فساد، باید انقلاب کنند و زمینه های ظهور منجی عالم بشریت را فراهم سازند.

ایشان در منزل حاج محمود پورحیدریان، عضو انجمن تبلیغات اسلامی شاهی نیز به تشریح حقایقی درباره ایران و جهان اسلام پرداخت و برای سلامتی امام خمینی، به عنوان پیشوای اسلام دعا کرد.

وی پس از این سخنرانی ها، از شاهی (قائم شهر) شبانه و به دور از چشم مأموران ساواک خارج شد و به قم بازگشت.(۲)

---

۱- گلی از باغ بهشت، ص ۱۴۱؛ زندگی و مبارزات شهید آیت الله دکتر محمد مفتح، صص ۱۳۴ و ۱۳۵، به نقل از: پرونده مفتح، موجود در مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۲- نک: یاران امام به روایت اسناد ساواک، صص ۵۰ _ ۵۲؛ اسوه فرزانگی و فداکاری، صص۲۰۶ و ۲۰۷.

## زیارت بارگاه قدس رضوی

زیارت بارگاه قدس رضوی

در مرداد ۱۳۴۳، آیت الله مفتح به اتفاق آیت الله ناصر مکارم شیرازی، به قصد زیارت بارگاه قدس رضوی، راهی مشهد مقدس شد و در آنجا با عالمان و استادان حوزه این شهر ملاقات هایی داشت و برخی مسائل فرهنگی را پی گیری کرد. این فعالیت ها از چشم ساواک دور نماند و سازمان امنیت مرکز، به ساواک مشهد چنین نوشت:

مفتح از روحانیان ناراحت و مخالف دولت می باشد و در منابر از حکومت انتقاداتی می نماید. خواهشمند است دستور فرمایید اعمال و رفتار مشارالیه را تحت کنترل قرار داده و چگونگی آن را اعلام نمایید.(۱)

در ۲۹ مرداد ۱۳۴۳، شهید مفتح که در مشهد به سر می برد، متوجه شد حجج اسلام شیخ محمدصادق قمی، واعظ طبسی و آیت الله شیخ علی اصغر مروارید از زندان رژیم پهلوی آزاد شده اند. پس به دیدار این روحانیان مبارز شتافت و همراه آنان با طلبه های حوزه های مشهد دیدارهایی انجام داد. در این ملاقات ها، علمای مبارز تأکید کردند: ما از تهدیدهای رژیم هراسی نداریم و دست از مبارزه نمی کشیم و باید در این مسیر مقاومت کنیم تا موفق شویم، اما چنین استقامتی زمان می برد و باید صبر پیشه کنیم.(۲)

## آتش فشانی در کرمانشاه

آتش فشانی در کرمانشاه

حوزه علمیه کرمانشاه از آیت الله مفتح دعوت کرد که در پنجم شهریور ۱۳۴۵/ جمادی الاول ۱۳۸۵ هـ. ق به این شهر بیاید و مردم را با سخنان افشاگرانه خویش آگاه سازد. او این دعوت را پذیرفت و به کرمانشاه رفت

---

۱- یاران امام به روایت اسناد ساواک، ص ۴۴.

۲- یاران امام به روایت اسناد ساواک، ص ۴۵.

و روز بعد از ورودش، پس از نماز مغرب و عشا در مسجد آیت الله بروجردی به منبر رفت. با آنکه وی پیش از رفتن به منبر، به شهربانی استان احضار شده بود تا تعهد دهد که درباره امور غیردینی صحبتی نکند، اعتنایی نکرد و بر فراز منبر گفت:

به من دستور داده اند جز در مسائل مذهبی سخن نگویم، در صورتی که وظیفه دینی من ایجاب می کند درباره مسائل اجتماعی و امور وطنم مطالبی را بازگو کنم، اگرچه مانع سخنرانی ام شوند... دست خارجی ها ما را به سوی نابودی می کشاند. مقامات انتظامی، به جای جلوگیری از وعظ روحانیان، از فعالیت مراکز فساد جلوگیری کنند. من تا توان دارم ثابت می کنم کشورمان در چه وضعی است.

این روحانی شجاع از تهدیدهای مقامات امنیتی نهراسید و شب دهم شهریور ۱۳۴۵ نیز در سخنانی اظهار داشت:

من با تحصیلات بانوان مخالف نیستم، ولی با اشاعه فحشا و بی بندوباری در بین آنان مخالفم.

یک شب بعد از آن هم در سخنانش گفت:

متأسفانه مبلّغان ادیانِ دیگر، آزادانه در دنیا مشغول تبلیغ آیین خود هستند، ولی در ایران اگر روحانی بخواهد از مسائل مذهب خویش و دستورات اسلامی درباره مسائل اجتماعی و اخلاقی سخن بگوید، او را روانه زندان و حتی حکم اعدامش را صادر می کنند.

در شب دوازدهم شهریور نیز بر فراز منبر، با انتقاد از برخی قوانین قضایی و حقوقی رژیم پهلوی افزود:

این مصوبات از قرآن کریم فاصله دارد. ما باید همان گونه که از مرزهای کشور محافظت می کنیم، از حوزه های علمیه هم دفاع کنیم.

سرانجام در تاریخ ۱۳/۶/۱۳۴۵، شهربانی از منبر رفتن وی جلوگیری کرد.(۱)

## روشنگری در مسجد جامع کرمان

روشنگری در مسجد جامع کرمان

دکتر مفتح در رمضان سال ۱۳۸۵ هـ . ق/ آذر و دی ۱۳۴۵ به درخواست عده ای از اهالی کرمان و سفارش آیت الله علی اصغر صالحی کرمانی به این دیار رفت و پس از اقامه نماز جماعت در مسجد جامع این شهر، به سخنرانی پرداخت. وی در این سخنرانی نیز در کنار تشریح مباحث اسلامی و دستورهای دینی و شرعی، مسائل اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی ایران را بررسی و از وجود مراکز مشروب فروشی در سرزمینی اسلامی اظهار تأسف کرد. با توجه به اینکه سخنان وی در واقع افشای کارنامه سیاه رژیم پهلوی بود، شهربانی دستور داد بلندگوهای مساجد قطع گردد و حتی هنگام سحر، برنامه پیش خوانی و اذان اجرا نشود. مفتح از این دستور برآشفت و در سوم دی ماه ۱۳۴۵ بر سر منبر اعلام کرد:

اگر مقامات محلی رفع نگرانی نکنند، خود برای به کار انداختن بلندگوها اقدام خواهیم کرد.

او پس از نماز ظهر و عصر روز بعد هم، در آغاز سخنرانی گفت:

آزادی را از ما گرفته اند و استقلال هم نداریم. وقتی خواننده زن وارد شهر می شود، با بلندگو برایش تبلیغ و مردم را برای تماشا دعوت می کنند، ولی برای روحانیان که وظیفه تربیت اجتماعی نسل جوان و جلوگیری از فساد و فحشا را بر عهده دارند، وضع نه تنها این گونه نیست، بلکه تنگناهایی را هم ایجاد می کنند.

---

۱- نک: یاران امام به روایت اسناد ساواک، صص ۷۴ و ۷۵.

با وجود این وضع، مفتح به افشاگری هایش ادامه می داد و از سیاست های دولت وقت درباره اقتصاد کشور، به ویژه کشاورزی و نیز اختلاس عده ای از مقامات دولتی انتقاد می کرد و با صراحت می گفت: مگر می شود انسان مسلمان ناروایی ها و منکرات را مشاهده کند و ساکت باشد.

او در ادامه روشنگری های خود بر فراز منبر اعلام کرد:

رژیم حاکم، هر روز یکی از احکام دین و قرآن ما را زیر پا می نهد و زمانی می رسد که یک مرتبه فاتحه اسلام را خواهند خواند و می خواهند ماجرای اندلس را تکرار کنند. فکر نکنید به خاطر تعصب مذهبی و طرف داری از ادیان دیگر، با اسلام و مسلمین این گونه به دشمنی برخاسته اند، بلکه می خواهند با سلطه بر سرزمین های اسلامی، منابع آنان را غارت کنند.

او در سخنان دیگری، سیاست دولت امریکا را در قبال ایران نکوهش کرد و گفت:

چرا یک مستشار خارجی در ایران، علاوه بر دریافت حقوق و مزایای کلان، حق توحش هم می گیرد. ما نباید اجازه دهیم بیگانگان در امورمان دخالت و محیط تربیتی جوانان را فاسد کنند. در کشورهای غربی از آزادی و مساوات سخن می گویند، در صورتی که ادعایی بیش نیست، آزادی راستین در دین اسلام وجود دارد. در کشور ما البته آزادی وجود دارد، ولی برای مفاسد و خلاف و ابتذال و نشریات گمراه کننده. در کشور ما آزادی بیان دیده نمی شود و اگر کسی حرفی بزند، بدون چون و چرا دستگیر و روانه زندان می گردد، آیا این معنای آزادی است؟

شهید مفتح از مردم خواست با منطق حضرت علی(ع)، در برابر ستم کاران بایستند و زیر بار ظلم نروند. او می گفت:

بایـد حق خود را بگیریـد و نگذاریـد ظالمـان هرچه می خواهنـد بکننـد. به هر نحوی که شـده احقـاق حق کنیـد. امیر مؤمنـان، علی(ع) رهبر مردمانِ ساکت و بی تفاوت نیست. ما وظیفه داریم امر به معروف و نهی از منکر کنیم و اجازه نـدهیم حاکم یک سرزمین شیعی، خودخواهی پیشه کند.

ساواک درباره فعالیت های تبلیغی یک ماهه شهید مفتح در کرمان چنین گزارش داده است:

مفتح موجب تحریک و اجتماع افراد مظنون در کرمان گردید. همه روزه تعداد نسبتاً زیاد و قابل ملاحظه ای از طبقات مختلف مردم کرمان، مخصوصاً کسبه و بازاری ها، برای استماع سخنان دکتر مفتح در مسجد جامع اجتماع می کنند. به طور کلی لحن صحبت واعظ مزبور بنا به موقعیت زمان و تعداد حاضرین در ایام سوگواری، تندتر و انتقاداتش افزایش یافته و قصد دارد افکار مردم را متوجه خود ساخته و موقعیتی برای بعـدها به دست آورد. بـا توجه به سوابقی که واعـظ مزبور در ایراد مطـالب خلاف دارا می باشـد و از روحانیان افراطی و طرف دار جـدّی آیت الله خمینی است و مـدام در منابر به وی دعا می کند و نامش را بر زبـان می آورد و سعی دارد بـا انتقـاداتی که به عنـاوین مختلـف عنـوان می نمایـد، افکـار و اذهـان عمومی را مشوّب کنـد، با شهربانی مـذاکره گردید که در این باره اقدامات لازم انجام و تذکرات ضروری به واعظ مزبور داده شود که از ادامه این قبیل مباحث خودداری کند.

سرانجام مفتح پس از این تلاش های تحول آفرین و بیدارکننده، در ۲۴/۱۰/۱۳۴۵ در میان بدرقه کم نظیر علما، روحانیان، طلبه ها و قشرهای گوناگون مردم کرمان، این دیار را ترک و هنگام خداحافظی از مردم تشکر کرد. آیت الله محمدمهدی موحدی کرمانی اظهار داشت:

من از طرف مردم کرمان صحبت می کنم، گرچه ماه مبارک رمضان

امسال خیلی زود سپری شد، ولی مردم مؤمن و حق شناس کرمان نهایت استفاده را از معلومات و سخنرانی های شیوا و فصیح استاد گرامی دکتر مفتح نمودند و حقیقتاً در این مدت کم، تحول و جنبشی در طبقات مختلف کرمان به وجود آوردند.(۱)

## گوهرافشانی در کاشان

گوهرافشانی در کاشان

شهید مفتح به دعوت هیئت حسینی کاشان، در دهه آخر صفر ۱۳۸۶ هـ . ق به این شهر رفت. ساواک که از این برنامه احساس خطر می کرد، از مقامات امنیتی محلی خواست به محض ورود وی به کاشان، به صورت نامحسوس، کارها و تماس های او را زیر نظر بگیرند و خلاصه ای از سخنرانی های وی و تاریخ بازگشتش به تهران را گزارش دهند.

نخستین سخنرانی آیت الله مفتح در کاشان، در ۱۲ تیر ۱۳۴۶، در مسجد بالای بازار این شهر برگزار شد. ایشان در بخشی از این سخنرانی، درباره تبعیض ها و بی عدالتی ها در رژیم طاغوتی گفت:

چرا کارگزاران کنونی، از قدرتی که خداوند به آنان داده، برای گسترش فحشا و زیر پا گذاشتن ارزش های الهی و در راه مردم آزاری استفاده می کنند؟ اگر به فکر اختراع ها و اکتشاف ها و توسعه علمی بودند، استعمارگران، بر کشورهایی چون ایران این گونه سلطه نمی یافتند. من دردهای اجتماعی را می گویم و با این وضع، به جلو نخواهیم رفت.

ساواک در گزارش این سخنرانی آورده بود که منبر مفتح، سراسر انتقاد به دولت و تبلیغ برای آیت الله خمینی بود و بنا بر اطلاعات به دست آمده، او نماینده تام الاختیار آیت الله خمینی است که قرار بوده در گلپایگان به منبر

---

۱- نک: یاران امام به روایت اسناد ساواک، صص ۹۳ ـ ۱۱۷.

برود و از این کار جلوگیری شده است. وی در مجموع، «عنصری ناراحت» معرفی شده است.

شهید مفتح در منبر بعدی خود، از تنگناهایی که عوامل رژیم برایش ایجاد کرده بودند، پرده برداشت و گفت:

در سال های قبل می توانستیم مطالبی بنویسیم، ولی حالا اجازه نمی دهند. حالا که می خواهم صحبت کنم، ده تا تعهد و قول گرفته اند که چیزی نگویم، ولی با تمام این محدودیت ها صحبت می کنم تا شاید به گوش رجال مملکت هم برسد و فکری بکنند.

[وی در سخنانی دیگر گفت:] باید اجازه دهند مبلغین خواسته های مردم را بگویند. ما حقایق اسلام را می گوییم؛ روحانیت که خلاف استقلال کشور گام برنمی دارد. من خودم در چالوس منبر می رفتم و از هویت کشورم دفاع می کردم. آخر چرا مردم را خفه می کنید؟ با زندان، شکنجه و تبعید کاری صورت نمی گیرد. آخر چرا این طور می کنید، والله این غلط است.(۱)

## اقامت اجباری در تهران

اقامت اجباری در تهران

رژیم پهلوی، به دلیل مبارزه های بی امان آیت الله مفتح و نقش ارزنده اش در بیداری جامعه اسلامی و نفوذ معنوی و عاطفی او در قشر دانشجو و فرهنگی، وی را در شرایط سختی قرار داد و پس از پایان دوران تبعیدش در منطقه های بد آب و هوا، او را به اقامت اجباری (در سال ۱۳۴۹) در تهران واداشت.

رژیم ستم شاهی تصور می کرد با محدود کردن فیزیکی آیت الله مفتح، می تواند افکار و توانایی های روحی او را به بند کشد و امکان مبارزه را از

---

۱- نک: یاران امام به روایت اسناد ساواک، صص ۱۴۸ _ ۱۵۹، ۱۶۰ و ۱۶۱.

وی بگیرد، ولی این مجاهد مقاوم، در تهران نیز در سنگر دانشگاه، با جوانان تحصیل کرده ارتباطی عمیق برقرار کرد، به گونه ای که این نسل نوخاسته، گم شده های خویش را در جلسه های نورانی، پرشور و صمیمی دکتر مفتح می یافتند. ازاین رو این جلسه های سخنرانی هر روز فشرده تر و پرجمعیت تر می شد. استقبال قشرهای گوناگون از روشنگری ها و افشاگری های تحلیلی و مستند وی، چنان گسترده و دور از انتظار بود که حیرت همگان را برانگیخت. او در سخنرانی ها و کلاس های عقیدتی اش، جوانان را به سلاح معارف ناب اسلامی مجهز می ساخت و زمینه تحول الهی را در آنان پدید می آورد.(۱)

مسجد الجواد تهران در سال های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۱، از مراکز مهم نیروهای مبارز بود و استاد مطهری بعد از جدا شدن از حسینیه ارشاد، این مکان عبادی را کانون فعالیت های فرهنگی و آموزشی خود قرار داد. دکتر مفتح نیز به دعوت استاد مطهری و نمازگزاران این مسجد، در آنجا جلسه های تفسیر قرآن و سخنرانی برپا کرد. با گسترش فعالیت های تبلیغی و سیاسی در این مسجد، به ویژه در رمضان ۱۳۹۲ هـ . ق / ۱۳۵۱ ساواک متوجه شد دستگیری، تذکر و گرفتن تعهد کتبی، دیگر اثری ندارد. ازاین رو، تصمیم گرفت این کانون را تعطیل کند و در اختیار اوقاف قرار دهد که این توطئه در آبان ۱۳۵۱ عملی شد.(۲)

## دانشوری در دماوند

دانشوری در دماوند

---

۱- سید حمید روحانی، بررسی و تحلیل نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۴۷۷؛ محمد زرگر، حدیث عاشقی، ص ۵۸.

۲- دیدار با ابرار، ج ۷۸، ص ۱۱۰؛ آیات اصول اعتقادی قرآن، ص ۵۶.

آیت الله مفتح در شهرستان دماوند، افزون بر فعالیت های تبلیغی و سیاسی، در انجمن کاوش های دینی و علمی این شهر، نقشی مؤثر داشت. در این تشکل خودجوش که جوانان متدین دماوند آن را بنیان نهاده بودند، گروهی از اندیشمندان انقلابی چون استاد مطهری، دکتر باهنر و برخی ادیبان و هنرمندان حضور می یافتند.(۱)

در سوم اسفند ۱۳۵۰، هم زمان با ایام محرم، آیت الله مفتح در مجلس سوگواری که در تکیه محله چالکای دماوند برگزار شده بود، بر منبر رفت و به تحلیل نهضت حسینی پرداخت. او اظهار داشت که اگر مبانی اسلام، به ویژه جهاد، در میان نسل جوان و در جامعه اسلامی عملی شود و جوانان با این نیروی معنوی پرورش یابند، زندگی سعادتمندانه ای خواهند داشت. آنان با چنین روحیه ای، برای دفاع از مذهب و استقلال راستین سرزمین خود قیام می کنند و دیگر به دشمنان دیانت و مکتب های مادی و الحادی روی خوش نشان نمی دهند. دکتر مفتح در ادامه این سخنرانی ها، ضمن آوردن مثال های روایی و تاریخی، هشدار داد وقتی محرّک افراد اجتماع، شهوت و عیاشی و ابتذال باشد، آن جامعه راه نابودی و سقوط را می پیماید.(۲)

## جوانه هایی در مسجد جاوید

جوانه هایی در مسجد جاوید

پس از بسته شدن مسجد الجواد، شهید مفتح در سال ۱۳۵۲ مسجد جاوید را پایگاه فعالیت های تبلیغی و انقلابی خود قرار داد و در کنار امامت مسجد، برای تشکیل کلاس های عقیدتی، اسلام شناسی، جامعه شناسی، تاریخ ادیان،

---

۱- برنامه مفتاح حضور، شبکه دوم، قسمت ششم، پاییز ۱۳۷۸.

۲- نک: یاران امام به روایت اسناد ساواک، صص ۲۲۶، ۲۳۸، ۲۵۷ و ۲۶۸.

اقتصاد، فلسفه، تفسیر قرآن و نهج البلاغه، تأسیس کتاب خانه و دعوت از واعظان بزرگ و عالمان و متفکران به کانون، برنامه ریزی و نظارت می کرد که مردم از این برنامه ها استقبال خوبی کردند. او این مکان مقدس را به پایگاه آموزشی و انقلابی علیه رژیم منحوس پهلوی تبدیل کرد. فعالیت های گسترده سیاسی، استقبال مردم و تربیت نسل متدین و انقلابی در این مسجد، سبب شد مأموران رژیم در سوم آذر ۱۳۵۳، بعد از سخنرانی حضرت آیت الله خامنه ای به مسجد هجوم آورند و ایشان و آیت الله مفتح را دستگیر و روانه زندان کنند و مسجد را نیز تعطیل کردند. به این ترتیب، نسل جوان و تشنه معارف ناب که پیش تر، از حسینیه ارشاد و مسجد هدایت محروم شده بود، این کانون را نیز از دست دادند.(۱) مفتح حدود دو ماه، سخت ترین شکنجه های رژیم سفاک پهلوی را تحمل کرد و بعد از رهایی، ساواک به وی اجازه فعالیت دوباره در مسجد جاوید را نداد.(۲)

در گزارش ساواک از کوشش های شهید مفتح در مسجد جاوید آمده است:

... دکتر محمد مفتح... با وجود ممنوع المنبر شدن، در مسجد جاوید جلساتی جهت جوانان و دانشجویان تشکیل می داد. با توجه به اینکه ادامه این گونه اقدامات موجبات گرایش نسل جوان به سوی فعالیت های ضدامنیتی را فراهم می ساخت، پیشنهاد گردید از ادامه تدریس مشارالیه در دانشگاه تهران جلوگیری به عمل آید و از جلسات متشکل در مسجد جاوید و همچنین از اعمال و رفتار یادشده، مراقبت های دقیق تری به عمل آید. مدیریت محترم اداره کل سوم (ساواک) پی نوشت فرمودند به وسیله کمیته (ضد خرابکاری) دستگیر و تحت تعقیب قرار گیرد. از تشکیل اجتماعات در مسجد مذکور جلوگیری [شود] و عناصری که به مسجد

---

۱- محمدحسین واثقی راد، مطهری، مطهر اندیشه ها، ج ۱، ص ۵۷؛ «بزرگ مردی در راستای تشیع سرخ»، مجله اعتصام، ش ۸ .

۲- دیدار با ابرار، ج ۷۸، ص ۱۱۴.

مذکور تردد دارند، مراقبت شوند که در اجرای اوامر صادره، روحانی مزبور دستگیر گردید(۱).(۲)

## مسجد قبا، کانون نیروهای انقلابی

مسجد قبا، کانون نیروهای انقلابی

در سال ۱۳۵۵، شهید مفتح امامت مسجد قبا را پذیرفت و از آن پس، در سطحی وسیع تر کلاس های عقیدتی و سخنرانی های روشنگرانه را برگزار می کرد. در کنار این فعالیت ها، کتاب خانه مسجد را نیز بنیان نهاد و با استفاده از صحن این کتاب خانه، در فصل تابستان اردوهای تربیتی و تفریحی برای دانش آموزان تشکیل می داد. سرانجام مسجد قبا به بزرگ ترین مرکز انقلابی تهران و پایگاه مهم ضد رژیم پهلوی تبدیل شد.

به موازات برنامه های تبلیغی و سیاسی، دکتر مفتح که از مشکلات اقتصادی و وضع افراد مستمند و محروم نیز باخبر بود، صندوق ذخیره قبا را تأسیس کرد.

هم زمان با ماه مبارک رمضان سال ۱۳۵۶ و در پی شعارهای فریبنده رژیم درباره ایجاد فضای باز سیاسی، آیت الله مفتح در مسجد قبا جلسه هایی برگزار کرد که حدود سی هزار نفر در آنها شرکت می کردند و حتی از شهرستان ها گروه گروه برای حضور در این جلسه ها می آمدند. با وجود فشارهای رژیم بر شهید مفتح در این دوران، او مقاومت کرد و رسالت سنگین خود را ادامه داد.(۳) ایشان قاطعانه و بی هیچ هراسی، در مصاحبه با یک کشیش معروف امریکایی که از مخالفان جنگ ویتنام بود، شرایط

---

۱- این مسجد در حوالی حسینیه ارشاد قرار دارد و در سال ۱۳۵۴ با حضور آیت الله خوانساری افتتاح شد.

۲- یاران امام به روایت اسناد ساواک، صص ۲۸۳، ۲۸۶ و ۲۸۷ .

۳- نک: شاهد یاران، ص ۹؛ دیدار با ابرار، ج ۷۸، صص ۱۱۷ _ ۱۱۹؛ یاران امام به روایت اسناد ساواک، صص ۳۵۲، ۳۵۷، ۳۹۳، ۴۰۳، ۴۳۷ _ ۴۷۳.

خفقان باری را که رژیم شاه ایجاد کرده بود، تشریح و نظرهای خویش را در این باره بیان کرد.

شهید مفتح از همین سنگر، بسیاری از اعلامیه ها را تکثیر و توزیع می کرد و نخستین نمایشگاه کتاب را در این مسجد برگزار کرد. همچنین اندیشمند مصری؛ عبدالفتاح عبدالمقصود به دعوت او، برای سخنرانی به ایران آمد.(۱) دعوت از قاریان بین المللی مصری هم از حرکت های فرهنگی این پایگاه بود.

## توجه به مسائل لبنان و فلسطین

توجه به مسائل لبنان و فلسطین

شهید مفتح به مسائل جهان اسلام توجهی خاص نشان می داد و یکی از مهم ترین مسائلی که ذهن او را به خود مشغول کرده بود و آزارش می داد، اشغال فلسطین به دست غاصبان صهیونیست، با حمایت انگلستان و امریکا بود. او عقیده داشت هم غرب و هم شرق، نقشه کشیده اند که با به رسمیت شناختن این غده سرطانی در قلب جهان اسلام، برای خود، پایگاهی در داخل کشورهای اسلامی به وجود آورند. همچنین نقشه مستکبران جهان و صهیونیست ها برای تجزیه سیاسی و جغرافیایی لبنان، از دغدغه های او بود. هنگامی که رژیم اشغالگر صهیونیست، با همکاری رژیم های مرتجع منطقه، در جنگ های داخلی لبنان، فلسطینی های مقیم این کشور و شیعیان لبنان را سرکوب می کرد، وی در برنامه ای منظم و اصولی و با یاری هم فکرانش، مقدار زیادی کمک برای شیعیان لبنان فراهم کرد و در سفر به این کشور، به کمک امام موسی صدر، آنها را به شیعیان و فلسطینی های آواره در لبنان تحویل داد. او پس از بررسی اوضاع شیعیان لبنان دریافت که از اساسی ترین مشکلات آنان، فقر فرهنگی و ضعف معارف اعتقادی و فراهم نبودن امکانات

---

۱- مترجم سخنرانی های وی مرحوم صدربلاغی بود.

تحصیل معارف و علوم است. بنابراین، درصدد برآمد با همکاری امام موسی صدر و دکتر مصطفی چمران، مجتمعی فرهنگی ــ آموزشی از مقطع دبستان تا دانشگاه در جنوب این کشور تأسیس کند، حتی زمینی هم برای اجرای این طرح خریداری شد، ولی با مفقود شدن امام موسی صدر، گسترش جنگ داخلی در لبنان، اوج گرفتن انقلاب اسلامی و افزایش مسئولیت های دکتر مفتح در این مسیر، این طرح به طور موقت تعطیل شد. او در نظر داشت پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، با بهره گرفتن از امکانات نظام جمهوری اسلامی، اجرایی شدن این کار را پی گیری کند که به شهادت رسید.(۱)

البته وی موفق شد در برنامه ای کوتاه مدت، مخارج تحصیل کودکان شهدای لبنان و هزینه های پوشاک و غذای عده زیادی از شیعیان آواره را تأمین و کودکانشان را راهی مدارس سازد.(۲)

## شکل دهی و سازمان دهی مبارزات مردم

شکل دهی و سازمان دهی مبارزات مردم

شهید مفتح بعد از نماز عید فطر در سال ۱۳۵۷، با همراهی حدود پنجاه هزار نفر از مردم مسلمان تهران، زیر برق سلاح ها و در محاصره تانک ها و سربازان مسلح رژیم پهلوی، راه پیمایی بزرگی را از قیطریه آغاز کرد. این راه پیمایی، با اعلام قبلی دکتر مفتح، در اعتراض به اقدامات نظام استبدادی در به شهادت رساندن مردم مسلمان شهرهای مختلف کشور در ماه مبارک رمضان صورت می گرفت. با توجه به اعلام قبلی این راه پیمایی و اینکه مردم قرار تجمع در قیطریه را در ساعت هشت صبح گذاشته بودند، در ۱۶

---

۱- ابراهیم یزدی، آخرین تلاش ها در آخرین روزها، ص ۳۲۴؛ آیات اصول اعتقادی قرآن، ص ۶۰؛ مجله اعتصام، ش ۴۴، ص ۱۹.

۲- شاهد یاران، ص ۹؛ یاران امام به روایت اسناد ساواک، مقدمه، ص ۳۴.

شهریور ۱۳۵۷ پلیس طاغوتی، این منطقه را اشغال کرده بود و مردم در کنار خیابان دکتر شریعتی کنونی منتظر ایستاده بودند. با ورود آیت الله مفتح و حرکت به سمت جنوب خیابان، مردم یک باره به ایشان پیوستند و با شعار «نصر من الله و فتح قریب» راه پیمایی گسترده ای آغاز شد. پس از دقایقی، ارتش با استفاده از گاز اشک آور، اقدام به حمله ای گسترده کرد تا جمعیت را متفرق سازد، ولی با حضور شهید مفتح موفق به این کار نشد. سرانجام در سه راهی دولت (شهید کلاه دوز)، عمّال رژیم به آیت الله مفتح حمله و ایشان را به شدت مجروح کردند. شدت جراحات به اندازه ای بود که ایشان در منزلی در همان اطراف بستری شد، ولی در همان حال فرمود: « هدف مهم است نه شخص؛ هرچند من زخمی شده ام و دیگر امکان حرکت ندارم، شما تا رسیدن به هدفتان به راه پیمایی ادامه دهید.» ازاین رو، تظاهرات با هدایت دکتر بهشتی تا میدان آزادی کنونی ادامه یافت و با قرائت یک قطع نامه و تأکید بر رهبری امام خمینی و تداوم انقلاب اسلامی پایان یافت.

فردای آن روز، یعنی ۱۷ شهریور (جمعه سیاه و خونین)، شهید مفتح از بیمارستان پارس مرخص شد و به منزل خویش که در محاصره مأموران ساواک بود، بازگشت. نیروهای امنیتی رژیم، ایشان را دستگیر کردند و در نخستین ساعات حکومت نظامی تهران، آیت الله مفتح راهی زندان کمیته گردید و بیش از دو ماه در زندان به سر برد. با اوج گیری انقلاب اسلامی و فشارهای مردم، ایشان و عده ای دیگر از زندانیان آزاد شدند.

## در تدارک کمیته استقبال از امام خمینی

در تدارک کمیته استقبال از امام خمینی

با سرنگونی رژیم پهلوی و فرار شاه خائن، امام اعلام کرد که از پاریس به ایران خواهد آمد. روحانیان مبارز با برنامه ریزی منظم، کمیته ای برای تدارک

استقبال از امام تشکیل دادند که آیت الله مفتح، استاد مطهری و نیز شیخ فضل الله محلاتی با همکاری دیگر شخصیت های مبارز، از اعضای این کمیته بودند. آنها با تلاش های خستگی ناپذیر و شبانه روزی، نیروها را بسیج کردند و کار با دقت و نظم بی نظیری پیش می رفت. در نتیجه این تلاش ها و برنامه ریزی شهید مفتح، استقبالی باشکوه و بی مانند از مسیر فرودگاه مهرآباد تا بهشت زهرا از امام خمینی رحمه الله انجام شد.

کمیته استقبال، در ضلع شمالی قطعه ۱۷ که آرامگاه شهیدان انقلاب اسلامی بود، جایگاه ویژه ای برای استقرار و سخنرانی امام در نظر گرفت. بالگرد حامل رهبر انقلاب، در ساعت پانزده و چهل وپنج دقیقه دوازدهم بهمن ۱۳۵۷ در این محوطه بر زمین نشست و امام در حالی که شهید مفتح در کنارش ایستاده بود، نطق تاریخی و سرنوشت ساز خود را در بهشت زهرا ایراد فرمود. (۱)

بنا بر آمارهای اعلام شده، جمعیت استقبال کننده تا شش میلیون نفر تخمین زده شده که برنامه ریزی برای چنین تجمع باشکوهی، به عهده دکتر مفتح و همکارانش بود.(۲)

دکتر مفتح در سخنرانی پرشور خود در ۱۳ بهمن ۱۳۵۷، به این حرکت عظیم اشاراتی جالب کرد:

... تشریف فرمایی رهبر بزرگ با این شوکت و عظمت و هیجان، بار دیگر این آیه کریمه «قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» را مصداق عملی داد. واقعاً چنین هیجانی در تاریخ بی سابقه بوده است. ما در اتومبیلی جلوتر از اتومبیل (حامل) امام بودیم، می دیدم که مردم اصلاً مالک

---

۱- نگارنده در آن زمان شاهد این شکوه معنوی و انقلابی بوده است.

۲- دیدار با ابرار، ج ۷۸، صص ۱۳۷ و ۱۳۸؛ شاهد یاران، ص ۱۰.

خودشان نبودند.

این همه شور و احساس، نشانگر عشق و علاقه به حقیقت است، دوستان ما در بهشت زهرا ناظر بودند و دیدند که چگونه آن کثرت جمعیت بی تاب منقلب می شدند. دیروز در بهشت زهرا که بنده هم افتخار داشتم در محضرشان باشم، تا جایی که توانایی اجازه می داد، سعی می کردیم که هجوم نشود به آقا. من خودم از پا درآمدم و حالم به هم خورد. آقا هم همین طور، عمامه ایشان افتاد. واقعاً خدا رحم کرد... .(۱)

## پس از پیروزی انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی

دکتر مفتح پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با همکاری آیت الله مهدوی کنی، دکتر بهشتی و استاد مطهری، طرح کمیته های انقلاب اسلامی را پیشنهاد داد و خود علاوه بر همکاری با آیت الله مهدوی کنی در مسئولیت ستادی کمیته ها، مسئولیت کمیته انقلاب اسلامی منطقه چهار تهران را نیز پذیرفت. در این مقام، وی در کنار رسیدگی به امور انتظامی، فعالیت های آموزشی و تبلیغی را دنبال می کرد. او «کاخ جوانان» را که در رژیم پهلوی از کانون های انحراف بود، به مرکز فعالیت های فرهنگی برای نسل جوان تبدیل و در آن، کلاس های عقیدتی، سیاسی، تدریس نهج البلاغه و آموزش کمک های اولیه برگزار کرد. رسیدگی به صدها پرونده شکایت، حل و فصل مشکلات اجتماعی و امنیتی مردم و تشکیل پرونده برای سرسپردگان رژیم طاغوتی و متجاوزان به حقوق مردم، از دیگر فعالیت های کمیته چهار انقلاب اسلامی بود. با وجود این مسئولیت های سنگین، آن شهید والامقام، دو سنگر دانش و

---

۱- نک: محمد مفتح، ویژگی های زعامت و رهبری، صص۶۵ ـ ۷۰.

عبادت، یعنی دانشگاه و مسجد را رها نساخت و همچنان در مسجد قبا و مسجد دانشگاه تهران نماز جماعت اقامه می کرد.

مفتح به دلیل علاقه به کارهای فرهنگی و رسانه ای و توجه به نقش نشریه ها در آگاهی مردم، مسئولیت مؤسسه اطلاعات را نیز بر عهده داشت و با برنامه ریزی های منسجم و تدبیری ویژه، زمینه های تغییر و تحول اساسی در این کانون فرهنگی را پدید آورد.

در اوایل پیروزی انقلاب، دشمنان که خود را شکست خورده می دیدند، با شایعه سازی و ایجاد جنگ های روانی، می خواستند نیروهای انقلابی را تضعیف و مردم را دچار احساس ناامیدی و ناکامی کنند و بین نیروهای فعال سیاسی تفرقه اندازند. در چنین اوضاع آشفته ای، کنفرانسی مطبوعاتی در حسینیه ارشاد برگزار شد که در آن استاد مطهری، دکتر مفتح و عده ای دیگر از اندیشمندان، با خردمندی و تدبیر، به پرسش هایی درباره انقلاب اسلامی پاسخ دادند و حقایقی را که در پرده ابهام باقی مانده بود، برای علاقه مندان روشن کردند.

عضویت در شورای انقلاب، شورای عالی نظارت بر امور مؤسسه اطلاعات و شورای گسترش آموزش عالی، از دیگر مسئولیت های شهید مفتح در سال های نخست پیروزی انقلاب اسلامی بود. او به عنوان یکی از اعضای فعال جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، در جلسه هایی که این نهاد برگزار می کرد، درباره نظم دادن به تحصیلات حوزوی، راه اندازی مدرسه های جدید و تجدید نظر در محتوای دروس حوزه، پیشنهادهایی ارزشمند و کاربردی مطرح می کرد.

این شـهید بزرگوار و بزرگانی چون دکتر باهنر، آیت الله مهدوی کنی، امامی کاشانی، دکتر بهشتی، اسـتاد مطهری، شیخ فضل الله محلاتی و شـیخ مهـدی شاه آبادی، جامعه روحانیت مبارز تهران را بنیان نهادند که در سال های اوج گیری انقلاب، ضـمن تماس مستقیم با امام خمینی رحمه الله وظیفه برنامه ریزی برای مبارزات مردم تهران را به ویژه در راه پیمایی های عظیم تاسوعا و عاشورا، اربعین، تعطیلی بازار و هماهنگی مساجد و مجامع بر عهده داشت. شهید مفتح به همراه شهید مطهری، اساس نامه ای با سیاست های انقلابی برای این نهاد تنظیم کردند و در ادامه فعالیت های آن تلاشی بی وقفه داشتند که از روح بلند، مبارز و روحیه تشکل گرایی آنها حکایت داشت.

او پس از تأسیس حزب جمهوری اسـلامی به عضویت آن در آمد و مدت کوتاهی مسئولیت این حزب را بر عهده گرفت.(۱) همکـاری علمی، فرهنگی و تبلیغی بـا مکتب الرضـا(ع) (هیئت آذربایجـانی های مقیم مرکز) از دیگر فعالیت های آن شـهید به شمار می رود.

---

۱- روزشمار انقلاب اسلامی، ج۵، صص۱۹۵و ۲۷۱؛ اسناد انقلاب اسلامی، ج۲۳، ص۴۲۳؛ شاهد یاران، صص۱۰و۱۱؛ دیدار با ابرار، ج۷۸، صص ۱۲۲ و ۱۲۳.

## فصل چهارم: ویژگی های شخصیتی

### اشاره

فصل چهارم: ویژگی های شخصیتی

زیر فصل ها

چشمه عطوفت و صداقت در خانه

جامع فضل و فضیلت

خشم مقدس

سلوک معنوی

ساده زیستی و قناعت

دل سوزی برای اصلاح جامعه

تواضع و متانت

شهادت

### چشمه عطوفت و صداقت در خانه

چشمه عطوفت و صداقت در خانه

شهید مفتح در تمام مراحل زندگی، به اصول اسلامی پایبند بود و در عرصه های گوناگون، اخلاق اسلامی را رعایت می کرد. او در زندگی مشترک نیز از این اصل کلی پیروی می کرد و مهرورزی و رسیدگی به اوضاع داخلی خانواده، انجام دادن فرائض و نوافل و برخوردهای تربیتی او با فرزندانش، همه بر اساس موازین دینی و شرعی بود. همسر ایشان می گوید:

سعی بسیار داشتند که سطح شناخت مرا در معارف اسلامی بالا ببرند. به امر آموزش بچه ها و آشنا کردن آنان با فریضه ها و عبادات اهمیت می دادند. نسبت به من و فرزندانم رفتاری معلم گونه داشتند و این ویژگی ناشی از علاقه و محبت شدیدی بود که ایشان نسبت به خانواده بروز می دادند.(۱)

ابراز عطوفت و محبت شهید مفتح در خانه، به گونه ای بود که فرزندانش در همان سنین کودکی آن را احساس می کردند و

این نکته ای

---

۱- «خانه، کانون تربیت و ارشاد فرزندانش بود» گفت و گو با همسر شهید مفتح، مجله زن روز، ش۸۹۶، ۲۷ آذر ۱۳۶۱، ص۷.

اساسـی در روان شناسـی پرورشـی است؛ زیرا توجه فرزنـدان به علاقه متقابل والدین و فضای عاطفی در خانه، نقش مؤثری در پیروی آنان از تذکرها و رهنمودهای پدر و مادر دارد. دکتر مفتح با وجود داشـتن مسـئولیت ها و مشاغل متعدد در جامعه، چه پیش از انقلاب اسـلامی و چه پس از آن، و بـا وجود تمام گرفتاری هایی که نیروهای ساواک برایش ایجاد می کردنـد، وقت مشخصـی را اختصـاص می داد و بر تمـام امـوری که به عنـوان پـدر و سـرپرست خـانواده در پرورش بچه هـا بر عهـده داشت، نظـارت دقیق می کرد. شـیوه تربیتی اش در قـالب تـذکر غیر مسـتقیم بود و بـا عمل سـنجیده، محبت فراوان و رفتار دقیق، برای فرزندان الگوسازی می کرد. در برآوردن نیازهای روانی و عاطفی آنها بسیار دقیق بود و اوقاتی را برای تفریح و سرگرمی های فکری آنان اختصاص می داد. اعتقاد داشت چون دختران، مادران آینده هسـتند، باید در کسب تحصـیلات بکوشـند و با حفظ شئون اسلامی برای جامعه مفید باشند تا فرزندان خوبی پرورش دهند. همسر این شهید می گوید:

در تصـمیم گیری هـا و مسائـل خـانواده، بـا فرزنـدان مشورت می کردنـد. مبنای برخوردشان با آنان، حس اعتماد بود. همواره نسبت به آنان اظهار اطمینان کامل [می کردند]، اگرچه به صورت غیرمسـتقیم اعمال و رفتار فرزندان را دقیقاً زیر نظر داشـتند. در کمال عطوفت و مودّت، خطاهای آنان را تصحیح و ایشان را راهنمایی می کردند. تأکید ایشان بر این نکته بود که فرزندان باید خودشان در مسائل مختلف به نتیجه ای مطلوب برسـند و راه را با احساس استقلال و اعتماد به نفس انتخاب کنند؛ زیرا می دانستند امور تحمیلی، پایداری نخواهد داشت.

اولین اصل [در] اعمال [شـهید] مفتـح، کسب رضایت الهی بود و از آنجا که خودش پایه زندگی را بر دیانت، صداقت، نجابت و قناعت استوار کرده بود، دوست داشتند که فرزندانشان نیز همین مبنا را سرلوحه زندگی خویش

قرار دهند. در مورد ازدواج دخترانشان، آنچه مد نظرشان بود، دیانت و حُسن خلق خواستگاران بود و به امور مالی به عنوان عاملی تعیین کننده نمی نگریستند. درباره تعیین مهریه نیز اعتقاد داشتند چون ما الگوی جامعه هستیم، نباید مبنایی بگذاریم که دیگران برای عمل کردن به آن دچار سختی شوند.(۱)

بتول مفتح در وصف پدرش گفته است:

پدرم فردی متخلّق به اخلاق اسلامی، بسیار باتقوا، مهربان و دلسوز با پشتکار فراوان بود. برخوردهای عاطفی توأم با ارشاد [ایشان]، در مورد دخترانشان بسیار مشخص تر جلوه می کرد. می کوشید آگاهی های علمی و مذهبی ما را بالا ببرد و به سؤالاتمان پاسخ دهد. شخصیت علمی و مذهبی ایشان همراه [با] روح عاطفی، نه تنها در خانواده بلکه نزد تمام فامیل و آشنایان کاملاً برجسته بود.(۲)

بچه ها را خیلی دوست داشتند. حتی وقتی مریض می شدیم، مراقب بودند داروهایمان را سر وقت بخوریم. حوصله عجیبی داشتند. می کوشیدند نگرانی هایی را که مانع از قضاوت صحیح ما می گردید، برطرف کنند. در تمامی مراحل از تحصیل تا ازدواج، به ما اعتماد به نفس می دادند و در عین حال که بسیار مراقب ما بودند، تصمیم گیری نهایی را به عهده خودمان می گذاشتند. فضای بسیار صمیمی و شادی بر خانواده حاکم بود. آقاجان به هیچ وجه مسائل بیرون خانه را به منزل نمی آوردند. در مراحلی از مسیر مبارزاتی، پدرم حتی با افرادی درگیر بودند که نمی توانستند ظرفیت فکری او را تحمل کنند و در نتیجه ایشان فشار روحی زیادی را باید تحمل می کرد، ولی کوچک ترین اثری از این ناراحتی ها در رفتار و سلوکشان در داخل خانه مشاهده نمی گردید. ما از لابه لای تلفن ها و گفت وگوهای خصوصی ایشان با مادرمان متوجه این گونه مشکلات بیرونی پدر می شدیم،

---

۱- «شهید مفتح به روایت همسر»، شاهد یاران، ص۶۷.

۲- «پدر ما معلم ما بود» مصاحبه با بتول مفتح، مجله زن روز، ش۸۹۶، ص ۷.

ولی او طوری رفتار می کرد که ما متوجه این امور نشویم.(۱)

مهندس محمدرضا مفتح نیز از شیوه های تربیتی پدر می گوید:

هیچ وقت ما نصیحت را به شکل رایج امروز و مستقیم از ایشان نمی شنیدیم و آن ارتباط عاطفی عمیقی که با ما داشتند، ما را به رفتارشان علاقه مند می کرد. واقعاً این معنا در زندگی ما به عنوان فرزندانی که به پدرشان نگاه می کنند، خیلی جالب بود؛ یعنی در همان سال هایی که از برکت زندگی در کنار ایشان برخوردار بودیم، کمتر با نصیحت های زبانی مواجه می شدیم، بلکه به دلیل علاقه زیادی که به پدر داشتیم، دقت می کردیم ببینیم به چه چیزی علاقه مندند و همان کار را می کردیم، نه اینکه الزاماً امر و نهی داشته باشند یا دستور مستقیمی بدهند و طبیعتاً ما از رفتارهای ایشان تشخیص می دادیم که به چه مسائلی علاقه مند هستند و همان کار را می کردیم. این همان روش های تربیتی است که مورد تأکید اسلام هم هست و برای من به عنوان فرزندشان بسیار جالب بود که اولاً ـ ایشان با آن همه گرفتاری های سیاسی و اجتماعی، اهتمام فراوانی به امور منزل و حسن معاشرت با اهل خانواده داشتند؛ ثانیاً با رابطه فوق العاده عاطفی که با بچه ها برقرار می کردند، ما خودمان را با آنچه مطلوب ایشان بود، تطبیق می دادیم.

نهایت ناراحتی ایشان به صورت بی اعتنایی و کم توجهی جلوه می کرد. محبت پدر متناسب با سن و سال و روحیه اگرچه اَشکال متفاوتی داشت، اما مستمر و جاری و ساری بود. نسبت به دخترها محبت سرشاری داشتند؛ چیزی که ما در تعالیم اسلامی داریم که وقتی پدر وارد منزل [می شود] ابتدا به دخترها توجه کند. در تشویق فرزندان، تعادل را رعایت می کردند. فراهم کردن امکانات تفریحی، مسافرت بردن اهل خانه و نیز تهیه کادو، نمودهایی از تشویق های ایشان بود، اما مهم ترین مشوق برای ما محبت او

---

۱- «شهید مفتح در قامت یک پدر» گفت و گو با بتول مفتح، شاهد یاران، همان، ص۶۸.

بود؛ اینکه همیشه با روی خندان و حالت بشاش به منزل می آمدند. به قدری نسبت به آموزش و پرورش ما اهتمام داشتند که حاضر بودند برای آن فشار مالی زیادی را تحمل کنند. ارتباط مستمری با مسئولین مدرسه های ما برقرار کرده بودند و از جهت و منش ما، مراقبت دقیقی [می کردند].

رفتار غیرمناسب از نظر مذهبی برای ایشان بسیار آزاردهنده تر از گرفتن نمره پایین در دروس عادی بود. محیط خانواده از لحاظ تربیتی، شدیداً تحت نظارت ایشان بود.

رفت وآمدهای ما با دوستان نیز، به صورت محبت آمیز توسط پدر نظارت می شد. مهم تر از اینها آن بود که ما ایشان را نه به عنوان یک کنترل کننده خشن و نهی کننده صرف، بلکه به عنوان یک دوست و مشاور می شناختیم و این نقش را برای فرزندان به نحو بارزی ایفا [می کردند.] وقتی درک می کردیم دوست ندارند با فرد خاصی رفت وآمد داشته باشیم، خودمان آن رابطه را قطع می کردیم.(۱)

## جامع فضل و فضیلت

جامع فضل و فضیلت

شهید مفتح افزون بر کسب مدارج بالای علمی در حوزه و دانشگاه، در اخلاق و مکارم انسانی نیز مقام والایی داشت. آیت الله سید حسن طاهری خرم آبادی ایشان را این گونه معرفی می کند:

مردی بودند عالم، فاضل، باتقوا، انقلابی و روشنفکر واقعی و مقید به دین اسلام؛ خوش بیان، خوش قریحه و خوش رو، خیلی برخورد خوبی داشتند، خوش منبر بودند و [با] تدریس خیلی عالی، انسان را جذب می کردند.(۲)

آیت الله حسن نوری همدانی نیز می گوید:

---

۱- گفت و گو با مهندس محمدرضا مفتح، شاهد یاران، صص ۷۱ و ۷۲.

۲- شاهد یاران، ص ۳۰.

مفتح در هوش و استعداد ذاتی و نجابت خانوادگی، نمونه بود و به راستی از لحاظ معاشرت و رعایت آداب مصاحبت و مجالست، طوری بر موازین اسلامی استوار بود که نظیر آن را کمتر می توان یافت. علاوه بر داشتن مقام شامخ علمی، دارای قلمی روان و توانا بود و بر اثر ایمان و اخلاصی که داشت، در راه انجام وظایف اجتماعی و مذهبی هرگز خستگی به خود راه نمی داد.(۱)

آیت الله سبحانی که نزدیک به چهل سال با شهید مفتح مأنوس بوده است، ویژگی های این شهید بزرگوار را این گونه برمی شمارد:

مرحوم آیت الله مفتح، انسان وارسته ای بود. در بحث و مذاکره درباره هر نوع سخن فقهی و فلسفی، انصاف داشت. وقتی احساس می کرد، گفته طرف مقابل مطابق منطق است، تسلیم [می شد] و کوچک ترین مقاومتی نمی کرد. انسانی بود نسبت به اهل بیت، محب. در حالی که هم فاضل حوزه بود و هم [مدرک] دکترا از دانشگاه گرفته بود، بالای منبر که می رفت مانند یک خطیب روضه می خواند و اشک می ریخت. به اهل بیت بسیار معتقد بود. به لباس روحانیت خیلی اهمیت می داد؛ کوچک ترین لغزشی را که از یک شخص ملبّس به این لباس می دید، ناراحت می شد. عزت روحانیت در نظرش بر دیگر امور اولویت داشت. اگر منافع شخصی [اش] با یک خواهشی که مناسب با شأن روحانی نیست، تصادم می کرد، از آن نفع شخصی عدول می کرد و راضی به این کار نمی شد.(۲)

حجت الاسلام جلالی خمینی که در جلسه درس امام، با شهید مفتح آشنا شده بود، او را از نظر اخلاقی این گونه یافته است:

در رفت وآمدهایی که به منزل ایشان داشتم و نیز همکاری در عرصه ها و جاهای مختلف با ایشان، آنچه متوجه شدم تقیّد محض ایشان به رعایت

---

۱- شاهد یاران، ص۱۳.

۲- شاهد یاران، ص۱۴.

موازین و احکام دینی بود. ایشان انسانی بودنـد دین باور و محکم و از نظر اخلاقی، سالم. بارها مشاهده می شد که اگر کسـی غیبتی می کرد یـا حرفی می زد که شـایبه غیبت در آن بود، به شـدت ناراحت می شدنـد و به هر نحو ممکن مسیر صـحبت را عوض می کردند. نسبت به رعایت حدود الهی بسـیار حساسـیت داشتند؛ به ویژه در میان ما روحانیان که لباس سربازی و تبلیغ معارف دینی بر تن داریم. در مجموع زندگی سعادتمندی را سپری کردند.(۱)

## خشم مقدس

خشم مقدس

این شـهید غیور، هرگـاه می دیـد به مبانی دینی، بی احترامی می شود، واکنشـی نشان می داد. شـهید دکتر بهشتی در این زمینه یادآور شده است:

... ایشان در برابر هر تعرضـی به اسلام، سخت حساس بود و مکرر می گفتند: امروز در اتاق دبیران دعوایمان شد. می پرسیدم: چرا؟ می گفت: فلان کسی در ماه رمضان سیگار می کشید و من نتوانستم تحمل کنم. او را نصحیت کردم، ولی به جای آنکه نصـایحم را بپـذیرد یـا بـا منطـق جواب دهـد، یـک حـالت اسـتهزا به خودش گرفت. من هم پرخـاش کردم. این حـالت، نشـانه حساسـیت ایشان در برابر هجوم به ارزش های اسـلامی بود که تا آخرین لحظات حیاتش در وجودش مشاهده [می شد] و منشأ بسیاری از تحرکات پی گیر مفتح می گردید.(۲)

البته غیرت دینی شـهید مفتـح هرگز بـا تعصب هـای خشـک و بی جـا همراه نبـود، بلکه وقـتی می دیـد طرف مقابـل حاضـر به پذیرش حقایق از طریق استدلال و منطق، مستندات و بحث های علمی نیست، برمی آشفت.

---

۱- شاهد یاران، ص۳۷.

۲- «شهیدی شهید دیگر از سخن می گوید» مصاحبه با دکتر بهشتی درباره مفتح، روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۵/۹/۱۳۶۰.

وی در یک سخنرانی، خطاب به عوامل رژیم پهلوی، از سر خشم فریاد برآورد:

شما ملتی را که برای افکار مذهبی اش احترام قائل نمی باشید، انتظار دارید فریاد نزند، آرام باشد و سخنی نگوید. والله عظیم چه بخواهید و چه نخواهید ملت مسلمان ایران بیدار شده است. مرجع عالی قدر ما پانزده سال است که از میان ما رفته، ولی چه شوقی در دل های ماست، این علاقه الهی و اشتیاق به فضیلت است. اگر به افکار اسلامی ما جسارت کردید، ما نمی توانیم آرام بگیریم. اگر برای احساس های مذهبی ما حرمتی قائل نشدید، ملت ایران آرام نخواهد بود.(۱)

و چون می بیند عوامل استبدادی، تاریخ اسلامی را عوض کرده اند، در اعتراضی تند، چنین می گوید:

چطور ایرانی باید تاریخ پر افتخار هجرت رسول الله صلی الله علیه و آله، این تاریخ پرعظمت را کنار بگذارد و تاریخ شاهنشاهی جای گزین آن گردد. یا رسول الله صلی الله علیه و آله ما از روی تو شرمنده ایم.(۲)

جشن هنر که رژیم شاه در نهایت وقاحت و فضاحت در شیراز برگزار کرد، مفتح را همچون آتش فشان برافروخت و او فریاد برآورد:

مردم مسلمان شیراز وقتی رسوایی جشن هنر را دیدند، حدّ اعلای رسوایی را که به طور علنی در خیابان گناه شود، واقعاً دین به جای خود، اخلاق کجاست، انسانیت! این چه هست؟ چرا به این خواسته ها توجه نمی کنید؟ چرا عملاً ناراحتی را در بین مردم شعله ور می کنید؟ چرا نمی گذارید این مردم مسلمان در افکار مذهبی خود، خواسته های اسلامی

---

۱- ویژگی های زعامت و رهبری، ص ۴۶.
۲- مجله پیام انقلاب، ش ۱۷۷، ۲۹/۹/۱۳۶۵، ص ۲۹.

خود، جلو بروند.(۱)

همچنین در سخنرانی خود در مسجد صاحب الزمان(ع) تهران، در شهریور ۱۳۵۸ هشدار داد:

این کشته ها و مبارزات ما به خاطر اسلام بود؛ زندان رفتن ها، شکنجه دیدن ها و محرومیت ها، به خاطر این بود که ما آدم هایی هستیم متعلق به اسلام؛ یعنی بنده شخصاً چنین هستم، محال است یکی از برنامه های اسلامی را از دست بدهم و با آن معامله ای بکنم؛ با هیچ گروه، با هیچ دسته؛ ناراحت می شوند، بشوند. مگر ما می توانیم وظیفه ها را به خاطر اینکه یک گروهی ناراحت می شوند، رها کنیم.(۲)

دکتر مفتح از کودکی به صراحت عادت کرده بود و این رک گویی را همواره با چاشنی محبت همراه می کرد، ولی هرگاه دین و ارزش های الهی در مخاطره یا مورد تهاجم قرار می گرفت، این صراحت را با شهامت و شجاعت درمی آمیخت و بدون هیچ هراسی هرچه را لازم بود بگوید، می گفت. هیچ گاه برای مسائل شخصی و گذران زندگی، با افراد طرح دوستی نمی ریخت و ارتباط برقرار نمی کرد. دوستی و دشمنی اش با افراد، برای دین و انقلاب اسلامی بود. دکتر سید محمدباقر حجتی می گوید:

ما با هم همکار و دوست بودیم، ولی مصلحت هایمان حول محور مسائل انقلاب بود.(۳)

---

۱- حدیث عاشقی، ص ۱۲۶.

۲- آیات اصول اعتقادی قرآن، ص ۹۳.

۳- شاهد یاران، ص ۳۹.

## سلوک معنوی

سلوک معنوی

تربیت دینی، دکتر مفتح را از همان سنین نوجوانی، اهل تقوا، توسل و توکل بار آورده بود، اخلاقش به آداب اسلامی آراسته بود و به فرایض و نوافل توجه ویژه ای داشت. دشواری ها و مشاغل متعددی که پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر عهده اش بود، هیچ گاه وی را از امور عبادی، ذکر و مستحبات غافل نساخت. کوشش خالصانه او در راه تزکیه و تهذیب نفس، وارستگی و پارسایی، از یک سو نوعی فراست، روش بینی و توان تشخیص راه درست و انتخاب مسیر مطمئن را برایش به ارمغان آورده بود و از سوی دیگر، به برکت این چشمه معنوی که ذهن و دلش را در آن شست وشو می داد، در عمر نسبتاً کوتاهش، منشأ خدمات فراوانی برای امت مسلمان گردید. بسیاری از دانشجویان و افراد تحصیل کرده به لطف ارشاد و روشنگری های وی در مسیر هدایت گام نهادند.(۱)

شهید مفتح با وجود رسیدن به قله های حکمت و منطق و مهارت بالا در علوم عقلی و نقلی، به این باور رسیده بود که همین برنامه های عبادی، شب زنده داری ها و نوافل و روزه داری و دعا و نیایش، می تواند آدمی را نجات دهد و به ساحل سعادت و رستگاری برساند. او عقیده داشت برنامه های عبادی ماه رمضان، مردم را چنان تربیت کرد که با یکدیگر متحد شدند و رژیم طاغوتی را با آن ارتش مجهز و حمایت همه جانبه ابرقدرت ها شکست دادند و نیز سوگواری های ماه محرم،

---

۱- نک: مجله پیام زن، ش ۸۹۶، ۲۷/۹/۱۳۶۱، ص ۵۴.

راه پیمایی هایی به آن عظمت را به وجود آورد که دشمن را به زانو درآورد و دنیا را به شگفتی واداشت.(۱)

مفتح در اندیشه و عمل، به این حقیقت رسیده بود که دعا و نیایش با پروردگار متعال، سرمایه ای ارزنده و آموزنده و خوراک معنوی آدمی است که وی را از شوق، امید، تحرک و خیزش سرشار می سازد.(۲)

این شهید عارف، با دعا و عبادت و توکل مأنوس بود، ولی این ویژگی هیچ گاه او را از تکاپو و تلاش فکری، علمی و فرهنگی بازنداشت، بلکه تقویت کننده و نیروی محرکه اش به شمار می رفت. خود نیز مدام این واقعیت را بر زبان می آورد و می گفت:

من همیشه نیرویی داشتم که با آن می توانستم در برابر سختی ها استقامت بورزم. این قدرت معنوی، با توکل به پروردگار به دست آمده است.

آیت الله مفتح در کنار تمام فعالیت هایش، در مسجدهایی که آنها را به سنگر عبادی و مبارزاتی خود تبدیل کرده بود، به اقامه نماز جماعت می پرداخت. او به نماز اول وقت بسیار اهمیت می داد و حتی در روزهای بحرانی انقلاب به این مسئله پای بند بود. با آنکه در مسجد قبا، در سازمان دهی مبارزات مردم و سامان دادن به برنامه های آموزشی و فرهنگی، با گرفتاری های متعددی روبه رو بود، خود را ملزم می دانست که به نماز جماعت در وقت فضیلت آن برسد. حتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، که مسئولیت هایش بیشتر شده بود، هرکس مشکلی داشت، می توانست هنگام

---

۱- دیدار با ابرار، ج ۷۸، ص ۴۵.

۲- اسوه فرزانگی و فداکاری، ص ۳۲.

اقامه نماز جماعت مغرب و عشا در مسجد قبا با او دیدار داشته باشد و گرهی از کار فروبسته خود بگشاید. یکی از نمازگزاران می گوید:

او به قدری مقید به نماز جماعت بود که وقتی یک شب دیر به مسجد آمده بود، گفت: از این به بعد، اگر دیر آمدم، شما با تابوت بیایید درِ منزل من، دست خالی برنمی گردید. این قدر خود را مقیّد به برگزاری نماز در اول وقت می دانست.(۱)

## ساده زیستی و قناعت

ساده زیستی و قناعت

شهید مفتح در استفاده از امکانات زندگی و وسایل رفاهی، از هرگونه تشریفاتی گریزان بود و تأکید می کرد روحانی نباید اهل اسراف و تبذیر باشد، بلکه باید هرچه کمتر در قیدوبند ظواهر دنیایی باشد. در همین زمینه، مهندس عباس تاج، در اقدامی ابتکاری و با هدف کم کردن تشریفات زندگی، «جمعیت طرف داران ساده زیستی» را تشکیل داد. شبی در اواسط بهمن ۱۳۵۵، شهید مفتح در جلسه ای که به همین مناسبت در منزل مهندس مفیدی تشکیل شده بود، درباره هدف اسلامی این جمعیت سخنرانی کرد و خطاب به اعضای این گروه گفت: «آقایان باید اصلاح را از خودشان شروع کنند و در صورت تحقق یافتن موضوع، شروع به عضوگیری کنند.» آن شب از شرکت کنندگان، با جوجه کباب پذیرایی شد. شهید مفتح با دیدن این پذیرایی گفت:

افرادی که تصمیم به ترویج ساده زیستی دارند، نباید چنین غذایی تدارک می دیدند. بایستی یک شام ساده مثل نان، پنیر و سبزی و ماست

---

۱- زندگی و مبارزات شهید آیت الله دکتر محمد مفتح، ص ۴۳.

می دادند. این کار در قدم اول، خود، یک اشتباه است.(۱)

در شرایطی که شایعه سازان تبلیغ می کردند که روحانیان زندگی مرفّه دارند، هرکس وارد خانه شهید مفتح می شد، مشاهده می کرد اتاق هایش با موکت فرش شده و امکاناتی چون میز و صندلی و چراغ مطالعه آن بسیار ساده و مستعمل، ولی تمیز و منظم است. این شهید بااخلاق، بسیار تمیز و خوش پوش هم بود و به نظافت خانه، کتاب خانه و وسایلی که در اختیار داشت، توجه می کرد. ایشان امکاناتی که بسیاری از افراد در اختیار داشتند، نداشت و تا آخر عمر هم این ساده زیستی را حفظ کرد.(۲)

وسیله نقلیه او یک دستگاه فولکس بود و گاه از ژیان فرزندش که با وام تهیه کرده بود، استفاده می کرد. در جریان ترورهایی که گروهک های منحرف در اوایل انقلاب انجام می دادند، برای شخصیت هایی چون او تدابیر امنیتی در نظر گرفته شد. در این شرایط، شهید مفتح اعلام کرد:

چقدر آرزو می کنم این مراحل سخت و مراقبت های شدید و استفاده از ماشین ضد گلوله به پایان برسد و برگردیم به همان آزادگی که من و دوستانم داشتیم. من هیچ وقت به تشریفات معتقد نبوده، بلکه [از آن] منزجر بوده ام و به آن [روح] طلبگی که از اول با آن تربیت شده ام، عادت داشتم. سوگند به خداوند، این وضع برایمان لذتی ندارد. حال اگر در برابرش مقاومت کنیم، معنایش تظاهر به پاره ای مسائل است که از آن به خداوند پناه می بریم.(۳)

---

۱- نک: یاران امام به روایت اسناد ساواک، صص ۳۶۴ و ۳۶۵، گزارش ساواک از جلسه جمعیت طرف داران ساده زیستی در ۱۴ خرداد ۱۳۵۶.

۲- شاهد یاران، ص ۴۳.

۳- دیدار با ابرار، ج ۷۸، صص ۴۳ و ۴۴.

مهندس محمدرضا مفتح می گوید:

زندگی ما در حد معمول بود. بعد از پیروزی انقلاب هم پدر تأکید داشتند که زندگی ما در همین حد بماند و از هرگونه تجملات پرهیز می کردند. اوایل که به تهران آمدند، امکانش نبود، ولی بعد که استاد دانشگاه شدند و بعد از انقلاب هم که ریاست دانشکده الهیات و مناصب دیگر را داشتند، به شدت از تجملات دوری [می کردند] و همیشه این سطح را به ما هم تأکید می کردند. ما سختی های دوره ضعف مالی ایشان را احساس کردیم، نه رفاه بعدی را. همیشه یک حد عادی و متوسط داشتیم.(۱)

بتول مفتح (دختر استاد) نیز می گوید:

ایشان [در] تهیه وسایل رفاهی برای خانواده بسیار مقید بودند، ولی ابداً تمایلی به تجملات نداشتند و ما را هم منع می کردند. یادم می آید یک بار ایشان تشریف آوردند اصفهان و من خانواده شوهرم را دعوت کرده و دو نوع غذا، یعنی باقلاپلو و قورمه سبزی درست کرده بودم. آقا جان پرسیدند: چرا دو گونه غذا تهیه کردی؟ گفتم: اسراف نکرده ام، همان برنجی را که برای این تعداد لازم بود، نصف کرده و به نیمی از آن شوید و باقلا زده ام. ایشان گفتند: نفس این کار روا نیست و از ساده زیستی دور است. سعی کن به این جور کارها عادت نکنی. البته ایشان به عنوان یک فرد متدین، نهایت سعی خود را برای رفاه ما می کردند، ولی مراقب بودند دچار تکلّفی نشویم. هنگامی هم که خواستیم ازدواج کنیم، ابداً دنبال تشریفات و مهریه سنگین و این مسائل نبودند و در نهایتِ سادگی، مراسم را برگزار می کردند.(۲)

## دل سوزی برای اصلاح جامعه

دل سوزی برای اصلاح جامعه

زندگی سراسر اندیشه، شور و معنویت شهید مفتح، با هدف اصلاح امت اسلامی آمیخته بود و ایشان برای رساندن مردم به کمال معنوی، از هیچ

---

۱- شاهد یاران، ص۷۲.

۲- شاهد یاران، ص ۷۰.

تلاشـی فروگـذار نبود. او در حوزه، دبیرسـتان و دانشـگاه، ضـمن تلاـش برای افزایش توان علمی و فکری فراگیران، آنان را به تهـذیب نفس و مبـارزه با شـیطان درون و به شـناخت جامعه و کمبودهای آن و تلاش برای برطرف کردن این کمبودها تشویق می کرد. در برخورد با قشـرهای گوناگون، رأفت و رحمت اسلامی داشت و حدود شرعی را رعایت می کرد. در سنگر مسجد و دانشـگاه می کوشـید نسل جوان را به سـلاح معرفت و ایمان مجهز گرداند و زمینه های تعالی و شکوفایی معنویشان را فراهم سـازد. او از هر فرصتی برای این منظور، کمـال اسـتفاده را می برد. خود نیز هرگز دقیقه ای از عمرش را هـدر نمی داد و گوهر ارزنده عمرش را پاس می داشت.

از ویژگی های شـهید مفتح، توجه بسـیار زیاد او به نوجوانان و جوانان بود، چنان که مسـجد جاوید و پس از آن، مسـجد قبا را پایگـاهی برای ارتبـاط بـا این دو نسل نوخاسـته قرار داد. ارتباط دوسـتانه و محبت آمیز آن شـهید با جوانان، آنان را به معارف اسـلامی، فعالیت های انقلابی و مبارزاتی علاقه منـد می ساخت و به تلاش برای رهایی جامعه از سـتم و نادانی و انحراف های اجتمـاعی و اخلاقی وامی داشت. توجه فراوان این شـهید و صـرف وقت زیاد برای آگاهی و خودسازی جوان ها، گاهی سـبب اعتراض برخی کهن سالاـن مسـجد می شـد. مفتـح در یکی از سـخنرانی هـای خود در مسـجد قبـا، بـا رعایت احترام این افراد، خطاب به آنان گفت:

شما سالخورده ها دیگر گمراه و منحرف نمی شوید. این جوانان هستند که اگر به آنان توجه نکنیم و تحویلشان نگیریم، امکان دارد برایشـان دام هـای خطرنـاکی بگسترانـند و در درّه هـای ضـلالت و باتلاـق های آلودگی های اخلاقی و اجتماعی سـقوط کنند.

همچنین در مصاحبه ای اظهار داشت:

معتقـدم [اگر] به نسـل جـوان، بـا دیـده لطـف نگـاه کنیم و اگر اینهـا را مثـل فرزنـدان خودمـان به آغوش بگیریم، چون دارای وجـدانی پاک می باشـند، از برخی گرایش های منفی و بـدبینی هایی که مخالفان و دشـمنان در جامعه اشاعه داده اند، دسـت برمی دارند.(۱)

## تواضع و متانت

تواضع و متانت

شهیـد مفتح وقار خاصـی در اعمال و رفتارش داشت. اقتدار و ابهت معنوی و علمی و جامعیت علمی، اخلاقی و سیاسـی او، در چهره، کلاـم و برخوردهایش کاملاً مشـهود و برجسـته بود. با وجود این، ادای احترام به مردم را وظیفه خود می دانست.(۲) در مسـیر منزل تا مسجدی که در آن نماز جماعت اقامه می کرد، با هرکس روبه رو می شد، با نشاط و مهربانی از او احوال پرسی می کرد و برای نمازگزاران احترام خاصـی قائل بود. اگر برای یکی از آنان مشکلی پیش می آمد، برای رفع آن، در حد توان، سریع اقدام می کرد. یکی از نمازگزاران مسجد قبا نقل می کند:

ایشان به قـدری نسبت به اصـحاب مسـجد و نمازگزاران مهربان بودنـد که وقتی من کسالتی پیـدا کردم و در بستر بیماری قرار گرفتم، به عیادتم آمدند و جویای حال و سیر درمانم شدند. به اهل مسجد توجه در حدی داشتند که کمک هایی هم به برخی از آنان می کردند.(۳)

او پس از اقـامه نمـاز هـم، مسـجد را سـریع ترک نمی کرد و هرکس برای کـاری نزدش می رفـت، راحـت و در آرامش بـا او درددل می کرد. شهید بزرگوار نیز به احترام مراجعه کننده، از جای برمی خاست و برایش تفاوتی نمی کرد که مراجعه کننده، سال خورده است یا جوان، کوچک است یا بزرگ.

---

۱- یاران امام به روایت اسناد ساواک، صص ۱۶ و ۲۶؛ شاهد یاران، صص ۷ و ۷۲.

۲- شاهد یاران، ص ۴۲.

۳- مفتاح حضور، برنامه ششم.

این رفتار او در حوزه و دانشگاه نمایان تر به نظر می رسید. ادبیات ارتباطش با مردم، برگرفته از فرهنگ اسلامی و سیره اهل بیت بود.

یکی از پژوهشگران معاصر می نویسد:

مفتح بسیار نجیب و مبادی آداب بود. برخورد متینی داشت و مدتی که با هم در زندان به سر می بردیم، ایشان را با یک نوع آرامش روحی می دیدیم و این، خود، نشان از صفا و پاکی روح او بود.(۱)

به گفته یکی از استادان دانشکده الهیات، هنگامی که شهید مفتح رئیس این کانون معرفتی بود، به هیئت علمی احترام می گذاشت و حتی با افرادی که در ایام اختناق رژیم پهلوی، با وی برخورد تند و منفی داشتند، با ملایمت و عطوفت رفتار می کرد. او دارای وسعت نظر، سعه صدر، گذشت و بزرگواری بود.(۲) بیشتر کسانی که ارتباط نزدیکی با شهید مفتح داشتند، از تبسم های دل نشین وی سخن گفته اند. فروتنی آن بزرگوار به اندازه ای بود که هرکسی در حضورش می نشست، احساس غریبی و نگرانی نمی کرد. تواضعی فراگیر داشت.(۳)

در جلسه ها و معاشرت ها بدگویی از هیچ کس را تحمل نمی کرد و می گفت ضعف ها را نگویید. با اخلاق و روحیه خوب خود، همه را تشویق می کرد که به کاستی های دیگران نپردازند و می گفت اگر قرار باشد به ضعف ها دامن بزنیم، همه ضعف داریم. این شیوه را به سود همه می دانست و معتقد بود در هم دلی و انسجام نیروها بسیار مؤثر است. بر خوبی ها و قوّت ها، امتیازها و شایستگی های افراد تأکید می کرد و می گفت اگر اشخاصی در مسیر انقلاب نیستند، اجازه بدهید به جمع خودی ها بپیوندند و

---

۱- حدیث عاشقی، ص ۱۰۳.

۲- گلی از باغ بهشت، ص ۱۳۶.

۳- مفتاح حضور، برنامه دوم.

ساخته شوند، فراری شان ندهید. با آغوش باز و با مدارا و سعه صدر با افراد برخورد می کرد و با کسی تندی نمی کرد. حجت الاسلام و المسلمین شیخ هادی غفاری می گوید:

چندین بار شاهد بودم وقتی از کسی [در برخورد با دیگران] درشتی دید، ناراحت شد و گفت الان باید فضای جذب باشد. در تمام وجودش ذره ای ریا، ظاهرسازی و چندگونه زیستی نبود. حتی اندکی نفاق در روح و روانش دیده نمی شد.(۱)

البته آن شهید در ارتباط با دیگران، هیچ گاه از مواضع اصولی و ارزشی عقب نشینی نمی کرد و سعه صدر و گذشت او برای آن بود که افراد را به فضیلت ها و کرامت های انسانی علاقه مند سازد. در واقع با این رفتارها هدفی والا را دنبال می کرد.(۲)

مفتح، در رسیدگی به مشکلات افرادی که به وی مراجعه می کردند، بسیار حساس و دقیق بود. بارها اتفاق می افتاد که پس از یک روز سراسر تلاش و فعالیت، به ویژه بعد از پیروزی انقلاب، وقتی شب به خانه می آمد و زمان استراحتش بود، متوجه می شد فرزندانش برای رعایت حال او تلفن را قطع کرده اند. در این موارد، بی درنگ تلفن را وصل می کرد و می گفت تا کسی به من نیاز نداشته باشد، در این ساعت از شب تماس نمی گیرد.

به صله ارحام بسیار پای بند بود و با تواضع و آغوش باز، به خانواده، والدین و بستگان رسیدگی می کرد. احترام او به خویشاوندان برای آنها آموزنده بود و برخوردهای عاطفی، منطقی و اسلامی اش همراه با فروتنی و

---

۱- «شهید مفتح و تعامل با زمانه» گفت وگو با هادی غفاری، شاهد یاران، ص ۴۰.

۲- شاهد یاران، ص ۱۳.

متانت، ایشان را پناه گاه فامیل ساخته بود، به طوری که در تمام دشواری ها و نیازهای فکری و روحی به وی مراجعه می کردند.(۱)

یک نمونه برجسته از تواضع این مرد خدا، هم دردی با افراد کم بضاعت و اهتمام در کمک به آنان بود. او دانشجویانی را که مشکلات مالی داشتند، شناسایی می کرد و به گونه ای که به شخصیت و عزت و کرامت آنها خدشه وارد نشود و احساس حقارت نکنند، در حد توان برای برطرف کردن گرفتاری هایشان می کوشید.(۲) بیمارانی را که قادر نبودند هزینه های درمانشان را تأمین کنند، به دوستان پزشکی که ضمن تخصص، تعهد و ایمان بالایی داشتند، معرفی می کرد تا اقدام های لازم را انجام دهند. دکتر سید عباس پاک نژاد در این باره نقل کرده است:

قبل از انقلاب اسلامی با شهید دکتر مفتح آشنا شدم. آرام، سلیم و پاک دل بود. هفته ای دو سه روز می آمد به درمانگاه نزد من. هیچ وقت نبود که این مرد، تنها بیاید. همیشه یکی دو نفر از اشخاص محتاج و درمانده همراهش بودند و اگر ما از نظر تجهیزات پزشکی و درمانی، توانایی مداوای آنان را نداشتیم، مفتح می گفت من هزینه وسایل مورد نیاز را می پردازم، بگویید تهیه کنند.(۳)

## شهادت

شهادت

شهید مفتح در کنار مبارزات سیاسی و فعالیت های فرهنگی، می کوشید حرکت های انحرافی و التقاطی را خنثی کند. زمانی که گروهک های وابسته و معاند، با نقشه های پلید خود در دانشگاه نفوذ کردند، آیت الله مفتح در حد

---

۱- نک: «شهید مفتح به روایت همسر»، شاهد یاران، ص ۶۷.

۲- نک: دیدار با ابرار، ج ۷۸، ص ۴۴.

۳- مفتاح حضور، برنامه اول.

توان این پایگاه علمی را از وجود آنان در امان می داشت و افزون بر آن می کوشید با تقویت فضای معنوی و دینی در محیط دانشگاه، راه را بر فعالیت جریان های التقاطی ببندد؛ در سنگر مسجد هم با برنامه های فرهنگی و تبلیغی، جایی برای مطرح شدن دیدگاه های انحرافی باقی نمی گذاشت. در ضمن، جوانان و دانشجویان را به گونه ای تربیت و هدایت می کرد که بتوانند با این گروهک ها بحث کنند و انحطاط آنان را افشا سازند.

یکی از این گروهک ها که به رهبری اکبر گودرزی رشد سرطانی پیدا کرد، گروه فرقان بود. گودرزی از سال ۱۳۵۶ در جلسه های تفسیری خود، نیروهایی را با افکار منحرف خویش هماهنگ ساخت و با صدور اعلامیه ای، وارد حوزه سیاست شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، او و دوستانش، فعالیت های نظامی را در برنامه خود قرار دادند و به ترور شخصیت های اثرگذار نظام اسلامی پرداختند.(۱) استاد مطهری، نخستین کسی بود که با درایت و دوراندیشی، به انحراف این گروهک پی برد. ایشان پس از مطالعه نشریه های آنان، به قدری احساس خطر کرد که سکوت را شکست و به بحث و گفت وگو با آنان پرداخت و چون حاضر نشدند واقعیت را بپذیرند، از راه قلم و بیان در برابرشان ایستاد و مردم را از هدف پلیدشان آگاه کرد، به همین دلیل، ایشان را به شهادت رساندند.(۲)

بعد از شهید مطهری، دکتر مفتح به ماهیت این گروه خبیث پی برد. ایشان توسط فردی به نام حاجی طرخانی که او و هم به دست گروه فرقان

---

۱- نک: جریان ها و سازمان های مذهبی ـ سیاسی ایران، صص ۶۲۶ ـ ۶۲۸؛ مطهری مطهر اندیشه ها، ج ۱، ص ۲۰؛ یاران امام به روایت اسناد ساواک، (شهید عراقی)، ص ۲۷۱.

۲- شاهد یاران، ویژه شهید مطهری، ص ۳۵.

ترور شد، نشریه های این گروه را دید و احساس نگرانی کرد و گفت: این نوشته متدینان راستین و منطقی نیست و بوی انحراف می دهد. او در سخنانی اظهار داشت:

مطهری را ترور می کنند و بعد به عهده می گیرند و جزوه می دهند و کشتن او را به عنوان یک وظیفه شرعی بیان می نمایند. تلفن های مکرّر برای ما و دوستان دیگر می شود، امنیت و آسایش را از ما سلب کرده اند. کمتر شبی است که بچه های ما را تهدید نکنند که همین امشب خداحافظی کنید.(۱)

کمال یاسینی که برنامه ریز ترورهای گروه فرقان بود، نخستین بار نقشه ترور دکتر مفتح را در مدرسه عالی پارس ریخته بود که محافظان ایشان متوجه شدند و آنان را در اجرای این نقشه ناکام ساختند. سرانجام، آن نهروانیان انقلاب اسلامی، دانشکده الهیات دانشگاه تهران را برای جنایت خود برگزیدند؛ ساعت نه صبح ۲۷ آذر ۱۳۵۸، هنگامی که دکتر مفتح و دو پاسدارش، جواد بهمنی و اصغر نعمتی از خودرو پیاده شدند تا وارد دانشکده شوند، دو نفر از اعضای گروه فرقان، آنها را به گلوله بستند. رهگذران دکتر مفتح را که بر اثر اصابت پنج گلوله به شدت از ناحیه سر مجروح شده بود، به بیمارستان امیر اعلم رساندند، ولی تلاش پزشکان اثری نبخشید و او همان روز به شهادت رسید. پیکر شهید مفتح و دو پاسدارش، روز بعد، از مسجد دانشگاه تهران و با حضور خیل عظیمی از مردم، به ویژه استادان و دانشجویان، تشییع شد و سپس به قم انتقال یافت.

---

۱- سخنرانی دکتر مفتح در مسجد صاحب الزمان عج الله تعالی فرجه الشریف تهران، ۱/۶/۱۳۵۸، نشریه حزب جمهوری اسلامی، ش ۲۸، ص ۳۱.

در این شـهر نیز عالمان و مدرسان حوزه و طلبه ها و مردم و زائران حرم مطهر حضـرت فاطمه معصومه علیها السلام، پیکر استاد شهید حوزه را که خون پاکش در سـنگر دانشگاه ریخته شد، تشییع باشکوهی کردند. حضور حضرت امام خمینی رحمه الله نیز بر شکوه این مراسم افزود. پیکر استاد شهید و دو محافظش، در غروب ۲۸ آذر ۱۳۵۸، در حجره ۲۳ صحن حرم مقدس با عزتی کم نظیر به خاک سپرده شد.(۱)

امام خمینی رحمه الله به مناسبت شهادت دکتر مفتح در ۲۷/۹/۱۳۵۸ برابر با ۲۸ محرم ۱۴۰۰ اعلامیه ای صادر فرمود که در آن آمده است:

... جنـاب حجت الاسـلام، دانشـمند محترم، آقـای مفتـح و دو نفر پاسـدار عزیز اسـلام ــ رحمت الله علیهم ــ به فیض شـهادت رسـیدند و به بارگاه ابـدیت بار یافتند و در دل ملت و جوانان آگاه ما حماسه آفریدند و آتش نهضت اسـلامی را افروخته تر و جنبش قیام ملت را متحرک تر کردنـد. خدایشان در جوار رحمت واسـعه خود بپذیرد و از نور عظمت خود بهره دهد. امید بود از دانش اسـتاد محترم و از زبان و علم او بهره ها برای اسلام و پیشرفت نهضت برداشته شود و امید است از شهادت امثال ایشان بهره ها برداریم... .(۲)

مقـام معظـم رهـبری، حضـرت آیت الله خـامنه ای نیز در ۲۶ آذر ۱۳۶۴ که به دانشـکده الهیـات رفت، در دفـتر یـادداشت این دانشکده، درباره شهید مفتح چنین نوشت:

بسم الله الرحمن الرحیم

یاد شهید عزیز مرحوم آیت الله مفتح آن شمع پرسوز و گداز و روشنی بخش، آن روحانی پر جدّ و جهد و صبور، آن مبلّغ دانا و سخنور،

---

۱- روزنامه های کیهان و اطلاعات، ۲۸ و ۲۹ آذر ۱۳۵۸؛ سه شهید، ص ۱۵؛ امیررضا ستوده، پابه پای آفتاب، ج ۲، صص ۶۴ــ ۶۶؛ نشریه شاهد، ش ۲، دی ۱۳۵۸، ص ۲۵.

۲- صحیفه امام، ج ۱۱، صص ۳۲۰ و ۳۲۱.

آن مبارز شجاع و خستگی ناپذیر و آن شخصیت متواضع و محبوب گرامی باد. او که با خون خود، سخن خود، تلاش خود، هدف و راه خود را امضا کرده، صحت و حقانیت این راه را به ثبت رساند.

اکنون که در نقطه عروج او و بر روی زمینی که پیکر پاک و خون آلود او و دو پاسدار شهیدش را در لحظه آخر در آغوش داشته است، قرار گرفته ام، بر سعادت آن عزیزان چشم حسرت گشوده و سرنوشتی آن چنان خونین و صادقانه در راه خدا برای خود آرزو می کنم و با همه دل بر آنان درود می فرستم. خداوند، آن عزیز و یارانش را با شهدای صدر اسلام محشور فرماید.(۱)

سید علی خامنه ای، ۲۶/۹/۱۳۶۴

شهید مفتح، منادی وحدت اسلامی در انقلاب شکوهمند اسلامی است. از آنجا که بر اثر کوشش آن عزیز، زمینه های وحدت حوزه و دانشگاه فراهم گردید، سالروز شهادتش روز وحدت حوزه و دانشگاه نامیده شد.

---

۱- مجله نصیر، سال سوم، پاییز ۱۳۷۳، ش ۱۰، ص ۵.

## فصل پنجم: گزیده ای از دیدگاه ها و سخنان

### اشاره

فصل پنجم: گزیده ای از دیدگاه ها و سخنان

زیر فصل ها

صلابت و معنویت اسلام

تفکیک ناپذیری رهبری معنوی و سیاسی ائمه

کمالات ملکوتی حضرت علی(ع)

امیر مؤمنان پایه گذار حکمت و معرفت

دعا و نیایش

زیارت

امت مسلمان، ایمان و اتحاد

مسلمانان و نهضت علمی و فرهنگی

علل انحطاط مسلمانان

خرافات، آفت عقیده و عقل

دفاع از فلسطین و لبنان

روز قدس

توطئه استکبار و صهیونیسم

رهبری امام خمینی

ولایت فقیه

نقش علما در جامعه اسلامی

تفکیک ناپذیری دین و علم

آزادی یا توطئه

منابعی برای تحقیق بیشتر

## صلابت و معنویت اسلام

صلابت و معنویت اسلام

... جوانان عزیز بدانید آینده با قرآن و اسلام است، این همه تزویرها، نیرنگ ها، تهدید ها، آزارها و... از بین می رود.(۱)

... استعمار، استعمار است؛ دشمن، دشمن است؛ قدرت های ضد انسانی در شرق و غرب برای ما تفاوت نمی کند، ما یک منطق داریم و آن منطق اسلامی و حرکت اسلامی است. اینجا مرحله حساس حرکت است و خیلی ظریف است و هوشیاری می خواهد.(۲)

... آن راه پیمایی عظیم شکننده تاسوعا و عاشورای ما که دشمن را به زانو درآورد و در دنیا صدا کرد، در لوای اسلام بود. نجات ما در اثر اسلام بود و ادامه اش و نتیجه گیری اش و رسیدنش به پیروزی کامل، باز باید در پرتو اسلام باشد.(۳)

---

۱- یاران امام به روایت اسناد ساواک (شهید مفتح)، مقدمه، ص ۶.

۲- یاران امام به روایت اسناد ساواک (شهید مفتح)، مقدمه، ص ۱۸.

۳- محمد مفتح، حکومت اسلامی، صص ۳۱ و ۳۲.

حکومت در بین جوامع انسان ها باید الهی باشد. اگر حکومت به دست مردان الهی باشد اینها دارای مکتبی هستند رهایی بخش، تعالی بخش. اگر جامعه روی آن طریق و صراط افتاد، مُسلّماً روی سعادت را خواهید دید.(۱)

## تفکیک ناپذیری رهبری معنوی و سیاسی ائمه

تفکیک ناپذیری رهبری معنوی و سیاسی ائمه

ما هدایت و زعامت را بر روی هم در مورد امام، خلافت می نامیم. پیامبر هر دوی این مقام را داشت و امام هم باید همین گونه باشد، پس امام نیز باید (همچون پیامبر) معصوم باشد و نیز ویژگی هایی از قبیل تقوا، علم، زهد، ورع و آگاهی که در نبی هست، در امام نیز باید باشد.

مقام رهبری معنوی و سیاسی از هم جدا نیست، چه کسی می گوید دین از سیاست جداست، مگر رسول الله صلی الله علیه و آله پیشوای سیاسی نبود، مگر امیرالمؤمنین(ع) در دوران خلافت، مقام رهبری سیاسی را نداشت. ائمه را که برایشان فریاد می زنیم حقشان را قطع کردند، کدام حقشان را؟ پیشوایی معنوی که غصب نشده بود، منظور ما همان حق سیاسی است؛ شیعه می گوید منصور عباسی غاصب است و این مقامی را که بر آن تکیه زده، از آن او نیست و باید امام صادق(ع) بر آن تکیه بزند. تعالیم ائمه در جهت کنترل گرایش ها و تمایلات و عقل انسان هاست و اگر انسان در قوه تفکر و اندیشه خود، راه اعتدال را پیش گیرد، به حکمت دست یافته است.(۲)

## کمالات ملکوتی حضرت علی(ع)

کمالات ملکوتی حضرت علی(ع)

کمالات علی(ع) و فضایل نفسانی او از این راه نبود که خود را در سر دوراهی نیک و بد، مختار ببیند و با فکر و تأمل در عواقب کار، به سمت خیر و صلاح گراید. او در درجه اول مجذوب حق شد و جذبه توحید، او

---

۱- محمد مفتح، حکومت اسلامی، ص ۲۷.

۲- دیدار با ابرار، ج ۷۸، صص ۷۸ _ ۸۲.

را به سوی کمالات کشانید. این جذبه مقدس سبب شد که هر آرزوی مادی و هر شوق غریزی و طبیعی که سبب حرکات و روش های معمولی است از ساحت روحش دور شود و برای نشان دادن خود مجالی نبیند، او همه چیز را جز خدا، فراموش کرد و کنار گذارد.(۱)

... حضرت علی(ع) زندگی ساده ای داشت، حتی در دورانی که خلافت و قدرت برایش سر فرود آورد. آری! تاریخ، سیاست مداری چنان عادل و مهربان نشان نداده و نخواهد داد.(۲)

## امیر مؤمنان پایه گذار حکمت و معرفت

امیر مؤمنان پایه گذار حکمت و معرفت

تحقیق در فلسفه اسلامی ثابت می کند که علی(ع) اولین کسی است از امت اسلام که کلام برهانی را به کار برده، استدلالات منطقی را در فلسفه الهی مورد استفاده قرار داد و اولین کسی است که الفاظ عربی را برای بیان مقاصد فلسفی استخدام کرده و آنها را از معانی مادی و طبیعی، مجرد ساخت. متکلمین اسلامی آنچه دارند، از فلسفه علی(ع) است. منشور مساوات علی(ع) با جمله: «انسان بنده و برده آفریده نشده است و همه مردم آزادند» در برابر سخن افلاطون که می گفت: «بردگان انسان نیستند»، مغزها را تکان می دهد. علی(ع) در زمانی که خبر از گالیله و کوپرنیک نبود، نظریه خود را در خصوص آفرینش زمین و حرکت آن و قسمتی از اسرار و قوانین طبیعت چنین بیان می کند:

أنْشَاءَ الاَرْضَ فَاَمْسَكَها مِنْ غَيْرِ اشْتِغالٍ وَ أَرسَاَهَا عَلى غَيْرِ قَرَارٍ وَ

---

۱- سید ابراهیم سید علوی، جهان بینی و جهان داری علی(ع)، مقدمه شهید دکتر مفتح.

۲- محمد مفتح، حکمت الهی و نهج البلاغه، صص ۱۶ و ۱۷.

اَقَامَهَا بِغَیْرِ قَوَائِمَ وَ رَفَعَهَا بِغَیْرِ دَعَائِمَ.(۱)

یعنی خداونـد زمیـن را بیافریـد و سـپس بـدون اینکـه مشـغول باشـد آن را نگه داشت و در عین بی قراری، محکم و اسـتوارش ساخت و بی آنکه پایه و اساسی برای آن باشد به پا داشته و بدون ستون مرتفعش نمود. علی(ع) این کلمات را در عصری بیان نموده است که فکر بشـر خیلی نـاقص بوده است. علی(ع) با این بیان کوتاه و رسا از روی واقعیت هایی پرده برداشـته است که تجربیـات و کشـفیات امروز، آنهـا را به ثبوت رسانیـد و در این چنـد جمله به حرکت زمین و قانون جاذبه آن و اینکه زمین در فضای نامتناهی شناور است، اشاره می کند.(۲)

## دعا و نیایش

دعا و نیایش

نیایش، درخواست کمال، مقام و موقعیت و خلاصه چیزی است که باید با لیاقت و کاردانی به دست نیایشـگر آید و تکرار این دعا و خواسـتن، مانند شـعاری است که در روح انسان اثر می گذارد و در او نیروی امید، عشق و علاقه به وجود می آورد و او را در راه رسـیدن به آن هدف به تکاپو و جنبش وامی دارد... در اسـلام هیچ گاه دعا به جای عوامل طبیعی و علل و اسـباب به حساب نیامده، بلکه همیشه همراه و در کنار آن اسباب قرار می گرفته است.

در یـک ملت که روح مبارزه با گناه و فساد و نهی از منکر نبود و هر فردی خود را مسـئول فساد محیط نـدانست و با عناوین و بهانه های موهوم و غلط شانه از زیر بار این مسـئولیت خطیر تهی کرد و حالت بی تفاوتی در او پدید آمد، طبعاً چنین اجتماعی لجن زار گناه و انحراف و محیط فقر، بدبختی

---

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۸۶.

۲- حکمت الهی و نهج البلاغه، ص ۱۸.

و گرسنگی و بیماری خواهد شد که دعای نیکان کوچک ترین تأ ثیر در تغییر و بهبود آن نخواهد داشت.(۱)

## زیارت

زیارت

یکی از مسائل، زیارت و رفتن کنار قبر بزرگان دین و توسل است که اصل آن از نظر روایات اسلام و روش پیشوایان مسلمین، عملی است مقدس و محترم. بدیهی است که رفتن کنار قبر آن رادمرد فداکار [امام حسین(ع)] خاطره قیام و انقلاب و شجاعت آن حضرت را در دل ها زنده می دارد و درس قیام و فداکاری در برابر اسارت و ستم می آموزد. در اینجا باید اعتراف کرد موهوماتی روی این حقیقت را پوشانیده است، ما اگر می بینیم که بنی عباس قبر امام حسین(ع) را خراب می کردند و از رفتن به زیارت جلوگیری می نمودند، مسلّم برای آن بود که آنجا محل اجتماع جانبازان بوده است.(۲)

## امت مسلمان، ایمان و اتحاد

امت مسلمان، ایمان و اتحاد

امت مسلمان به وسیله ایمان مشترک، سازمانی برقرار ساخته است که در ورای کشورهای مختلف، نژادها و فرهنگ و زبان های گوناگون، یک عقیده به وحدت مستقر نموده که حتی بر رفتار روزمره مردم حکم فرما است. در اسلام سلسله مراتب و سازمان روحانی به مفهوم مسیحیت آن، وجود ندارد، بلکه مردم در برابر هم مسئول و از نظر حقوق اجتماعی مساوی اند.(۳)

---

۱- محمد مصطفوی کرمانی، دعا عامل پیشرفت یا رکود، مقدمه شهید مفتح.

۲- غلام حسین رحیمی، زیارت خرافه است یا حقیقت، مقدمه شهید دکتر مفتح.

۳- آیات اصول اعتقادی قرآن، صص ۱۱۱ و ۱۱۲.

یک جامعه زنـده، همانند یک فرد زنده، بین همه اقشار و گروه هایش هماهنگی است؛ یعنی همه باید با هم یک سـیر و هدف را تعقیب کننـد و درست، هماهنگ و موزون و حساب شـده به سوی یک مقصد ره سپارند. بنابراین باید در جهت ایجاد یک وحدت اساسی که عامل احیای زندگی دوباره است، کوشید.(۱)

مسـیر پیشـرفت جامعه را مغزهای اندیشمند و متفکر تعیین می کنند، این مغزهای اندیشمند خواه آگاه در علوم معنوی و مذهب و یا اندیشمندان در علوم مادی و رشته های دیگر، اگر با هم باشند جامعه به جلو می رود.(۲)

## مسلمانان و نهضت علمی و فرهنگی

مسلمانان و نهضت علمی و فرهنگی

نهضتی که به وسـیله پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله در جهان به وجود آمـد و مسـیر تاریـخ اقوام و ملل را تغییر داد، برخلاف تصور بیشتر مردم یـک نهضت اخلاـقی محض نبود، بلکه همراه آن یـک تحول ریشه دار علمی در جامعه بشـری پدیـد آمـد و حتی تمام مسائل اخلاقی و اجتماعی را بر پایه تعقل و مبانی علمی قرار داد. اسلام در پیکر مرده اجتماع محکوم، روحی دمید و آن را در راه فعالیت های علمی، سیاسـی و اجتماعی به جنبش درآورد که نتیجه آن، ابتکارات و اکتشافات شـگفت آوری بود که جنبه های مثبت تمدن امروزی، از جهات زیادی مرهون این جنبش اسـلامی است. در نقاط (گوناگون) کشورهای اسلامی، مراکز علمی به وجود آمد. از برکت وحدت، زبان علمی دانش به سـرعت عجیبی در سراسر جهان اسلام منتشر می شد و چون بین

---

۱- دیدار با ابرار، ج ۷۸، ص ۱۷۷، روزنامه اطلاعات، ش ۱۹۲۱۷.

۲- «وحدت مقدس»، سخنرانی شهید دکتر محمد مفتح، مجله پیام انقلاب، ش ۱۵۲، ۳۰/۹/۱۳۶۴، ص ۲۱.

حوزه های مختلف ارتباط وجود داشت و از نظریات تازه هر حوزه آگاه بودنـد، لـذا موفق شدنـد با کمک هم به سـمت آینده درخشان و تابناک تمدن پیشروی کنند.

نتیجه این حوزه ها و روابط فرهنگی میان آنها آفریـدن یک تمـدن جدیـد علمی جهان گیری بود که در مدتی کمتر از دو قرن پدیـد آمـد و گسترش یافت. دانشـمندان و محققان تاریخ علم با نظری تعجب آمیز به آن می نگرنـد و اعتراف می نماینـد که قدرت خلاقه این نهضت از تمام جنبش های دیگر تا قرن سیزدهم میلادی بیشتر بوده است.(۱)

## علل انحطاط مسلمانان

علل انحطاط مسلمانان

از دست دادن روح سلحشوری و خو گرفتن به زنـدگی اشـراف منشانه از طرف مردم و حکومت شـهوت پرسـتان و تحریکات خطرنـاک دشـمنان همـه و همـه دسـت بـه دست هم داد و انحطـاط مسـلمین را به وجـود آورد و کشورهـای زرخیز و پرثروت اسلامی را به صورت مستعمره و بازاری برای غارتگران ساخت.

انحرافاتی که در بین مسـلمین به وجود آمد، آنها را از حقایق عالی اسـلام دور کرد و از نتیجه آزادی بخش آن محروم نمود و مسـلمین که روزی پیشـرو تمدن ها بوده اند، عقب مانده محسوب می شوند. ضعف مسلمین از آن روزی شروع شد که فقط به ظواهر دین چسبیدند و از واقعیات آن صرف نظر نمودند.(۲)

---

۱- محمد مفتح، نقش دانشمندان در پیشرفت علوم، صص ۱۸ _ ۲۰.

۲- محمد مصطفوی کرمانی، اسلام پیشرو نهضت ها، با همکاری غلامحسین حقانی تهرانی، ص۴۵.

## خرافات، آفت عقیده و عقل

خرافات، آفت عقیده و عقل

دین به معنای واقعی و بدون تحریف، همیشه سبب انقلاب های اصلاحی و عظمت توده بوده است. دشمنان شکست خورده اسلام و مزدوران آنان که خود می دانند روح اسلام چگونه مردمی غیور و شجاع بار می آورد و عامل مهم پیشرفت و بیداری مسلمانان است، سعی می کنند که مسلمانان را سرگرم ظواهر نموده و آنان را از حقیقت اسلام بازدارند.(۱)

رنج و ناراحتی ما تنها از این جهت نیست که اوهام، فکر و عقل انسان ها را در بند کرده و سد راه پیشرفت فردی و اجتماعی آنان گشته است، بلکه بیشتر از این جهت است که بسیاری از پندارهای نابجا را مردم ساده لوح به حساب دین گذارده اند و درنتیجه، لایه هایی از گرد و غبار این اعتقادات پوچ، روی چهره تابناک و درخشان مسائل واقعی و حقایق ارزنده دین نشسته و قیافه واقعی و جذاب و دل نشین آن را مخفی نموده است. به عقیده من، امروز بر هر فرد مسلمان لازم است تا آنجا که می تواند در راه مبارزه با خرافات و زدودن پندارهای غلط از واقعیت های دینی کوشش کند.

آخر شما واقعاً حساب کنید چهارشنبه سوری یک رسم خیلی مضحکی است. چرا به رسوم آتش پرستی، به رسوم گبر، به ارتجاع قبل از اسلام برمی گردند؟ چرا نمی گذارند ندای اسلام و صدای اسلام و افکار و مطالبه اسلام در این مملکت منتشر شود؟(۲)

یک قهرمانی را برای ما ملّی معرفی می کنند، بابک خرمدین ها، المقنع ها و امثال این قهرمانان به اصطلاح ایرانی، برای این است که جای قهرمان

---

۱- محمد مصطفوی کرمانی، اسلام پیشرو نهضت ها، با همکاری غلامحسین حقانی تهرانی، ص ۴۶.

۲- سید کاظم ارفع، مصاحبه ای درباره خرافه و نیرنگ، مقدمه شهید دکتر مفتح.

اسلامی، علی بن ابی طالب(ع)، حسین بن علی(ع) و دیگر قهرمانان اسلام را بگیرند، احساسات اسلامی و روح اسلامی خاموش و عواطف اسلام ذلیل شود.(۱)

## دفاع از فلسطین و لبنان

دفاع از فلسطین و لبنان

در شناسایی اسرائیل، هم غرب کمک کرد و هم شرق. دولت های شرقی و غربی هر دو آن را به رسمیت شناختند تا پایگاهی در داخل کشورهای اسلامی داشته باشند، برای اینکه مسلمانان نتوانند قد علم کنند. حالا می خواهند اسرائیل دومی در جهان اسلام به وجود آورند. شما خیال می کنید برای چه سر و صدای لبنان نمی خوابد؟ برای تجزیه لبنان است. می خواهند لبنان را دو قسمت کنند؛ یک قسمت مسیحی، یک قسمت مسلمان، چه خواب ها که برای مسلمین دیده اند و از قبل هم نقشه کشیده اند. (۲)

## روز قدس

روز قدس

انقلاب اسلامی ما به رهبری امام خمینی، اصالت خویش را با بالندگی و تحرک پرشکوه به اثبات می رساند. فرمان رهبر انقلاب بر برگزاری روز قدس که تجلی گاه هم بستگی مسلمانان و همه آزادی خواهان جهان گردید، گواهی روشن بر رشد و نقش گسترش رهبر ماست و مشتی محکم بر دهان استعمارگران شرق و غرب صهیونیسم بین الملل و امیدی برای همه مستضعفان و محرومان جهان. ما پشتیبانی خود را از آرمان های ملت فلسطین که آزاد کردن قدس یکی از آنهاست، اعلام داشته و به تجربه انقلاب پیروز خویش امیدواریم که جهت مبارزه ملت فلسطین، کاملاً

---

۱- محمد مفتح، «ایجاد وحدت در امت اسلام»، مجله پیام انقلاب، ش ۱۷۷، صص ۳۰ و ۳۱.

۲- مجله اعتصام، ش ۴۴، ص ۱۹.

اسلامی شود. ما هرگونه قرارداد علیه منافع فلسطین را شدیداً محکوم می نماییم.(۱)

## توطئه استکبار و صهیونیسم

توطئه استکبار و صهیونیسم

دست های بیگانه ای که می دانند این انقلاب منحصر به مرزهای ایران نخواهد شد و از مرزهای ایران به دیگر کشورها سرایت خواهد کرد، به خصوص قدرت تبلیغاتی صهیونیسم که می داند پیروزی انقلاب ایران اصلاً تعادل قوا را در خاورمیانه به هم زد و نیز تمام دولت های استعماری غرب و شرق، اینها همه با هم متحدند در خنثی کردن اثرات این انقلاب و شکست دادن آن... .(۲)

## رهبری امام خمینی

رهبری امام خمینی

اگر دیروز نام امام خمینی، طاغوت و فرعون زمان را به لرزه درآورده بود، امروز نام امام، جهان را به لرزه درآورده و قدرتمندان و استعمارگران جهان را به وحشت انداخته است.(۳)

وقتی نام آن زعیم بزرگوار، امام امت برده می شود، این احساس عشق و علاقه که به صورت آن شعائر اسلامی درمی آید، تمام، نشانه این است که شما می خواهید بگویید ما قدرشناسیم و به هوش آمده ایم و بیدار شده ایم.(۴)

بدون علت نیست که یک فرد این قدر در دنیا عظمت پیدا می کند، این نمودار همان آیه کریمه حق پایدار است، همین سخن معروف «ان للباطل

---

۱- بخشی از پیش نویس قطع نامه راه پیمایی روز قدس در سال ۱۳۵۸ که دکتر مفتح نوشته است، دیدار با ابرار، ج ۷۸، صص ۱۲۸و ۱۲۹.

۲- یاران امام به روایت اسناد ساواک، مقدمه، ص ۴۲.

۳- محمد، مفتح، وحدت دو قشر روحانی و دانشگاهی، ص ۳۱.

۴- «امام از دیدگاه شهیدان»، فصلنامه ۱۵ خرداد، پاییز و زمستان ۱۳۷۲، ش ۱۲ و ۱۳، صص۱۴۶و۱۴۷.

جوله و للحق دوله» باطن یک چند روزی جولان دارد و نابود می شود و حق ثبات دارد. دیروز وقتی به فرودگاه رسیدند ( ۱۲ بهمن ۱۳۵۷) اول فرمودند برادرم را بیاورید ببینم، آقای پسندیده سنشان از آقا بیشتر است. به آقای پسندیده اصرار داشتند که شما سنتان بیشتر است، جلوتر بروید. ایشان می گفتند نمی شود آقا، شما رهبر هستید و مرجعید. بالأخره به ناچار آقای پسندیده مقداری جلوتر آمدند و زودتر پیاده شدند و بعد آقا پیاده شدند. این همه اخلاق و وارستگی و فضیلت را مکرر در مکرر از ایشان دیده ایم.(۱)

## ولایت فقیه

ولایت فقیه

در رأس این ملت، یک فقیه و مرجع تقلید است، مرجعی که اختیار کار ما دست اوست. هر فرمانی بدهد مطیع او هستیم. یک جامعه که اختیار حرکتش در دست یک مرجع فقیه شجاع، آگاه و دل سوز عالم به زمان است، ببینید چگونه جامعه ما می تواند در برابر دشمن بایستد.(۲)

## نقش علما در جامعه اسلامی

نقش علما در جامعه اسلامی

... روحانیت مخصوصاً حوزه علمیه قم که قلب ایران است، تکلیف را احساس نمود و علاوه بر دروس معمولی فقه و اصول، مطالعات و تحقیقاتی ریشه دار در تفسیر، فلسفه، کلام و ملل و نحل نمود و آثار گران بها و پرارزش منتشر کرده تا پاسخی مثبت و صحیح در برابر کنجکاوی ها و سؤالات داده باشد.(۳)

---

۱- ویژگی های زعامت و رهبری، صص ۶۵ _ ۷۰.

۲- افکار استاد شهید دکتر محمد مفتح، صص ۱۷۰ و۱۷۱؛ یاران امام به روایت اسناد ساواک (مفتح) ص۵۶.

۳- به سوی اسلام یا آیین کلیسا، مقدمه شهید دکتر محمد مفتح.

به قول مرحوم دکتر شریعتی، در تاریخ ایران می بینیم هر کجا یک انقلاب رهایی بخش بوده، پیشاپیش آن انقلاب، چهره روحانی بوده است. اینها زندان رفتند، شکنجه شدند، آزار دیدند، ولی استعمار کوشش می کند که این چهره ها را برای ما به یک شکل دیگری نشان دهد. می خواهند آنان را از انظار عمومی بیندازند، ولی این نقشه ها و توطئه ها به خواست خداوند اثری نخواهد بخشید. برای اینکه آن چنان آگاهی در ملت ایران به وجود آمده است که افراد را خوب می شناسند و گذشته را فراموش نکرده اند. البته برای ما آن چهره هایی ارزش دارد که برای نجات این ملّت رنج دیدند، در مقابل گلوله ها ایستادگی کردند و زندان و شکنجه، آنها را از این مسیر بازنداشت... .(۱)

## تفکیک ناپذیری دین و علم

تفکیک ناپذیری دین و علم

در قرون وسطا نیز در دانشگاه های اسلامی، دین و علم به موازات هم پیش می رفت و مدرسه ها در کنار مسجد به تحقیقات علمی سرگرم بودند. دانشمندان و نوابغ بزرگ جامعه هر دو قسمت به جامعه انسانی تحویل می داد، آیا شاهد قوی تر از نوشته ها و آثار خواجه نصیرها، رازی ها، ابن سیناها، و امثال این دانشمندان بر این مطالب لازم است... .(۲)

ما معتقدیم در برابر تمایلات سرکش نفسانی و شهوات عنان گسیخته انسان، اعتقاد به خدا و دین باید باشد تا بشریت در سایه دین، از صنعت و علم در مجرای صحیح استفاده کند. مذهب برای جامعه ضرورت دارد؛

---

۱- یاران امام به روایت اسناد ساواک (شهید مفتح)، صصص ۴۳ و ۴۴.

۲- محمد، مفتح، وحدت دو قشر روحانی و دانشگاه، صص۱۸ و ۱۹.

مذهب به شکل واقعی و راستینش که عامل پاکی، تقوا، درستی، نظم و نظام در جامعه است.(۱)

ناسازگاری دین و علم امری غلط است که شیادان آن را در افکار مردم القا کرده انـد. ما می گوییم بشـریت وقتی می تواند از میوه های علم برخوردار شود که به موازات پیشـرفت علم، نیروی دینی و اخلاقی خود را تقویت کند، همان طور که دین داری توأم با نادانی، ضررهای فراوان دارد، خطر قدرت های علمی تهی از ایمان به خدا، به مراتب بیشتر است.(۲)

## آزادی یا توطئه

آزادی یا توطئه

در جمهوری اسـلامی همه مکتب هـا آزادنـد و بایـد آزاد باشـند، همه می تواننـد نقطه نظرهای مکتب هایشان را بگوینـد. البته آزادی بیان مکتب، غیر از توطئه است. این دو نباید با هم اشـتباه شود. کسی که می خواهد به انقلاب و رهبری ما ضربه بزند و بین روحـانیت و دانشـگاهی جـدایی بینـدازد، این کـار به نفع امریکـا تمـام می شود. چرا در برابر هم قرار بگیریم، مگر همه ما خواهان عظمت اسـلام و یا ایران نیستیم... نتیجه این تفرقه ها آمدن رضاخان دیگر و اسـتبداد دیگر است. اسـتبدادی که کشنده آزادی، حیات، موفقیت و پیشرفت است. دشمن می خواهد ما را از هم دور کند و ما کوشش می کنیم با هم تفاهم نماییم.(۳)

شما (منافقین) ماهیت خود را نشان داده ایـد. شـما با آوردن آیه قرآن و کارهایی از این قبیل می خواهید جنبه اسـلامی به خود دهید، چه می گویید مگر ملت، شما را نشناخته اند؟

---

۱- محمدمفتح، مکتب اخلاقی و تربیتی امام صادق، ص۱۹.

۲- اسوه فرزانگی و فداکاری، ص۹۲.

۳- افکار استادشهید دکتر محمد مفتح، صص ۱۶۵ و ۱۶۶.

مگر خیانت های شما را ندیده اند، آیا به این ملت کم خیانت کرده اید؟ دیگر این ملت آگاه شده اند. دادن زدن، عربده کشیدن و اخلالگری کوچک ترین اثری در ادامه نهضت اسلامی ندارد. (۱)

## منابعی برای تحقیق بیشتر

منابعی برای تحقیق بیشتر

استاد شهید دکتر محمد مفتح (به مناسبت سالگرد شهادت)، با همکاری خانواده شهید و انجمن اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی، تهران، تبلیغات نهضت سوادآموزی، چاپ اول، ۱۳۵۹.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، جلد ۱ و ۲، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶

خاطرات ۱۵ خرداد (دفتر سوم و ششم)، به کوشش: علی باقری، تهران، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶.

خاطرات و مبارزات حجت الاسلام و المسلمین حسینی همدانی، تدوین: رحیم نیک بخت، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲.

دارابی، علی، سیاست مداران اهل فیضیه، تهران، سیاست، چاپ اول، ۱۳۷۹.

دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، جلد ۹ و ۱۰، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

پژوهشکده باقرالعلوم، دیدار با ابرار، جلد ۷۸، تهران، معاونت پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴.

---

۱- محمد مفتح، ویژگی های زعامت و رهبری، ص ۱۷.

دانستنی های انقلاب اسلامی، جلد ۲۱، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱.

مؤمن، ابوالفتح، همدان در انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

واثقی، محمدحسین، مصلح بیدار، جلد ۱، تهران، صدرا، چاپ اول، ۱۳۷۸.

ویژنامه سالروز شهادت آیت الله دکتر محمد مفتح، ماهنامه فرهنگی تاریخی شاهد یاران، سال دوم، شماره ۱۲، دی ۱۳۸۵.

یادنامه ای از بنیان گذار روز وحدت روحانی و دانشجو شهید دکتر محمد مفتح، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، بی تا.

آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده آیت الله مفتح.

نوار مصاحبه دکتر مفتح، آرشیو شبکه پنجم صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.

یادیار، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، شبکه ۴، ۱۳۷۸.

مفتاح حضور، گروه معارف شبکه دوم صدا و سیمای جمهوری اسلامی، شش قسمت، پاییز ۱۳۷۸.

بزرگداشت شهید حوزه و دانشگاه آیت الله مفتح، گروه معارف شبکه دوم صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، پاییز ۱۳۷۶.

برنامه وحدت حوزه و دانشگاه، ویژه استاد مفتح، گروه سیاسی شبکه چهارم صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، تهران، پاییز ۱۳۷۸.

## فصل ششم: با برنامه سازان

### اشاره

فصل ششم: با برنامه سازان

استاد شهید، آیت الله مفتح، یکی از چهره های برجسته علمی و فرهنگی و دانش آموخته حوزه و دانشگاه است. او کوشید این دو نهاد اساسی کشور را با یکدیگر متحد و منسجم سازد و افکار پلیدی را که میان این سنگرهای مهم شکاف ایجاد می کرد، با قدرت حکمت و معرفت و سعه صدر از بین ببرد. او با شخصیت استوار و وزینِ علمی و ایمانی خویش، جوانان را تحت تأثیر روش نو و صفای معنوی اش قرار داد.

متأسفانه هر کجا از استاد شهید آیت الله مفتح سخنی به میان می آید، حتی در محافل علمی و فرهنگی، خدمات و شخصیت والای وی فقط در اهتمام او به وحدت حوزه و دانشگاه خلاصه می شود، در حالی که بررسی ها و کارنامه پربار این شهید و مستندات دیگر نشان می دهد او در عرصه های سیاسی، فرهنگی، علمی و تبلیغی، دارای ابتکارهای جالبی بوده و تلاش های اثرگذاری کرده است که در ادامه، فهرست وار به آنها اشاره می شود.

۱. تأکید بر تحولات فرهنگی و آموزشی و ایجاد پیوند میان مردم، فرهنگیان و دانش آموزان.

۲. تقویت جنبه اعتقـادی و اخلاقی نسـل جوان و تربیت نیروهـای متـدین، مبـارز و شـجاع که در نهضت امام خمینی رحمه الله نقش آفرین بوده اند.

۳. پایگاه قرار دادن مسجد و کانون های عبادی برای امر مبارزه، تبلیغ و تلاش های فرهنگی در تهران و شهرستان ها.

۴. پژوهش های عمیق درباره فرهنگ و تمدن مسـلمانان و علل انحطاط آنان، آفت زدایی از دین و پیراستن فرهنگ اسلامی از خرافه ها، ستیز با باسـتان گرایی و ملی گرایی که روشن فکران وابسـته به رژیم پهلوی مرّوج آن بودنـد تا بدین وسـیله فرهنگ پویای اسلامی را به حاشیه برانند.

۵. ایجـاد مجمع علمی اسـلام شناسـی برای تربیت نویسـندگان جوان، خوش فکر و صـاحب قلم روان، با هـدف معرفی فرهنگ ناب اسلامی به نسل جوان و بررسی های اجتماعی و سیاسی درباره مسلمانان و جهان اسلام.

۶. مبارزه مؤثر با التقاط، انحراف های فکری و عقیدتی.

۷. شـرکت مؤثر در نهضت امام خمینی رحمه الله از راه خطابه های خردمندانه، سـخنرانی های مستدل و دقیق و نیز افشاگری ها و روشنگری هایی که در واقع نبرد فرهنگی علیه رژیم پهلوی و استکبار بود.

۸. دعوت از شخصیت های برجسته جهان اسلام به منظور تحکیم وحدت و همدلی مسلمانان.

۹. وسـعت نظر، مشـرب علمی و ظرفیت بالاـ همراه بـا قـاطعیت و مقـاومت و پافشـاری بر ارزش هـای دینی برای رشـد علمی و فرهنگی جامعه.

## موضوع های برنامه سازی

موضوع های برنامه سازی

۱. نقش آموزشی و تربیتی حاج شیخ محمود مفتح (پدر مفتح) در همدان و توابع.

۲. چرا شـهید مفتـح برای تقـویت و گسـترش انقلاـب اسـلامی، به شـهرهای مختلف سـفر می کرد و دلیـل موفقیت وی در این عرصه، با وجود فشارهای ساواک، چه بود؟

۳. دکتر مفتـح بـا سازمـان دهی هزاران نفر از مردم تهران در سـال هـای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ نمـاز عیـد فطر را در زمین های قیطریه برگزار کرد کـه این حرکت در پیروزی انقلاـب اسـلامی بسـیار مهم بـود و سرآغاز راه پیمـایی هـای گسـترده تهران شـد. این موضوع ریشه یابی شود.

۴. با اینکه دکتر مفتح در تشـییع جنازه دکتر شـریعتی شرکت کرد، گروه فرقان که مدافع افکار شریعتی بود، وی را ترور کرد. این موضوع درخور یک بررسی مستند است.

۵. بررسی رابطه آیت الله مفتح با امام خمینی رحمه الله و شخصیت هایی چون دکتر بهشتی، باهنر، قدوسی، مطهری و محلاتی.

۶. اقدامات شهید مفتح برای وحدت حوزه و دانشگاه و اسلامی کردن دانشگاه ها.

۷. مصاحبه درباره انـدیشه و کارنامه علمی و فرهنگی شـهید مفتح با افرادی که با او مأنوس بوده یا از محضـرش اسـتفاده کرده انـد، از جمله: آیت الله حسـین نوری همـدانی، آیت الله سـبحانی، آیت الله سـید حسن طاهری خرم آبادی؛ حجـج اسـلام: سـید هـادی خسـروشاهی، دکـتر سـید محمـدباقر حجـتی، هـادی غفـاری، محسـن مجتهـد شـبستری، غلامحسـین رحیمی اصـفهانی، عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، سید کاظم ارفع، سید ابراهیم سید

علوی، علی اکبر حسنی، سید جعفر شیخ الاسلامی، مهدی طارمی، غلام حسین حقّانی

۸. خاطره یابی از عبدالکریم دل داده، سید باقر سخایی، حسین مهدیان، ابوالفضل توکلی بینا و ماشاءالله رحیمی که با شهید مفتح در ارتباط بوده اند.

۹. گفت و گو با اعضای خانواده شهید مفتح از جمله فرزندانش: محمدمهدی، محمدصادق، محمدهادی و بتول مفتح و همسر شهید فاطمه جابری و محمد پیشگاهی فرد (داماد دکتر مفتح).

## پرسش های مسابقه ای

پرسش های مسابقه ای

۱. حاج شیخ محمود مفتح (پدر دکتر محمد مفتح) واعظ مشهور کدام شهر ایران بود؟

الف) کرمانشاه ب) تهران ج) کرمان (د)همدان

۲. آیت الله مفتح چه دروسی را نزد امام خمینی رحمه الله فراگرفت؟

الف) عرفان ب) خارج فقه ج) خارج اصولی (د) تمام موارد

۳. دکتر مفتح چه کتابی را در حوزه علمیه قم تدریس می کرد؟

(الف) منظومه سبزواری ب) اسفار ملاصدرا

ج) کفایه الاصول خراسانی د) هیچ کدام

۴. دکتر مفتح با چه هدفی مجمع علمی اسلام شناسی را بنیان نهاد؟

( الف) معرفی چهره راستین اسلام

ب) تحقیق درباره فعالیت های علمی مسلمانان

ج) روشن شدن رابطه علم و دین

د) تربیت کادر سیاسی و فرهنگی

۵. کدام یک از آثار دکتر مفتح، پایان نامه دوره دکترای او بود؟

ص:۱۱۱

الف) روش اندیشه( ب) حکمت الهی و نهج البلاغه

ج) آیات اصول اعتقادی قرآن د) نقش دانشمندان

۶. نظر شهید مفتح درباره مراسم چهارشنبه سوری چه بود؟

الف) رسم مضحک ب) آتش پرستی

ج) ارتجاع قبل از اسلام ( د) تمام موارد

۷. ساواک، از ورود شهید مفتح به کدام استان جلوگیری کرد؟

الف) استان همدان ب) استان قم

ج) استان گیلان ( د) استان خوزستان

۸. چه گروهی و در چه تاریخی آیت الله مفتح را ترور کرد؟

( الف) فرقان، ۲۷/۹/۱۳۵۸ ب) منافقین، ۲۷/۹/۱۳۵۸

ج) فرقان، ۲۷/۹/۱۳۵۹ د) هیچ کدام

## پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. رمز موفقیت آیت الله مفتح در تحصیلات حوزوی و دانشگاهی چه بود؟

۲. دکتر مفتح به چه منظوری کانون اسلامی دانش آموزان و فرهنگیان را بنیان نهاد؟

۳. دکتر مفتح در عرصه های پژوهشی و علمی چه اقدام هایی کرد؟

۴. شهید مفتح به کدام فضایل اخلاقی آراسته تر بود؟

۵. دکتر مفتح، علل انحطاط مسلمانان را چه می دانست؟

۶. دکتر مفتح در سفرهایش به شهرهای مختلف، چه اهدافی را دنبال می کرد؟

۷. محورهای مبارزاتی شهید مفتح چه بود؟

۸. چرا مفتح وحدت حوزه و دانشگاه را یک ضرورت مسلّم می دانست؟

ص:۱۱۲

۹. به نظر شما به چه دلیل گروه های منحرف، آیت الله مفتح را ترور کردند؟

۱۰. آیت الله مفتح در سخنرانی ها و محافل فرهنگی به چه امری تأکید داشت؟

۱۱. چرا شهید مفتح پایگاه فرهنگی خود را مسجد، مدرسه و دانشگاه قرار می داد؟

## کتاب نامه

### الف) کتاب ها

۱.آیت الله گلپایگانی به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۵.

۲.ارفع، سید کاظم، مصاحبه ای درباره خرافه و نیرنگ، تهران، فراهانی، چاپ اول، ۱۳۴۶.

۳.اسناد انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۴.باقری بیدهندی، ناصر [و دیگران]، افکار استاد شهید دکتر محمد مفتح، قم، پیام اسلام، چاپ اول، ۱۳۵۸.

۵.بهشتی، سید محمدحسین، رسالت دانشگاه و دانشجو، قم، انتشارات تشیع، بی تا.

۶.پژوهشکده باقرالعلوم(ع)، دیدار با ابرار (ج ۷۸)، تهران، معاونت پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۷.توفیقی، طاهره، گلی از باغ بهشت، تهران، صدای جمهوری اسلامی ایران، زمستان ۱۳۷۲.

۸.جعفریان، رسول، جریان ها و سازمان های مذهبی سیاسی ایران (سال های ۱۳۲۰_ ۱۳۵۷)، تهران، خانه کتاب، چاپ نهم (با اصلاحات و افزوده ها)، زمستان ۱۳۸۷.

۹.جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، گلشن ابرار (ج۲)، قم، نشر معروف، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۱۰.خاطرات طاهری خرم آبادی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۱۱.خامنه ای، سید علی، دیدگاه ها، قم، انتشارات تشیع، چاپ اول، ۱۳۶۲.

۱۲.خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۷۸.

۱۳.رحیمی، غلام حسین، زیارت خرافه است یا حقیقت، تهران، فراهانی، ۱۳۵۴.

۱۴.روحانی، سید حمید، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲.

۱۵.روزشمار انقلاب اسلامی، تهران، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۱۶.زرگر، محمد، حدیث عاشقی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱ .

۱۷.زمانی، مصطفی، به سوی اسلام یا آیین کلیسا، قم، پیام اسلام، چاپ اول، ۱۳۴۶.

۱۸.ستوده، امیررضا، پا به پای آفتاب، تهران، نشر پنجره، چاپ دوم، ۱۳۸۱.

۱۹.سه شهید، قم، انتشارات آزاد، بی تا.

۲۰.سید علوی، سید ابراهیم، جهان بینی و جهان داری علی(ع)، تهران، فراهانی، ۱۳۵۳.

۲۱.شریف رازی، محمد، گنجینه دانشمندان، تهران، اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۵۲.

۲۲.شکوری، ابوالفضل، فرهنگ رجال و مشاهیر تاریخ معاصر ایران، قم، عالمه، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۲۳.گلی زواره، غلامرضا، اسوه فرزانگی و فداکاری، قم، نور السجاد، چاپ اول، ۱۳۸۷.

۲۴.مرکز بررسی اسناد تاریخی، یاران امام به روایت اسناد ساواک (کتاب بیست و ششم شهید آیت الله دکتر محمد مفتح) تهران، وزارت اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۲۵.مرکز بررسی اسناد تاریخی، یاران امام به روایت اسناد ساواک (کتاب دوازدهم: شهید مهدی عراقی)، تهران، وزارت اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۲۶.مصطفوی کرمانی، محمد، دعا عامل پیشرفت یا رکود، تهران، فراهانی، ۱۳۵۳.

۲۷.________________________، اسلام پیشرو نهضت ها، تهران، فراهانی، ۱۳۵۳.

۲۸.مطبوعات اسلامی، قم، مؤسسه اطلاع رسانی اسلامی مرجع، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۲۹.مفتح، محمد، آیات اصول اعتقادی قرآن، قم، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور.

۳۰.______________، حکمت الهی در نهج البلاغه، تهران، پیام آزادی، چاپ اول، ۱۳۶۰.

۳۱.______________، مکتب اخلاقی و تربیتی امام صادق، تهران، جهان آرا، بی تا.

۳۲.______________، نقش دانشمندان در پیشرفت علوم، تهران، سازمان پژوهش های علمی و صنعتی ایران، چاپ دوم، ۱۳۶۱.

۳۳.______________، وحدت دو قشر روحانی و دانشگاهی، قم، نشر حجّت، بی تا.

۳۴.______________، ویژگی های زعامت و رهبری، تهران، حزب جمهوری اسلامی، چاپ اول، ۱۳۵۹.

۳۵.نیک بخت، رحیم، زندگی و مبارزات شهید آیت الله دکتر محمد مفتح، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴.

۳۶.واثقی راد، محمد حسین، مطهری مطهر اندیشه ها، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۶۲.

۳۷.یزدی، ابراهیم، آخرین تلاش ها در آخرین روزها، تهران، انتشارات قلم، چاپ پنجم، ۱۳۶۳.

### ب) نشریه

۱.صابری همدانی، احمد [و دیگران]، «نجوم امت (آیت الله العظمی آخوند ملاعلی همدانی)، دو ماهنامه نور علم، شماره ۴۶، مرداد و شهریور ۱۳۷۱.

۲.گلی زواره، غلامرضا، «کوکب آسمان حکمت»، مجله مبلغان، شماره ۳۶، شوال ۱۴۲۳ه_.ق.

۳.«بزرگ مردی در راستای تشیع سرخ»، مجله اعتصام، شماره ۱۹، آبان ۱۳۶۲.

۴.«زمینه های انقلاب اسلامی به روایت خاطره (تأسیس مکتب اسلام و مکتب تشیع)»، فصلنامه یاد، شماره ۸، پاییز ۱۳۶۶.

۵.«امام خمینی از دیدگاه شهیدان»، فصلنامه پانزده خرداد، شماره ۱۲ و ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۷۲.

۶.روزنامه جمهوری اسلامی (ویژه نامه شهیدان)، ۲۷/۹/۱۳۵۹.

۷.نشریه شما (ارگان جمعیت موتلفه اسلامی)، شماره ۱۲۷.

۸.نشریه شاهد، شماره ۲۱، دی ۱۳۵۹.

۹.شاهد یاران، ویژه نامه شهید مفتح، شماره ۱۲، دی ۱۳۸۵.

۱۰.شاهد یاران (ویژه نامه شهید مطهری)، شماره ۵ و ۶، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵.

۱۱.روزنامه اطلاعات، شماره ۱۹۲۱۷ .

۱۲.مجله مکتب تشیع، خرداد ۱۳۴۲.

۱۳.مجله نصیر، سال سوم، شماره ۱۰، پاییز ۱۳۷۳.

## ج) سخنرانی

۱.ایجاد وحدت در امت اسلام، سخنرانی شهید دکتر مفتح، مجله پیام انقلاب، شماره ۱۷۷، ۲۹ آذر ۱۳۶۵.

۲.حکومت اسلامی، سخنرانی دکتر مفتح در مسجد صاحب الزمان تهران نشریه حزب جمهوری اسلامی، شماره ۲۸، ۱/۶/۱۳۵۸.

۳.وحدت روحانی و دانشگاهی، سخنرانی دکتر مفتح در مدرسه عالی سابق پارس، مجله پیام انقلاب، شماره ۱۵۲، ۳۰ آذر ۱۳۶۴.

## د) گفت وگوها

۱.مصاحبه با آیت الله حسین نوری همدانی، مجله حوزه، شماره ۲۷، مرداد و شهریور ۱۳۶۷.

۲.مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین جمی، امام جمعه سابق آبادان، مجله پیام انقلاب، شماره ۶۸، دهم مهر ۱۳۶۱.

۳.مصاحبه با دکتر سید محمدحسین بهشتی درباره شهید مفتح، روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۵/۹/۱۳۶۰.

۴.گفت و گو با همسر شهید مفتح، مجله زن روز، شماره ۸۹۶، ۲۷ آذر ۱۳۶۱.

**ه_) برنامه های تلویزیونی**

۱.برنامه شش قسمتی مفتاح حضور، شبکه دوم سیمای جمهوری اسلامی ایران، پاییز ۱۳۷۸.

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

